

<div><div>عَدَس برای کودکان</div><div>و افراد کم خون مفید است</div></div>
<div><div>عَدَس، غذایی کامل و پُر انرژی است و ویتامین‌های «آ»، «ب» و «ث» دارد. عَدَس مقدار زیادی آهن و کلسیم دارد. از عَدَس می‌توان به جای گوشت استفاده کرد. به همین علت به آن «گوشت گیاهی» می‌گویند. عَدَس برای کودکان، افراد کم‌خون و مادران شیرده بسیار مفید و سودمند است. همچنین عَدَس برای کسانی که کارهای بدنی سخت انجام می‌دهند، به ویژه ورزشکاران مفید است. عَدَس و حبوب دیگر را موقع خوردن باید خوب جوید. این کار باعث می‌شود تا با آب دهان به خوبی مخلوط و زود هضم شود. خوردن عَدَس برای افراد چاق و کسانی که ناراحتی کبد دارند، توصیه نمی‌شود.</div></div>
<div><div>ماش و خاصیت آن</div><div>ماش ویتامین‌های «آ» و «ب» دارد. خوردن ماش دید چشم را زیاد می‌کند و باعث تقویت اعصاب می‌شود. ماش برای درمان سردرد، سرفه و تب هم مفید است. خوردن ماش با پوست همراه با کته برای رفع بیماری اسهال بسیار مفید است. این غذا که آن را «ماش پلو» هم می‌نامند، خوشمزه است به خصوص اگر آن را با ماست میل کنند.</div></div>
<div><div>تهیه و تنظیم: رسول سیف</div></div>

<div><div>راه‌هایی ساده برای درمان معده درد</div><div></div></div>
<div><div>گاهی معده افراد سالم با خوردن بعضی مواد غذایی مانند سس مایونز، کلم، خوراکی‌های سرخ شده و شور دچار درد می‌شود و از خود واکنش نشان می‌دهد.</div><div>کسانی که دچار سوء هاضمه (بدون زخم) شده‌اند، با مصرف قهوه، گوشت قرمز، غذاهای سرخ شده، نوشابه‌های گازدار و …… به درد معده گرفتار می‌شوند.</div><div>افرادی هم که زخم معده دارند، پس از خوردن قهوه، نوشابه‌های گازدار و آب میوه با درد شدید معده روبه‌رو می‌شوند.</div><div>تحقیقات نشان داده است که موز می‌تواند درمانی برای این حساسیت باشد. این موادای سنتی،سبب رفع مشکلات معده، به خصوص تسکین سوء هاضمه می‌شود.</div><div>چند راه ساده:</div><div>•چنانچه از سوء هاضمه و درد معده رنج می‌برید، روزی یک عدد موز مصرف کنید.</div><div>•آب زیاد بنوشید. چون آب مواد سمّی بدن شما را خارج می‌کند و فعالیت و روده‌ها را بهبود می‌بخشد.</div><div>•به خاطر داشته باشید که مصرف خوراکی‌هایی مثل شکلات و لبنیات به هنگام معده درد، مشکل شما را سخت‌تر می‌کند. به جای اینها از مواد خوراکی سالم‌تر مثل سبزی‌ها و میوه‌ها استفاده کنید.</div><div>• سعی کنید روزانه پیاده روی کنید، چون با این کار سیستم گوارش شما سالم‌تر می‌ماند.</div></div>

امام‌ا، ای عزیز!..ای یوسف سفر کرده!
ما یعقوب وار، چشم انتظار «فرج» هستیم.
چه کنیم؟ پس از تو، غم، خانه‌ای جز دل‌های ما را سراغ نمی‌گیرد.
اماما!.. ما غریب و دل‌سوخته‌ایم و همه چیز برایت عزادار است.
دلی که در سوگ تو نسوزد، «دل» نیست.
چشمی که در عزای تو نگرید، چشم نیست،
روزن بی‌روشنایی ای روح قدسی!
سایه پرمهر الهی بودی که بر سرمان سایه عزّت افکندی!
نوحی بودی، نجات دهنده ما در طوفان‌ها.
ایوبی بودی، صبر آموز امت در سختی‌ها.
یعقوبی بودی، الهام بخش شکیبایی.

دیابت یکی از بیماری‌های شایع در جامعه امروزی است، اما می‌توان از ابتلا به دیابت نوع ۲ (رایج‌ترین نوع دیابت) پیشگیری کرد.

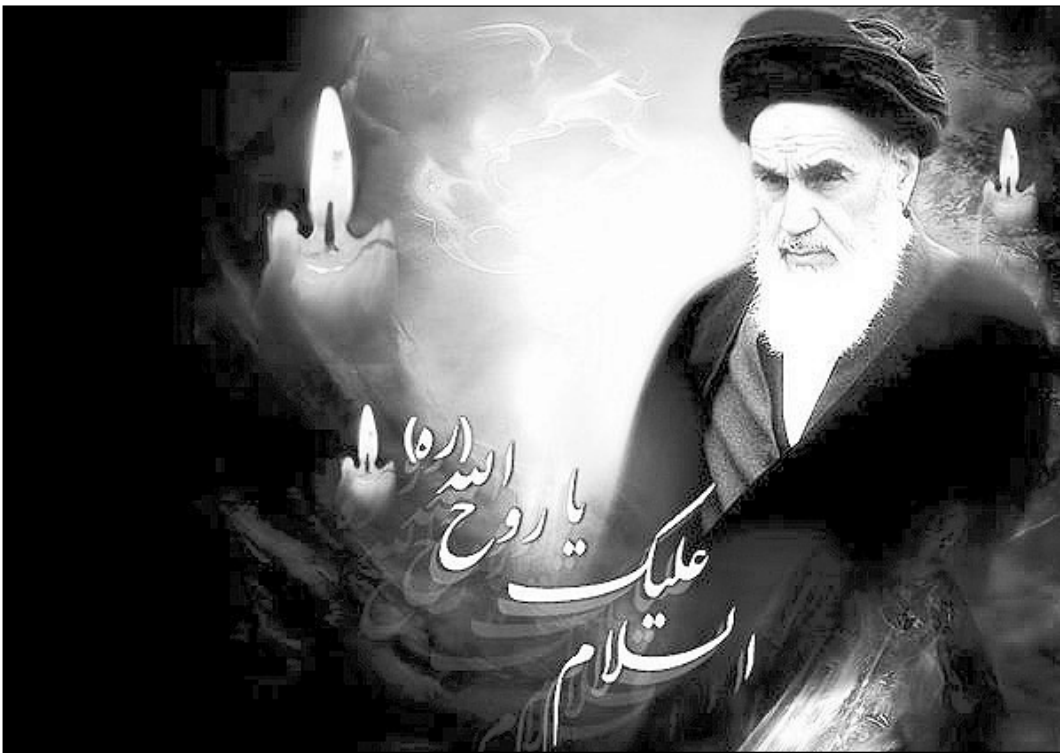
اگر شما در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به دیابت هستید (مثلا اگر دچار چاقی به ویژه چاقی شکمی هستید، یا سابقه خانوادگی ابتلا به دیابت در خانواده شما موجود است)، حتما باید پیشگیری از دیابت را در اولویت قرار دهید. تحقیقات نشان داده‌اند که هر دو مورد ورزش هوازی و تمرینات مقاومتی می‌توانند در کنترل دیابت موثر باشند و بهترین منفعت زمانی حاصل می‌شود که یک الگوی تناسب‌اندام، شامل هر دوی آن‌ها باشند. هم اکنون با انجام چند تغییر ساده در شیوه زندگی خود ممکن است بتوانید خود را از عوارض جدی دیابت مانند تخریب کلیه، اعصاب و قلب در سال‌های آینده در امان نگه دارید. پس بای تو جوهی، سلامت خود را به خطر نیندازد و از همین امروز تلاش برای حفظ سلامت خود را شروع کنید.

۵ توصیه‌ی جدیدی متخصصین تغذیه

۱- افزایش فعالیت بدنی

فعالیت بدنی منظم مزایای بسیاری در بر دارد. ورزش و فعالیت بدنی می‌تواند به شما در موارد زیر کمک کند:

***** کاهش وزن



ابراهیمی بودی که ما را آیین «تبرداری» و «پشت‌کنی» آموختی؛ رهبری بودی که راه سعادت را به رهروان می‌آموختی. خوشا به حال شهیدان که خود، تبرزن تو حید بودند.

پنج راهکار برای پیشگیری از دیابت

***** کاهش قند خون

***** افزایش حساسیت به انسولین که به شما در حفظ قند خون تان در حد استاندارد کمک می‌کند.

۲- مصرف مقدار فراوانی فیبر

فیبرها در میوه، سبزی، غلات کامل، حبوب، مغزاها و بذرها یافت می‌شوند.

فیبرها می‌توانند به شما در موارد زیر کمک کنند:

***** کاهش خطر دیابت از طریق بهبود کنترل قند خون

***** کاهش خطر بیماری قلبی

***** کاهش فشار وزن یا تقویت احساس سیری

۳- ارتقای مصرف غلات کامل

هر چند فیبر موجود در غلات کامل را مفید می‌دانند، اما هنوز به طور کامل روشن نشده است که چه عواملی علاوه بر محتوای فیبر غلات کامل در کاهش خطر دیابت و تثبیت سطوح قند خون موثرند. امروزه بسیاری از محصولات تهیه شده از غلات کامل در بازار موجودند.

بنابراین مصرف محصولات دارای کربوهیدرات‌های

سبوس‌دار را در ارجحیت قرار دهید.

سعی کنید حداقل نیمی از غلات و کربوهیدرات مصرفی روزانه شما از نوع غله کامل (سبوس دار) باشد.

بسمه تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه نوبت دوم شرکت تعاونی فرهنگیان عباس آباد تاریخ انتشار ۹۱/۳/۱۳ شنبه

نظر به اینکه مجمع عمومی عادی نوبست اول مورخ ۹۱/۳/۱۰ در تصابت نرسید لذا برای پار دوم از عوم اعضا تعاونی فرهنگیان عباس آباد دعوت می‌شود راس ساعت ۱۷ روز شنبه ۹۱/۳/۲۷ در سالن اداره آموزش و پرورش عباس آباد حضور به هم رسانید.
چنانچه عضوی نمی‌تواند در جلسه شرکت نماید، می‌تواند حق رای خود را به عضو دیگر واگذار یا نماینده نام‌الاجرا را خود را کتبا به دفتر تعاونی معرفی نماید.
جلسه با تعداد عده حاضر رسمیت می‌یابد.
دستور جلسه ۱- استماع گزارش کمی هیأت مدیره و بازرس درخصوص عملکرد سال مالی ۹۰
۲- تصویب صورت مالی سال ۹۰ و اتخاذ تصمص درخصوص نحوه تقسیم سود و زیان
۳- تصویب بودجه سال ۹۱
۴- تصویب گزارش تغییر سرمایه و اعضا (ورودخروج)
۵- تصویب اخذ وام و نهیلات بانکی یا عقد اسامی
۶- تصویب تفویض اختیار پرداخت پاداش هیسات مدیره و کارکنان
۷- تصویب و تعیین میزان افزایش سسرمایه (سهام)
۸- انتخاب بازرسین (اصلی و علی‌البدل)

هیات مدیره تعاونی فرهنگیان عباس آباد

بسمه تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن کارکنان سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور

به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالانه، نوبت دوم راس ساعت ۱۶:۳۰ مورخه ۹۱/۳/۳۱ در محل سالن مجمع خیرین مدرسه ساز کشور واقع در خیابان شریعتی بالاتر از پل صدر هیئت‌مدیر شهید میرزاپور (سپهبل سابق) تشکیل می‌گردد.
لازم به ذکر است جلسه مجمع نوبت دوم طبق قانون با هر تعداد رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه برای آن اعضا حاضر و غایب نافذ و لازم الاجرا می‌باشد.
دستور جلسه:
۱- گزارش هیئت مدیره و بازرسین
۲- گزارش مالی سال ۱۳۹۰ و تصویب بودجه ۹۱
۳- تصمص گیری در خصوص زمین کیانمهر کرج
۴- گزارش یکگیری پروژه پونک و امور باقی مانده آن
۵- انتخابات هیات مدیره و بازرسین
توضیحات:
۱-اگر حضور عضوی در مجمع میسر نبود می‌تواند وکالتا حق اعمال رای خود را به غیر بدهد و هر عضوی می‌تواند وکالت اتفر و غیر عضو وکالت ۱ نفر را بپذیرد. حضور وکیل و موکل همزمان در تعاونی الزامی است و زمان بررسی و تایید وکالت‌نماها روزهای سه‌شنبه ۹۱/۳/۲۳ و چهارشنبه ۹۱/۳/۲۴ از ساعت ۱۶ تا ساعت ۱۹ در دفتر تعاونی به نشانی: پونک انتهای سردار جنگل خ لادن خ اریکده خ چمران مجتمع اریکده تالفن ۴۲۸۴۹۹۷۴ دفتر پروژه پونک می‌باشد.
۲- طبق مقررات حضور عضو بدون مدارک مثبتیه عضویت یا وکالت‌نامه مورد تایید بازرسین وجاحت قانونی ندارد.
۳- با توجه به محدودیت مکان و لزوم کنترل هنگام تصمص گیری، چون ممکن است در برخی موارد به صورت قیام و قعود تصمص گیری شود از ورود همراه معاونت به عمل خواهد آمد به عبارتی برای هر شماره عضویت فقط یکنفر مجاز به حضور در مجمع می‌باشد.

هیات مدیره تعاونی مسکن نوسازی مدارس کشور

بسمه تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تعاونی توزیعی کارکنان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و امور دی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور (نوبت اول)

بدین وسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالبانه تعاونی که رأس ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۴/۷ در محل سالن یاران بهشتی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در بهارستان تشکیل می‌گردد شرکت کنند.

دستور جلسه:

۱-ارائه گزارش هیئت مدیره تعاونی

۲-ارائه گزارش مالی توسط بازرسان تعاونی

۳-تصویب ترانزانه و صورت حساب سود و زیان تعاونی منتهی به پایان سال ۱۳۹۰

۴-طرح و تصویب برنامه و بودجه سال ۱۳۹۱ تعاونی

۵-انتخاب بازرسان اصلی و علی‌البدل تعاونی

عـطـر طـرح و تصویب میزان کسر پس‌انداز ماهیانه از حقوق اعضا

تذکر:

۱- آن دسته از اعضای تعاونی که به هر دلیل نمی‌توانند در جلسه مجمع عمومی شرکت تعاونی حضور پیدا کنند، می‌توانند برای دادن وکالت به عضو دیگر تعاونی از تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۱ تا تاریخ ۱۳۹۱/۴/۶ همو روزه از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۴ (وکیل و موکل به همراه هم) به دفتر تعاونی در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مراجعه و برگ وکالت دریافت کنند.
۲- آن دسته از اعضای تعاونی که تمایل به کاندیداتوری در سمت بازرسی تعاونی را دارند نیز می‌توانند با به همراه داشتن کپی شناسنامه، کپی کارت ملی، کپی مدرک تحصیلی، کپی آخرین حکم کارگزینی از تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۱ تا تاریخ ۱۳۹۱/۴/۶ همه روزه از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۶ به دفتر تعاونی در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مراجعه و ثبت‌اندام نمایند.

هیأت مدیره شرکت تعاونی توزیعی کارکنان معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی توزیعی کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور

شنبه ۱۳ خرداد۱۳۹۱- ۱۱ رجب ۱۴۳۳- ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲- شماره ۲۵۳۳۷

حکیم ملاصدرا افتخار عصر صفویه

یکی از بزرگ‌ترین افتخارات عصر صفویه، وجود حکیم ملاصدرا است که در حکمت و فلسفه، صاحب مکتب و مقامی بلندمر تبه است.

او در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان آمد. نزد شیخ بهایی و میرداماد تحصیل کرد. سپس از حکیمان زمان خود شد.

ملاصدرا در میان فلاسفه و دانشمندان، صاحب مکتب است. اساس مکتبش این است که از طریق دلیل و کشف و وحی می‌توان به حقیقت و هدف رسید.

علاقه زیاد او به عرفان و بیان آن به زبان ساده، موجب شد که جمعی با او دشمن شوند.

به همین دلیل هفت سال و به قولی پانزده سال از عمر خود را در قریه کپک، نزدیک شهر قم به سر برد. او در آن جا به تفکر عمیق پرداخت.

چند بار خانه خدا را زیارت کرد و در سفر هفتم، در شهر بصره از دنیا رفت و همان جا به خاک سپرده شد.

می‌گویند روزی ملاصدرا در کنار حوض پر آب مدرسه، در درس می‌داد. فکری به خاطرش رسید. رو به شاگردان کرد و گفت: «آیا کسی می‌تواند ثابت کند آن چه در این حوض است، آب نیست؟»

چند تن از طلاب با هوش مدرسه با استفاده از بحث ثابت کردند که در آن حوض آب وجود ندارد و از مایعات خالی است.

ملاصدرا با لبخندی رو به طلاب کرد و گفت: «اکنون آیا

کسی هست که بتواند ثابت کند در این حوض آب هست؟» یعنی مقصود این است که ثابت کند که حوض خالی نیست و آن چه در آن دیده می‌شود، آب است.

شاگردان از سؤال دوباره استاد خود تعجب کردند و گفتند ما به این نتیجه رسیدیم که در حوض آب نیست.

حال نمی‌توان خلاف آن را ثابت کرد و گفت که در این حوض آب هست.

فیلسوف شرق چون همه را ساکت دید، سرش را بلند کرد و گفت:

«ولی ما با یک وسیله و عاملی قوی‌تر از دلایل شما ثابت می‌کنم که در این حوض آب وجود دارد.»

آن گاه در مقابل چشمان حیرت زده طلاب کف و دست را به زیر آب فرو برد و چند مشت آب برداشته به سر و صورت آنان پاشید.

همگی برای آن که خیس نشوند از کنار حوض دور شدند.

فیلسوف عالی قدر ابران لبخندی زد و گفت: «همین احساس شما در خیس شدن، بالاتر از هر دلیل است.»

تهیه و تنظیم: منیرالسادات موسوی

آگهی تصمیمات شرکت مشاورین سیستم آرا سهامی خاص ثبت شده به شماره ۶۹۸۲۰ و شناسه ملی ۱۰۱۱۱۴۷۵۰
به موجب صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۹۰/۵/۲۰ قوه‌داعی به کدملی ۰۲۱۲۱۲۶۴۷۱ به سمت‌رئیس هیئت‌مدیره و سهیلا خلیلی به کدملی ۳۳۵۱۱۵۹۹۱ در محل سالن اجتماعات نیرو محرکه شرکت ایران خودرو تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستورجلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس
۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورتهای مالی سال ۹۰ و تعیین بودجه سال ۱۳۹۱
۳- انتخاب بازرس قانونی

هیئت مدیره

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه (نوبت دوم) شرکت تعاونی مصرف کارکنان ایران خودرو بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی نوبت دوم که راس ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل سالن اجتماعات نیرو محرکه سالن گفرانس شرکت مگاموتور واقع در کیلومتر۸ جاده قدیم کرج برگزار می‌گردد حضور بههم رسانند.
دستورجلسه: بررسی ارائه یا انحلال فعالیت شرکت
مدیر تصفیه:علیرضا میرزاییان**

آگهی متمم دعوت مجمع عمومی عادی سالانه شرکت روانسنج (سهایی خاص) به‌شماره ثبت ۳۳۲۵ شماره‌شاهه ۱۰۱۰۱۱۸۳۳۴۲
پیرو اطلاعیه مجمع عمومی عادی سالبانه روز پنجشنبه ۹۱/۳/۲۵ که در تاریخ ۹۱/۳/۲۰ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده بدینوسیله موضوع زیر در دستور جلسه مجمع عمومی عادی سالبانه اضافه می‌گردد.
دستور جلسه:
۱- اتخاذ تصمیم در مورد بازنگری این‌نامه و مقررات اداری و مالی بیمارستان

هیئت مدیره شرکت روانسنج (بیمارستان ایرانیان)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه منطقه ۵ تهران
از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده که در رأس ساعت ۱۷/۱۰/۱۷ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل دفتر تعاونی واقع در شهران گوهار خ حاج‌ملاسیس پلاک ۱۵۳ واحد ۱ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش شرکتک هیأت مدیره و بازرس تعاونی
۲- تصمص درخصوص وضعیت فعلی تعاونی
۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴- انتخاب سه نفر به‌عنوان هیأت تصفیه
۵- تعیین محل و مدت تصفیه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن مهر ۳۶ منطقه ۵ تهران
از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده که در رأس ساعت ۱۷/۱۰/۱۷ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل دفتر تعاونی واقع در شهران گوهار خ حاج‌ملاسیس پلاک ۱۵۳ واحد ۱ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش شرکتک هیأت مدیره و بازرس تعاونی
۲- تصمص درخصوص وضعیت فعلی تعاونی
۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴- انتخاب سه نفر به‌عنوان هیأت تصفیه
۵- تعیین محل و مدت تصفیه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن مهر ۳۶ منطقه ۵ تهران
از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده که در رأس ساعت ۱۷/۱۰/۱۷ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل دفتر تعاونی واقع در شهران گوهار خ حاج‌ملاسیس پلاک ۱۵۳ واحد ۱ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش شرکتک هیأت مدیره و بازرس تعاونی
۲- تصمص درخصوص وضعیت فعلی تعاونی
۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴- انتخاب سه نفر به‌عنوان هیأت تصفیه
۵- تعیین محل و مدت تصفیه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن مهر ۳۶ منطقه ۵ تهران
از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده که در رأس ساعت ۱۷/۱۰/۱۷ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل دفتر تعاونی واقع در شهران گوهار خ حاج‌ملاسیس پلاک ۱۵۳ واحد ۱ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش شرکتک هیأت مدیره و بازرس تعاونی
۲- تصمص درخصوص وضعیت فعلی تعاونی
۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴- انتخاب سه نفر به‌عنوان هیأت تصفیه
۵- تعیین محل و مدت تصفیه

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن مهر ۳۶ منطقه ۵ تهران
از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده که در رأس ساعت ۱۷/۱۰/۱۷ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷ در محل دفتر تعاونی واقع در شهران گوهار خ حاج‌ملاسیس پلاک ۱۵۳ واحد ۱ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- استماع گزارش شرکتک هیأت مدیره و بازرس تعاونی
۲- تصمص درخصوص وضعیت فعلی تعاونی
۳- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
۴- انتخاب سه نفر به‌عنوان هیأت تصفیه
۵- تعیین محل و مدت تصفیه

بنام خدا
آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت مصرف کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور
بدین‌وسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی مصرف کارکنان سازمان سنجش آموزش کشور می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت (نوبت اول) در ساعت ۱۰:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۹۱/۴/۲۰ در محل سالن نشیبه‌ای ساختمان مشکین‌دشت کرج برگزار می‌گردد. از تمامی اعضاء دعوت می‌شود در این جلسه حضور بههم‌رسانند. ضمناً هر عضو می‌تواند حداکثر وکالت دو عضو دیگر را برای حضور در جلسه تصمص عمومی منحصرآب ارائه فرم مخصوص وکالت مهیور به مهر شرکت درج داشته باشد. وسیله ایاب و ذهاب برای همکاران شاغل در تهران راس ساعت ۹:۱۵ مهیا می‌باشد. ضمناً اعضای محترم می‌توانند فرم وکالت مهیور به مهر شرکت رادر کرج و تهران از دفتر فروشگاه تهیه نمایند و پس از تکمیل تا تاریخ ۹۱/۴/۱۵ به دفتر فروشگاه مزبور تحویل نمایند.
دستور جلسه:
۱- ارائه گزارش هیئت مدیره و بازرسین.
۲- در مورد عملکرد شرکت تعاونی در سال ۱۳۹۰
۳- فزات و تصمص صورت مالی سال ۹۰ شرکت و نحوه تقسیم سود سهام.
۴- تصمص بودجه پیشنهادی هیأت مدیره برای سال ۱۳۹۱.
۵- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل بازرسین.
۶- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی.
۷- تصمص افزایش تعداد اعضا و با کاهش احتمالی اعضا در سال ۱۳۹۱.

هیأت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان سازمان سنجش کشور

به نام خدا

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مهر رسالت اردبیل

بدینوسیله از اعضای محترم تعاونی دعوت به عمل می‌آید تا درجلسه مجمع عمومی روز جمعه مورخه ۹۱/۴/۲۳ رأس سه بعدازظهر در محل شرکت تعاونی مهر رسالت اردبیل واقع در شهرک پیله سحران تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه
۱- استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس
۲- تصویب صورتهای مالی سهالهای ۸۹-۹۰
۳- تصویب بودجه سال ۹۱
۴- انتخاب علی‌البدل هیئت مدیره و بازرس
۵- تعیین خط مشی آینده شرکت
۶- سایرمواردی که در صلاحیت مجمع عمومی باشد

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان شیراز

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالبانه شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان شیراز

آگهی مناقصه عمومی

شرکت شیر پاسنوریزه پگاه فارس درنظر دارد نسبت به خرید یک دستگاه پرکن لیوانی دهانه

۱۲۵ مورد نیاز خود ازطریق مناقصه عمومی و براساس مشخصات مندرج در برگ شرایط از

میان فروشندگان واجد شرایط اقدام نماید داوطلبین شرکت در مناقصه می‌توانند از زمان درج

آگهی همه روزه به استثنای روزهای تعطیل جهت دریافت برگ شرایط مناقصه، درخواست

کتبی خود را با درج (نام شرکت، تلفن، فاکس و آدرس ایمیل) به شماره‌های ذیل ارسال و

همچنین جهت کسب اطلاعات بیش‌تر به آدرس: کیلومتر ۳۲ جاده شیراز – تخت جمشید

شرکت شیر پاسنوریزه پگاه فارس مراجعه و پیشنهادهای خود را در پاکت‌های لاک و مهر شده

حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۱/۳/۲۸ به دبیر‌خانه این شرکت تسلیم و رسید

دریافت نمایند ضمناً این آگهی درسایت شرکت به آدرس (www.pegah-fars.com)

قابل مشاهده می‌باشد.

تلفن تماس: (۰۷۱۲-۲۳۳۶۳۹۹-۲۳۴۰۵۲۹) و فکس: (۰۷۱۲-۴۲۲۸۱۰۴) و تلفن: داخلی ۲۶۰

شرکت شیر پاسنوریزه پگاه فارس

اسرائیل: **سروریس خارجی: ناظران آگاه بر این باورند که تحرکات مرزی رژیم صهیونیستی از آغاز پیدایش تا به امروز، هرگز به برقراری امنیت برای اشغالگران منجر نشده است.**

دیوار حائل میان لبنان و فلسطین اشغالی نیز از این قاعده مستثنی نیست.این ظن وجود دارد که رژیم صهیونیستی با نصب این دیوار، درصدد سوق دادن لبنان به سمت گفتگوی مستقیم با تل آویو باشد؛ سناریویی که در مورد مصر و اردن نیز اجرا شده بود.

در این بخش از مقاله، بیشتر براین موضوع تمرکز می کنیم.

سئوال اساسی اینجااست که آیا دیوار حائل قادر به تأمین امنیت اسرائیل هست؟ اقدام رژیم صهیونیستی برای احداث دیوار مرزی بین لبنان و سرزمین‌های اشغالی، پیش از آنکه با هدف کاهش اصطکاک‌ها در منطقه صورت گرفته باشد، این رژیم را منوژی را از گذشته خواهد کرد. پانزدهم اردیبهشت ماه گذشته، عملیات احداث دیوار مرزی بین لبنان و سرزمین‌های اشغالی که بین پنج تا هفت متر ارتفاع و یک کیلومتر طول دارد، به دلیل تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک لبنان متوقف شد.

بر اساس بیانیه ارتش لبنان، رژیم صهیونیستی در جریان احداث این دیوار، بر خلاف وعده‌های قبلی، ۶۵ سانتیمتر به داخل خاک لبنان تجاوز کرده، بنابراین با توجه به درخواست لبنان، یونیفل (نیروهای وقت سازمان ملل متحد در لبنان) ادامه این عملیات را فعلا متوقف کرده است.

افزون بر ۱۳ هزار و ۵۰۰ تن از نظامیان ۲۴ کشور جهان در قالب نیروهای یونیفل در لبنان حضور دارند که در محدوده جنوب رود «لبنانی» و در مرز با فلسطین اشغالی و آب‌های ساحلی لبنان مستقر هستند.

آلمان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا بیشترین تعداد نیروها را دارند. فرماندهی این نیروها بر عهده اسپانیا است.

احداث این دیوار از یازدهم اردیبهشت‌ماه در منطقه «روابه فاطمه» واقع در روستای «کفرکلا» آغاز شد. البته به نوشته روزنامه صهیونیستی «یدیوت آهارونوت»، برنامه احداث دیوارهای مشابه در مرز لبنان در دستور کار این رژیم قرار دارد.

این روزنامه به نقل از یکی از فرماندهان جبهه شمالی این رژیم نوشت: «اولین دیوار حائل میان

لبنان و اسرائیل» در حد فاصل روستای کفرکلا در لبنان و شهرک اسرائیلی «مطله» برای جلوگیری از اقدام‌های تحریک‌آمیز احتمالی ساخته خواهد شد. البته پیش از این نیز صحبت‌هایی درباره تعیین مرز میان لبنان و سرزمین‌های اشغالی در محافل مطرح بود. برای نمونه روزنامه صهیونیستی «معاریو»، نوشته بود: ارتش رژیم صهیونیستی و سازمان ملل متحد به طور مجرمانه ترسیم خطوط مرزی را در منطقه شرقی دیوار میان اراضی اشغالی و لبنان آغاز کرده‌اند.

«نیروهای مشترک در چارچوب یک اقدام جدید در منطقه «کیونسس بفتح»، بشکه‌هایی را قرار دادند».

بر اساس این گزارش، ترسیم خطوط مرزی از طریق بشکه‌ها چندی پیش آغاز و ۴۰ کیلومتر از این خطوط مرزی به‌طور مجرمانه طی دو سال گذشته ترسیم شد. نیروهای مشترک از یک‌سال و نیم پیش اقدام به حفر کردن مین‌ها در این مرز کرده‌اند و هنوز هر هفته خطوط مرزی را در هر مکانی، طبق نقشه از پیش تدوین شده، ترسیم می‌کنند.

معاریو پیش پینی کرد که تنش‌ها در باره ترسیم خطوط مرزی میان دو طرف افزایش یابد و هر قدر نیروهای مشترک به سمت شرق پیشروی کنند و به روستای «العجر» و مزارع «شیعا» نزدیک شوند، امکان افزایش این تنش‌ها بیشتر می‌شود.

این روزنامه صهیونیستی افزود: «خط آبیی هم‌زمان با عقب‌نشینی ارتش اسرائیل از لبنان در ماه مه سال ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۹ خورشیدی) ایجاد شد و کارشناسان سازمان ملل متحد از زمان خروج نیروهای اسرائیلی در منطقه امنیتی، خطوط مرز را تعیین کردند که این اقدام بر اساس قطعه‌ام ۴۲۵ شورای امنیت صورت گرفت.

بهنانه‌ای برای تنش آفرینی صهیونیستی

«امن حیطه» کارشناس مسائل استراتژیک با اشاره به برنامه احداث دیوار حائل به روزنامه لبنانی «الواء» گفت: رژیم طرح با شکست سنگین این طرح صهیونیستی در سال ۲۰۰۰ میلادی رابطه نزدیکی دارد چرا که این شکست فقط یک مساله عادی نبود بلکه یک شکست استراتژیک بود که اثرات آن، هنوز در دشمن مشاهده می‌شود.

و اداه داد:شکست رژیم صهیونیستی در آن زمان، منجر به نابودی رویای این رژیم برای تصرف منطقه «از فرات تا نایل» شد

و اینک این رژیم برای حمایت از خود، به پروژه ساخت دیوار روی آورده و این همان کاری است که در گذشته در کرانه باختری رود اردن و مصر انجام داد. به گفته او، این طبیعی است که رژیم صهیونیستی به ساخت دیوار در مناطق مرزی لبنان با سرزمین‌های اشغالی فلسطین روی آورد، چرا که این رژیم سیلی سختی از لبنان خورده است. حطیط افزود: مقام‌های لبنان باید نسبت به جایگاه و محل ساخت این دیوار، حساسیت و دقت کافی به خرج دهند، چرا که رژیم صهیونیستی در تلاش است این دیوار را در داخل خاک لبنان

♦♦♦♦♦

*** ساخت دیوار حائل در مرز کشوری مانند لبنان، در شرایطی که ملل عرب به سبب بیداری اسلامی خواستار قطع روابط با رژیم صهیونیستی هستند، از بارزترین کام‌های تدافعی این رژیم و نشانه انزوای روز افزون آن، حتی در میان همپیمانان استراتژیک اشغالگران است**

♦♦♦♦♦

مقاومت لبنان، از توطئه‌های تاریخی – فرهنگی تا تحرکات رژیم صهیونیستی

دیوار حائل؛ امنیت یا انزوای صهیونیسم؟



به عمق یک و نیم متر بسازد؛ از این

رو لبنان باید از تجاوز این رژیم به خاک کشور خود، از راه‌های دیپلماتیک و سیاسی و در مرحله بعد از طریق نظامی، جلوگیری کند.

با توجه به تجاوز ۶۵ لبنان طی عملیات احداث دیوار در حدفاصل روستای کفرکلا با فلسطین اشغالی، به نظر می‌رسد پیش پینی «حیطه» و بسیاری دیگر از کارشناسان مسائل منطقه درباره

بوده است.

برای نمونه، پیشروی ۱۵۰۰ متری نیروهای این رژیم در اوایل استفاده ۱۳۹۰ و نصب سپهرم خاردار متصل به جریان برق در منطقه «جل الدیر» واقع در جنوب شرقی روستای «عیترون»، با شکایت رسمی لبنان روبرو شد. رژیم صهیونیستی آمده است: رژیم صهیونیستی اقدام کرده و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار، تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.

اختلاف‌ها بر سر مرزهای دریایی ترسیم شده میان لبنان و رژیم صهیونیستی را نیز نباید از یاد ببریم.

لبنان حدود دو سال پیش و در پی اعلام خبر کشف یک میدان گازی و نفتی با برآورد ارزش ابتدایی ۵۰ میلیارد دلار،

تجاوز آشکار به حاکمیت ارضی لبنان قلمداد شده و مغایر با مفاد قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت است و صلح جهانی را نیز به خطر می‌اندازد.



بخش دوم وپایانی

مقاومت لبنان، از توطئه‌های تاریخی – فرهنگی تا تحرکات رژیم صهیونیستی

مقام‌های لبنان باید نسبت به جایگاه و محل ساخت این دیوار، حساسیت و دقت کافی به خرج دهند، چرا که رژیم صهیونیستی در تلاش است این دیوار را در داخل خاک لبنان

به عمق یک و نیم متر بسازد؛ از این رو لبنان باید از تجاوز این رژیم به خاک کشور خود، از راه‌های دیپلماتیک و سیاسی و در مرحله بعد از طریق نظامی، جلوگیری کند

♦♦♦♦♦

در شرق دریای مدیترانه از سوی شرکت آمریکایی «نویل انرژی»، حدود مرزهای دریایی خود را با رژیم صهیونیستی به سازمان ملل متحد ارائه کرد.

مقام‌های لبنانی معتقدند نقشه آنان بر اساس توافقانه آتش‌بس سال ۱۹۹۹ است و توافق این رژیم با قیصر مغایر توافق لبنان با قیصر است.

در سال ۲۰۰۷ است. رژیم صهیونیستی نیز حدود یک سال بعد، اقدامی مشابه انجام داد که مقدمات شکایت بیروت به سازمان ملل را به سبب نقض حرم ۸۶۰ کیلومتر مربع از آب‌های این کشور، فراهم کرد.

روزنامه لبنانی «السفیر» با اعلام خبر تصویب خطوط فعلی مرزی دریایی با لبنان در جلسه کابینه رژیم صهیونیستی، آن هم برخلاف حقوق لبنان، هشدار داد

که مرحله جدیدی از درگیری میان دو طرف بر سر منابع نفتی و گازی آغاز شده است.

این اقدام تل آویو، پس از این اتفاق که وکی مستقیم با لبنان مذاکره مستقیم صهیونیست‌ها با لبنان ایجاد می‌کند. با توجه به محکومیت اقدام‌های رژیم صهیونیستی از سوی سازمان ملل متحد، روزنامه لبنانی «السفیر» نوشت: اسرائیل به نظر می‌رسد قصد دارد با این اقدام، مواضع خود را در مورد مرزهای دریایی، با رژیم صهیونیستی در مورد مرز دریایی لبنان، به چالش بکشد.

این صناع در نظر دارد اقدام مشروحه زیر مربوط به خودرو تولیدی خود را از طریق مناقصه خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که قادر به تامین کالای مورد نظر می باشند، می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با تلفن ۰۲۳۴-۶۳۲۲۹۸۲ و فکس ۰۲۳۴-۶۳۲۲۹۸۲ با در اختیار داشتن سوابق و مدارک شرکت جهت دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به این صناع به آدرس: اصفهان- زرین شهر- مجتمع صنایع دفاع- صنایع زرین خودرو مراجعه نمایند.

این صناع در نظر دارد اقدام مشروحه زیر مربوط به خودرو تولیدی خود را از طریق مناقصه خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که قادر به تامین کالای مورد نظر می باشند، می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با تلفن ۰۲۳۴-۶۳۲۲۹۸۲ و فکس ۰۲۳۴-۶۳۲۲۹۸۲ با در اختیار داشتن سوابق و مدارک شرکت جهت دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به این صناع به آدرس: اصفهان- زرین شهر- مجتمع صنایع دفاع- صنایع زرین خودرو مراجعه نمایند.

این صناع در نظر دارد انواع پالت چوبی مورد نیاز بسته بندی قطعات خودروهای تولیدی صادراتی خود را از طریق مناقصه خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می باشند، می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با تلفکس ۲۹۹۸ و ۰۲۳۴-۶۳۲۲۹۸۲ با در اختیار داشتن سوابق و مدارک شرکت جهت بررسی و دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت به این صناع به آدرس: اصفهان- زرین شهر- مجتمع صنایع دفاع- صنایع زرین خودرو مراجعه نمایند. ضمنا اسناد مناقصه، مدارک و مشخصات ابعاد مورد نیاز پس از بازدید و توجیه انجام کار، در محل این صناع ارائه می گردد.

ضمنا هزینه درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

هیات مدیره

شرکت موج نیرو

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیات مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد عملکرد دوره مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹

۲- انتخاب بازرس قانونی و حسابرس

۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

۴- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می باشد.

هیات مدیره

شرکت لوله سازی ماهشهر (سهامی خاص)

دستور جلسه:

۱۳ خرداد ۱۳۹۱ - ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۳۳ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۳۲۷

لگه‌پای هکی کلاه

تشکیل ستاد بزرگداشت سی و یکمین سالروز

شهادت شهید د کتر مصطفی چمران

نخستین جلسه هماهنگی ستاد بزرگداشت برنامه‌های سی و یکمین سالروز شهادت مرد عرصه علم و جهاد،شهید دکتر مصطفی چمران برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، در این جلسه، مهندس مهدی چمران رئیس بنیاد فرهنگی شهید چمران، تبیین ابعاد شخصیتی، فکری و معنوی، بینش عمیق راهبردی و سیاسی و ولایت‌مداری شهید چمران را از ویژگی‌های یادداشت سسی و یکمین سالگرد این شهید بر شمرد و افزود: هشت برنامه فرهنگی، علمی از تاریخ ۲۵ خرداد تا دوم تیر در سازمان‌ها و نهادهای لشکری و کشوری و مردمی، بر گزار خواهد شد.

بنابراین گزارش، سردار سر تیپ ۲ پاسدار داد غیانی‌دار معاون روابط عمومی و تبلیغات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و دبیر ستاد بزرگداشت شهید چمران هم اقدام‌های ستادی، فرهنگی و رسانه‌ای برنامه‌های سالگشت شهید چمران را یادآور شد و گفت: ادارات حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در سراسر کشور علاوه بر مراسم سخنرانی، نمایشگاه عکس و کتاب‌های منتشر شده شهید و الاوقات دگر مصطفی چمران را ایجاد خواهند کرد.

بزرگراه شهید صیاد شیرازی تا اراج امتداد می‌یابد

به منظور ساماندهی گره بزرگ ترافیکی شمال‌شرق تهران و خارج کردن این محدوده از بن بست عبوری، بزرگ‌راه شهید صیاد شیرازی تا محله اراج امتداد می‌یابد.

به گزار «تهران سبما» مهندس محمد ششیری معاون فنی و عمرانی شهرداری منطقه یک با بیان مطلب فوق اظهار داشت: با بازگشایی این گره در چند فاز حداقلص خیابان صنایع تا خیابان ۲۲ بهمن در محله اراج، گره ترافیکی چند ساله در این محدوده ساماندهی می‌شود.

معاون فنی و عمرانی شهرداری منطقه یک با اشاره به مشکلات تملکی تصریح کرد: کل پروژه به طول یک کیلومتر است که بخشی از آن آغاز شده است و با اتمام تملک معارض‌ان، این طرح تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد.

به گفته مهندس ششیری این گره ترافیکی مقابل بیمارستان شهید چمران و تقاطع صنایع به دلیل تغییر جهت حرکت وسایل نقلیه‌ای که از جنوب به شمال بزرگراه شهید صیادشیرازی در حرکتند و به سمت شرق به غرب بزرگراه شهید صدر تغییر جهت می‌دهند ایجاد می‌شود که با اجرای طرح فوق، این حرکت‌ها از طریق زیر گذر انجام می‌شود.

لگه‌پای هکی کلاه

۴ کشته در تصادف محور شیراز- فیروزآباد

سرویس حوادث: سانحه رانندگی در محور شیراز - فیروزآباد چهار کشته و یک مجروح برجا گذاشت.

رئیس پلیس راه استان فارس گفت: این حادثه بر اثر برخورد خودروی های وانت یکسان سواری سمنند و ۵۰۰ وری دود در این حادثه راننده و دوسر نشینین خودرو سمنند و راننده پژو کشته شدند و یکی دیگر از سرنشینان خودرو سمنند مصدوم و به بیمارستان منتقل شد.
همراهگ احمدی علت این حادثه را انحراف و چپ و وانت یکپکان اعلام کرد.

برگشت زودهنگام جک خودرو

سرویس حوادث: نقص فنی کابینت یک کمپرسی کامیونت سبب برگشت زودهنگام، بر روی بدنه خودرو شدو و در نتیجه راننده کامیونت را به کام مرگ کشاند.

در این حادثه در یکی از مراکز تخلیه نخاله واقع در غرب به شرق جاده دماوند رخ داد.

فهاد توسط یکی، افسر آمده منطقه ۳ عملیات آتش نشانی تهران، دربارِه این حادثه اظهار داشت: راننده این کامیونت هنگام تخلیه نخاله در بین شاسی و کمپرسی مشغول کار بود که ناگهان به علت نقص فنی، جک خودرو برگشت و سبب شد تا راننده زیر کمپرس خودرو گرفتارشود.

وی افزود: آتش نشنانان به محض ورود به محته حادثه با استفاده از ابزار ویژه نجات، جسد این فرد را بیرون کشیدند.

دستگیری ۴ زنماد

سرویس حوادث: مأموران آگاهی شهید سه رمال را بازداشت کردند.

شکایت‌های متعددی مبنی بر کلاهبرداری از طریق رمالی در نقاط مختلف شهر مشهد در روزهای آخر اردیبهشت به دست مأموران پلیس آگاهی این شهر رسید. در پیگیری هاهمعلوم شد که سه نفر کلاهبردار در مناطق مختلف شهر مشهد، به صورت گروهی دست به کلاه مبالغ هنگفت از مردم برای حل مسائل و مشکلات آنها می‌کنند. رمالان کلاهبردار با ادعای این‌که از آینده افراد خبر دارند، به قریب مراجعه کنندگان خود پرداخت و مبالغ سنگینی را از آنان دریافت می‌کردند. مأموران با اطمینان از صحت موضوع، این سه نفر را در مناطق سیدی، بلوار کریمی و زرینه مشهد دستگیر کردند.و رمالان متقلب که به همراه ادا و ادوات چرم خود به آگاهی دلالت شده بودند، بلافاصله به جرم خود اعتراف کردند.

سیل به مزارع کشاورزی خوی خسارت زد

خوی؛-ارومیه-بخشدار خوی مرکزی خوی گفت: بارش شدید باران و جاری شدن سیل در روزهای اخیر خسارات سنگینی به مزارع کشاورزی و زیرساخت‌های مردمی در خوی این شهرستان وارد ساخته است. جلال حسینی در جریان بازدید از مزارع و زیرساخت‌های خسارت دیده از جریان سیل در بخش مرکزی خوی گفت: بر اثر جاری شدن سیل ۱۲ کیلومتر از راهای روستایی بخش مرکزی خوی تخریب شده و به زیر مساحت‌های ۱۰ روستایی این بخش نیز خسارت وارد آمده است. وی افزود: در جریان دریافت می‌کردند، مأموران با اطمینان هم در روستاهای قرخ پاشار و خاقانه دچار آبگرفتگی شدند. حسنی میزان خسارت وارد ناشی از جریان سیل را بیش از ۱۰ میلیارد ریال اعلام کرد.

پلیس چپ ۳۰۰۰ کودک

را از چنگ قاچاقچیان آزاد نجات داد

چین: اداره امنیت عمومی وزارت راه آهن چین از انهدام یک شبکه قاچاق کودک توسط مأموران پلیس استان یونان در جنوب غرب این کشور خبر داد و اعلام کرد: این عملیات ۳۱ کودک نجات پیدا کرد. این کودکان در استان یونان ربوده و در استان‌های هیبی و شاندونگ در شمال چین فروخته شده بودند.پلیس اداره راه آهن شهر کانگینگ مرکز استان یونان با استقرار در هفت شهر مختلف این سه استان ۷۸ مظنون را دستگیر کرد.

بازداشت آمریکایی استعمار

آمریکا: یک دانشجو آمریکایی در مینسداپاتز گفت که پس از کشتن هم دانشجویان خود، بدن وی را قطعه قطعه کرده و قلب و مغز او را خورده است.

«الکساندر کینو» بیست و یک ساله در دانشگاه دولتی مورگان در باتیمور ایالت مریلند مشغول تحصیل بود. پس از این‌که برادر الکساندر تالبتمور از بدن قربانی از جمله سر و دست‌های وی در منزل برادرش دید پلیس را در جریان این جنایت قرار داد. قربانی به نام «کوچو بونسلفو آچی کودی» سی و هفت ساله از جامعه گذشته نابدید شده بود. این رویداد در حالی از سوی رسانه‌های آمریکایی صورت می‌شود که شنبه گذشته نیز زنی درگذشته که مرد که در حال خوردن غذای شور یکی بی خانمان بود از سوی پلیس مورد هدف قرار گرفت و کشته شد.این رویداد در میامی آمریکا اتفاق افتاد. پلیس آمریکا اعلام کرده است اینگونه رفتارهای جنایی احتمالاً تحت تأثیر مصرف برخی مواد مخدر جدید است.



کانادا:بارش باران در روزهای گذشته، سبب آبگرفتگی در سطح خیابان‌های شهر مونترال کانادا شد و ایستگاه‌های مترو این شهر به دلیل آب گرفتگی طی ۲۴ ساعت در خاموشی فرو رفت و قطارها را کار افتادند. یکی از مدیران مترو مونترال گفت: به علت آبگرفتگی برق مترو قطع شده است. وی گفت: این حادثه مسئولان شهرداری را غافلگیر کرده است، زیرا امکانات و برنامه ریزی لازم برای مقابله با این نوع از حوادث که مترو شهر را دچار آب گرفتگی کند، پیش بینی نشده بود. بر اثر جاری شدن سیل در برخی از نقاط شهر، تونل‌های اصلی شهر که مناطق دو طرف رودخانه مونترال را به هم متصل می‌کند، مسدود شده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

پر سنل نهادهای نظارتی، سپاه سلامت اداری کشور هستند

حقوق مردم استفاده می‌کند بنابراین باید بسیار مراقبت شود تا نگذاریم کسی در بیت‌المالی که مال عمومی و حقوق عامه است تصرف شخصی یا کرده‌ی کند.

وی افزود: مراقبت از دستگاه‌ها یک ضرورت و نیاز جدی است و اگر به آن بی توجه باشیم فلسفه وجودی دیوانسالاری از بین می‌رود.

حجت‌الاسلام پورمحمدی با اشاره به دیوانسالاری و بروکراسی گفت: باید داری با رویکرد حل مشکلات جامعه و بدون کمترین دخل و تصرف در بیت‌المال عمومی، برنامه‌ریزی و جهت داده شود.

وی افزود: ما همه نهادها‌های نظارتی، باید خود را محاسبه کنیم بینم که حساب و کتابمان درست است یا نه، اول خود را محاسبه کنیم بعد دیگران را، آن وقت نظارت و محاسبه ما به استقرار نظام سالم اداری منجر می‌شود. وی ۲۴ هزار حلقه ذی‌حسابان، خراست‌ها، حفاظت‌ها و مدیران و پرسنل نهادهای نظارتی: را سپاه سلامت اداری نامید و گفت: قوانین خوبی در حوزه نظارت، تدوین و تصویب شده، ایران توانایی برای اجرا اندیشیده شده، فقط باید هماهنگی‌ها و تعامل بین سیستم‌های نظارتی بیشتر شود تا توقع جامعه، مبنی بر استقرار و افزایش سلامت اداری محقق شود.

ان افزود: به عنوان دستگاه سالم‌ساز و سلامت‌آورین، باید عیب و نقص‌ها را اول از خودمان دور کنیم و در این صورت است که تأثیر گذار خواهیم بود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: امروز در ایران اسلامی شاهد حجت‌الاسلام والمسلمین

پورمحمدی بر دقت در نوع و نحوه برخورد‌ها تأکید کرد و افزود: بایدمدیران و کارکنان را با یک هزینه‌ترسین راه، دعوت به اصلاح و درست‌تری کرد و جوری نباشد برای انجام یک کار خیر و یا اصلاح یک روند نامصحیح، هزینه‌های بی‌موردی دستگاه تحمل کرد.

وی اضافه کرد: با همکاری و جداسازی مجموعه دستگاه‌های عضو شورای دستگاه‌های نظارتی و با همکاری خراست‌ها، حفاظت‌ها و ذی‌حساب‌ها می‌توان دستگاه‌های اداری و اجرایی را به بهترین نحو نظارت کرد. وی گفت:بایدمدیران و کارکنان را با قوانین و تقاض آسب آشنا کرد چون آشنایی با قوانین غلت بسیاری از انحرافات و تخلفات است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بحث درباره راه‌آه اومیه نیز به اشاره به وجود ۲۴ هزار حلقه ذی‌حسابان، خراست‌ها، حفاظت‌ها و مدیران و پرسنل نهادهای نظارتی: را سپاه سلامت اداری نامید و گفت: قوانین خوبی در حوزه نظارت، تدوین و تصویب شده، ایران توانایی برای اجرا اندیشیده شده، فقط باید هماهنگی‌ها و تعامل بین سیستم‌های نظارتی بیشتر شود تا توقع جامعه، مبنی بر استقرار و افزایش سلامت اداری محقق شود.

ان افزود: به عنوان دستگاه سالم‌ساز و سلامت‌آورین، باید عیب و نقص‌ها را اول از خودمان دور کنیم و در این صورت است که تأثیر گذار خواهیم بود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به تهدیدهای دشمنان گفت: امروز در ایران اسلامی شاهد حجت‌الاسلام والمسلمین

پورمحمدی بر دقت در نوع و نحوه برخورد‌ها تأکید کرد و افزود: بایدمدیران و کارکنان را با یک هزینه‌ترسین راه، دعوت به اصلاح و درست‌تری کرد و جوری نباشد برای انجام یک کار خیر و یا اصلاح یک روند نامصحیح، هزینه‌های بی‌موردی دستگاه تحمل کرد.

وی اضافه کرد: با همکاری و جداسازی مجموعه دستگاه‌های عضو شورای دستگاه‌های نظارتی و با همکاری خراست‌ها، حفاظت‌ها و ذی‌حساب‌ها می‌توان دستگاه‌های اداری و اجرایی را به بهترین نحو نظارت کرد. وی گفت:بایدمدیران و کارکنان را با قوانین و تقاض آسب آشنا کرد چون آشنایی با قوانین غلت بسیاری از انحرافات و تخلفات است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بحث درباره راه‌آه اومیه نیز به اشاره به وجود ۲۴ هزار حلقه ذی‌حسابان، خراست‌ها، حفاظت‌ها و مدیران و پرسنل نهادهای نظارتی: را سپاه سلامت اداری نامید و گفت: قوانین خوبی در حوزه نظارت، تدوین و تصویب شده، ایران توانایی برای اجرا اندیشیده شده، فقط باید هماهنگی‌ها و تعامل بین سیستم‌های نظارتی بیشتر شود تا توقع جامعه، مبنی بر استقرار و افزایش سلامت اداری محقق شود.

ان افزود: به عنوان دستگاه سالم‌ساز و سلامت‌آورین، باید عیب و نقص‌ها را اول از خودمان دور کنیم و در این صورت است که تأثیر گذار خواهیم بود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به تهدیدهای دشمنان گفت: امروز در ایران اسلامی شاهد حجت‌الاسلام والمسلمین

پورمحمدی بر دقت در نوع و نحوه برخورد‌ها تأکید کرد و افزود: بایدمدیران و کارکنان را با یک هزینه‌ترسین راه، دعوت به اصلاح و درست‌تری کرد و جوری نباشد برای انجام یک کار خیر و یا اصلاح یک روند نامصحیح، هزینه‌های بی‌موردی دستگاه تحمل کرد.

وی اضافه کرد: با همکاری و جداسازی مجموعه دستگاه‌های عضو شورای دستگاه‌های نظارتی و با همکاری خراست‌ها، حفاظت‌ها و ذی‌حساب‌ها می‌توان دستگاه‌های اداری و اجرایی را به بهترین نحو نظارت کرد.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بحث درباره راه‌آه اومیه نیز به اشاره به وجود ۲۴ هزار حلقه ذی‌حسابان، خراست‌ها، حفاظت‌ها و مدیران و پرسنل نهادهای نظارتی: را سپاه سلامت اداری نامید و گفت: قوانین خوبی در حوزه نظارت، تدوین و تصویب شده، ایران توانایی برای اجرا اندیشیده شده، فقط باید هماهنگی‌ها و تعامل بین سیستم‌های نظارتی بیشتر شود تا توقع جامعه، مبنی بر استقرار و افزایش سلامت اداری محقق شود.

ان افزود: به عنوان دستگاه سالم‌ساز و سلامت‌آورین، باید عیب و نقص‌ها را اول از خودمان دور کنیم و در این صورت است که تأثیر گذار خواهیم بود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به تهدیدهای دشمنان گفت: امروز در ایران اسلامی شاهد حجت‌الاسلام والمسلمین

پورمحمدی بر دقت در نوع و نحوه برخورد‌ها تأکید کرد و افزود: بایدمدیران و کارکنان را با یک هزینه‌ترسین راه، دعوت به اصلاح و درست‌تری کرد و جوری نباشد برای انجام یک کار خیر و یا اصلاح یک روند نامصحیح، هزینه‌های بی‌موردی دستگاه تحمل کرد.

وی اضافه کرد: با همکاری و جداسازی مجموعه دستگاه‌های عضو شورای دستگاه‌های نظارتی و با همکاری خراست‌ها، حفاظت‌ها و ذی‌حساب‌ها می‌توان دستگاه‌های اداری و اجرایی را به بهترین نحو نظارت کرد. وی گفت:بایدمدیران و کارکنان را با قوانین و تقاض آسب آشنا کرد چون آشنایی با قوانین غلت بسیاری از انحرافات و تخلفات است. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در بحث درباره راه‌آه اومیه نیز به اشاره به وجود ۲۴ هزار حلقه ذی‌حسابان، خراست‌ها، حفاظت‌ها و مدیران و پرسنل نهادهای نظارتی: را سپاه سلامت اداری نامید و گفت: قوانین خوبی در حوزه نظارت، تدوین و تصویب شده، ایران توانایی برای اجرا اندیشیده شده، فقط باید هماهنگی‌ها و تعامل بین سیستم‌های نظارتی بیشتر شود تا توقع جامعه، مبنی بر استقرار و افزایش سلامت اداری محقق شود.

ان افزود: به عنوان دستگاه سالم‌ساز و سلامت‌آورین، باید عیب و نقص‌ها را اول از خودمان دور کنیم و در این صورت است که تأثیر گذار خواهیم بود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به تهدیدهای دشمنان گفت: امروز در ایران اسلامی شاهد حجت‌الاسلام والمسلمین

تجدید میثاق فرماندهان ناجا با آرمان‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی



سرویس حوادث: مراسم تجدید میثاق فرماندهان ناجا با آرمان‌های امام (ره) با حضور جانشین فرمانده نیروی انتظامی کشور و جمعی از فرماندهان و مدیران ارشد این نیرو در حسینیه چمران برگزار شد.

در این مراسم صفار بندر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: سال ۱۳۴۳ زمانی که رژیم شاه تصمیم به تجدید امام خمینی (ره) گرفت، ایشان را به نجف تبعید کردند؛ چرا که به دنبال آن بودند تا امام خمینی (ره) را که دانش آموخته حوزه علمیه که بود، با بزرگان و رجال حوزه علمیه مواجه کنند.

وی اضافه کرد: اما پس از حضور امام خمینی در نجف اشرف و آغاز درس ایشان، در همان روزهای ابتدایی، بزرگان نجف یکی به یک به استیضاح امام آمدند و همین دیدار، مشخص شد رژیم ستم‌شاهی در دنبال کردن این هدف به بن بست رسیده است و نگرانی دوستان این بود که درس امام در نجف پا نگیرد. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، تأکید کرد: بعد از گذشت چندین جلسه از درس امام همگان شاهد بودند، که شلوغ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کلاس‌ها، مربوط به درس‌های حضرت امام بود، چرا که ایشان شجاعانه و با صلابت حرف حق را می‌زدند و تمام هزینه‌های آن را متقبل بودند.

وی ادامه داد: اما آنچه که باعث جلب همگان می‌شد، باور امام به معاد و اینکه به غیر از خدا به چیز دیگری فکر نمی‌کرد، بود و همین موجب شد در دلها نفوذ کند و درزمان خاک سپاری امام دیدیم که جمعیت میلیونی به بدرقه ایشان آمدند. صفار بندرنی یادآور شد: فرماندهان گره روزی به جای خدمت به مردم به فکر قدرت نمایی باشند، دیگر به درجات رفیع نخواهند رسید بنابراین رمز موفقیت آنان ایمان و تقوا در راه الهی است.

«تجدید میثاق رزمندگان سپاه محمد رسول‌الله (ص)

رزمندگان سپاه حضرت محمد رسول الله (ص) تهران بزرگ نیز با آرمان‌های امام خمینی (ره) تجدید پیمان کردند.

فرمانده مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه حضرت محمد رسول‌الله (ص) تهران بزرگ به همراه فرماندهان و مسئولان این سپاه و ۶۰۰۰ نفر از رزمی‌کاران بسیجی ذوالفقار با حضور در مرقد امام (ره) با هدایت تاج دل‌ی و ادای احترام به ضریح مطهر، با آرمان‌های والای امام خمینی (ره) و شهدای انقلاب اسلامی تجدید عهد و میثاق و با مقام عظمای ولایت ایامت بیعت و وفاداری کردند.

ارزش صحنه جرم در دست نخورده بودن آن

که صدمات موجود در بدن متوفی امر تشريح و صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور با اشاره به این که صحنه جرم زمانی ارزش دارد که دست نخورده باشد، گفت: وظیفه و اقتضای این صحنه جرم عدم ورود و کنجکاوی نکردن است. جابیر قدرقوی اظهارداشت: کارشناسان پزشکی قانونی هر زمان امکانی است تحقیق برای بررسی صحنه جرم حضور آنها را لازم بدانند، حاضر می‌شوند.

وی افزود: کارشناسان پزشکی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی با بی‌پایان این که همچنین بعضی از افراد پاک شده زیر پوشش کمیته اسناد امام خمینی (ره) و بهزیستی قرار می‌گیرند، افزود: با هماهنگی کارخانهای استان برای بعضی از افراد پاک شده کتون ایجاد می‌شود. وی گفت قوه که مسئول دستگاههای بلوک‌نرزی و تیرچرزی در این مرکز ایجاد شده و در حال بازیستی با پیمانکاران مسکن مهر استان هسپتم کارشناسان صحنه جرم پزشکی قانونی در صحنه‌هایی که علت فوت اهام داشته و مرگ مشکوک یا غیر طبیعی باشد با علم پزشکی به بررسی صحنه جرم می‌پردازند.

قوه‌دانی اظهار داشت: اظهار نظر صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی در تسریع روند پرونده به مقام قضایی بسیار کمک می‌کند. برای مثال اگر در اساس شواهد پزشکی مشخص شد که سوزی در یکی از فروشگاه‌های شهر دوحه قطر که تاجر به جان سپردند، شمشیر از خودرو خارجی به این چند کدوک و یک آتش نشان ایرانی شده، با خانوادهای داغدیدگان این حادثه، این امر مدبر می‌شود. به گزارش اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، رامین مهبازتن با تسلیت به خانواده محمود پولادی آتش نشان ایرانی مقیم دوحه که در این حادثه شده در دود و آتش اقبالام کرد و اینکار گانه وی در نجات جان انسان‌ها تجلیل کرد. سفارت ایران در قطر نیز در بیانیه‌ای درگذشت آتش نشان ایرانی در دوحه را تسلیت گفت. محمود پولادی سبب و شش ساله مامور آتش نشانی شهر دوحه هنگام بروز این حادثه مهیب آتش

سرویس حوادث: سخنگوی وزارت امور خارجه کشورما با ابراز تأسف از وقوع حادثه دلخراش آتش سوزی در یکی از فروشگاه‌های شهر دوحه قطر که تاجر به جان سپردند، شمشیر از خودرو خارجی به این چند کدوک و یک آتش نشان ایرانی شده، با خانوادهای داغدیدگان این حادثه، این امر مدبر می‌شود.

به گزارش اداره اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه، رامین مهبازتن با تسلیت به خانواده محمود پولادی آتش نشان ایرانی مقیم دوحه که در این حادثه شده در دود و آتش اقبالام کرد و اینکار گانه وی در نجات جان انسان‌ها تجلیل کرد. سفارت ایران در قطر نیز در بیانیه‌ای درگذشت آتش نشان ایرانی در دوحه را تسلیت گفت. محمود پولادی سبب و شش ساله مامور آتش نشانی شهر دوحه هنگام بروز این حادثه مهیب آتش

نجات دختر بچه ربوده شده

از دست سوداگران مرگ

سرویس حوادث: رئیس اداره اطلاعات ورامین از بازگرداندن دختر هشت ساله ربوده شد توسط اعضای یک شبکه موادمخدر به دامان خانواده اش طی یک عملیات پیچیده اطلاعاتی خبر داد.

حسین اصغر زاهد گفت: چهار سرنشین یک دستگاه خودرو و زانتیا شامگاه ۱۲۵۵در پیست این خنجرچه را در باقباد ورامین یبوند.

به گزارش فارس، رئیس اداره اطلاعات و شهرستان ورامین اظهار داشت: پس از اطلاع این حادثه به مأموران کلاترزی و با توجه به اهمیت این موضوع، پیگیری امر به سرازان گمان‌آورد امام (صح) و آگاهدار شد.

وی افزود: با بررسی‌ها مشخص شد که این دختر بچه به اهواز منتقل شده است و رابیندگان از اعضای یک شبکه قاچاق موادمخدر هستند و بر همین اساس کارآگاهان و افسران در اداره اطلاعات شهرستان ورامین و اداره کل اطلاعات استان البرز و استان خوزستان بلافاصله شروع به جمع‌آوری اطلاعات و بررسی‌های کارشناسانه کردند.

ا گفت: پس از دیایی دقیق این کودک ربایان، مأموران سه عضو این شبکه را در اهواز محاصره کردند و دستگیر کردند و از بازجویی از آنان این دختر بچه سال و بدون هیچ صدمه‌ای آزاد شد و به آغوش خانواده بازگشت و از دستگیر شدگان نیز تعداد زیادی سلاح و مواد مخدر کشف و ضبط شد. این مقام امنیتی ابراز داشت: متهمان هم‌گنون برای رسیدگی به جرائم مواد مخدر تحویل مقامات قضایی اهواز شدند و پس از طی این مرحله برای بازجویی در مورد آدم‌ربایی و سرسیدگی به این جرم تحویل مقامات قضایی فرچک می‌شوند.

۱۳

شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۱ - ۱۱ ربیع الثانی ۱۴۳۳ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۳۲۷

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۳۲۶۰۹۰

۷۶۲ بعد از ظهر پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

- موضوعات مختلف را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکت زیر جلب می‌کنیم:
- از تکرار یک پیام روی پیامگیر کپی‌برداری فرمایید.
- پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است

باتشکر- سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

به این می‌گویند مدیری‌تا!

همه دارند کار کارت سوخت خودرو مجبور هستند تا بیست و پنجم خرداد همه اقدام به سوختگیری نمایند و گرنه اگر کارت سوخت‌ا نهای سوخت، (بذار سوزها) اعلامیه‌ای با این مضمون که شرکت ملی پخش فرآوردهای نفتی صادر کرده، نشان‌دهندهٔ علاقه شرکت مذکور به سوخت و سوز بنزین است! با این کمیود سوخت و هوای آلوده و کثنده، تشویق با اجبار به مصرف بیشتر واقعاً نوبر است و به این می‌گویند مدیری‌تا! - تا کور شود هر آنکه نتواند دید!

«موطن»

اینهمه مهاجرت به خارج چرا؟

یکی از مقامات مسئولان امور خارجه اعلام کرده است در حال حاضر چند میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان نیز تحصیلکرده و صاحب ثروت و درآمدهای خوبی هستند، که باید پرسید چرا باید شرایط به گونه‌ای باشد که ایرانیان هم علم و دانش و تحصیلات و مهارت‌هایشان را به خارج‌جیان تقدیم کنندو یکی از بزرگترین مهاجرت‌ها در جهان را به خود اختصاص دهند؟

تلفن به خط ارتباطی

کمک به افزایش آلودگی هوای تهران
درشرایطی که هوای تهران از نظر آلودگی هوا در شرایط اضطرار قرار دارد، آیا کسب درآمد آقدر مهم است که سازمان ترفیک به قیمت فروش مجوهای ورود به محدوده این شهر، به آلوده‌تر شدن هوای تهران کمک‌شود؟

خیابان‌ها مملو از زباله است
چهارراه شهید اخشناس- جنت‌آباد و بلوار و خیابان‌های اطراف آن مملو از زباله است. شهروندان به همراه آوری زباله‌ها هم کشتشو نمی‌شود.

از شهرداری منطقه ۵ تقاضای رسیدگی داریم.

از ساکنان جنت‌آباد

نصب پل عابر پیاده در چهارراه ولی‌عصر
چهارراه ولی‌عصر از نقاط شلوغ و پر رفت و آمد تهران است و به همین دلیل نصب پل عابر پیاده در این محل ضرورت دارد.

سیداحمد کردویی

کارشناسان برای نشاط مردم چاره‌اندیشی کنند
براساس یک تحقیق جهانی که در روزنامه‌ها منتشر شده، مردم ایران قبل از پاکستان و پس از اندونزی از نظر شادی و خوشحالی در ردیف هشتاد و چهارم از میان ۱۰۰ کشور مورد بررسی در جهان قرار دارند، که جادارد دلایل آن آن‌سوروی روان‌شناسان و روان‌پزشکان مورد بررسی قرار گیرد و امکانات و شرایط لازم برای ارتقای رفاه و بهبود معیشت مردم فراهم آید.

بندر انزلی- مریدل

تشکر از مددکاران بنیاد
مشکلی داشتیم که با تلاش کارکنان مددکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران تهران بزرگ حل شد و به عنوان یک جانبار سپاسگزام.

علی عرب‌پور

مسلم شدن قضات غیر ضروری است
در روزنامه‌ها خواندم که هزار قاضی مسلح شده‌اند که به عنوان یک وکیل می‌پرسم اگر در یکی از مراجم‌ها به دادگاه با قاضی رخ و بحث کردم او عصبانی شد و ناگهان با اسلحه‌اش، به طرف من شلیک کرد، تکلیف چه خواهد کرد که؟! اما این که یکی از قضات کهزیر د در پمپ بنزین اصفهان تیراندازی کرد که نزدیک بود به فاععه‌ای منجر شود.

در بسیاری از کشورها قضات، مراقب و به اصطلاح ابادی گارد دارند که در کشور ما نیز به این مسلح شدن قضات، بهتر است وظیفه حفاظت از آنان به نیروی انتظامی سپرده شود.

وکیل دادگستری

کوه‌های بلند درست است نه کوه‌های بلند!
در تیتراژ سریال «بشت کوه‌های بلند» و نیز در زیرنویس آن، «کوه‌های بلند» به شکل «کوه‌های بلند» نوشته شده که اشتباه است و به عنوان یک غلط املایی باید تصحیح شود.

نقد عملکرد وزیران در صدا و سیما

مستأفانه صدا و سیما مدت‌ها است برنامه‌ای برای نقد عملکرد و تأسیسات وزیران ندارد و این امر به فاصله گرفتن آنان از مردم کمک کرده‌است. جادارد که صدا و سیما با برگزاری برنامه‌های پرسش و پاسخ، بیش از پیش به نقد کارنامه هیأت دولت بپردازد و یا اختصاص خطوط تلفن، ایمیل و پیامک، نظرات مردم را به آگاهی دولتمردان برساند.

راه‌آمد مقدسان ایمیل به خط ارتباطی

تغییر وضعیت استخدامی کارمندان

با وجود تأکیدات رئیس جمهوری، همچنان نیمی از کارمندان اداره خوبگاه‌های دانشگاه تهران از نیروهای شرکتی هستند و مسئولان دانشگاه به تغییر وضعیت استخدامی آنان را پشت گوش انداخته‌اند.

برخورد قانونی با سهل انگاری مسئولان

از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و سازمان بازرسی کل کشور به عنوان نمایان حلقه مردم انتظاری می‌شود پیش از پیش‌گیری مشکلاتی مانند تورم و گرانی، بیکاری جوانان و آلودگی هوا باشند و هر مورد با مسئولانی که در انجام وظایفشان سهل‌انگاری می‌کنند، برخورد قانونی به عمل آورند.

موتلی الموتی- تلفن به خط ارتباطی

پیگیری قضایی بشود

انتشار اخبار اهانت به مقام‌های کشورمان در پاکو (جمهوری آذربایجان) دل هر ایرانی رنج‌رمتند را به درد می‌آورد.

لازم است وزارت امور خارجه جرم این احضار سفیر جمهوری آذربایجان، را تائب ناراضیتی خود را از فعالیت‌های چنین گروه‌هایی در کشور اعلام کند و نیز با توجه به موافقت‌نامه قضایی بین دو طرف، وزارت دادگستری نیز در این زمینه به پیگیری قضایی موضوع در کشور آذربایجان بپردازد.

دکتر سیدمهدی مرعشی، دستیار تخصصی پزشکی قانونی دانشگاه تهران

ایمیل به خط ارتباطی

داروهای ضد چروک صورت زیان‌آور است
بسا آطمینان به ششما می‌گویم دارو‌هایی که برای سداوای چین و چروک‌های صورت در ماهواره‌ها تبلیغ می‌شود، نه تنها مؤثر نیست، بلکه از نظر بهداشتی نیز مضرات بسیاری دارد.

تلفن به خط ارتباطی

سال هادل طلب جام‌جم از ما می‌کود

چرا ساخت مرکز نمایشگاه بین‌المللی در زمینی به مساحت ۱۱ هزار هکتار در منطقه جنت‌آباد بندر انزلی به مهندسان دو کشور توسعه نیافته امارات و ترک سبیه شده‌است؟ جای تأسف است.

درحالی که امسال، سال تولد ملی نامگذاری شده و مراکز علمی ما توانایی انجام چنین پروژه‌هایی را دارند اما باز هم از کشور‌های بیگانه برای چنین طرح‌های ساده‌ای استفاده می‌کنیم.

ترجمیم
<div><div> </div><div></div></div>
انسانی والا، پزشکی نمونه و پدري مهربان از میان ما رفت. با اندوه فراوان درگذشت دکتر سهراب غفاری را به اطلاع می‌رساند.
مراسم تشییع آن فقید سعید ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۴/۳/۹۱از محل بیمارستان جم انجام می‌پذیرد.
همسر: رخساره بهروز (غفاری)
فرزندان: توریا و چیستا
نوه‌ها: سهراب و سپند

با اندوه بسیار درگذشت دکتر سهراب غفاری پزشک مهربان، دانشمند و آشنای نسل اول و دوم بسیاری از جوانان این مرز و بوم را به اطلاع می‌رسانیم. مراسم تشییع آن فقید سعید ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۴/۳/۹۱از محل بیمارستان جم انجام می‌پذیرد. خاندان غفاری و بهروز

<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف درگذشت شادروان د کتر سهراب غفاری انسانی والا و پزشک اطفال را به اطلاع می‌رسانیم. مراسم تشییع آن فقید سعید ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۴/۳/۹۱از محل بیمارستان جم انجام می‌پذیرد. خسرو غفاری و خانواده

با کمال اندوه درگذشت استاد دکتر سهراب غفاری را به اطلاع کلیه دوستان، آشنایان، بستگان و جامعه پزشکی می‌رساند.

مراسم تشییع آن فقید سعید ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۴/۳/۹۱از مقابل بیمارستان جم برگزار می‌شود. هیئت مدیره و پزشکان بیمارستان جم

هوالباقی
<div><div></div><div><div>با کمال تأسف درگذشت مرحومه صغری چاهد همسر متوفی سرهنگ حسین یمینی را در تاریخ ۱۱/۰۳/۹۱ در تهران، به اطلاع تمام بستگان و آشنایان محترم می‌رساند.</div></div></div> <div>طبق خواست آن مرحومه کلیه مخارج ختم، شب هفت و غیره در قریه فارسجین رزن همدان صرف نیازمندان می‌شود.</div>
پرویز جاهد

با قلبی آکنده از اندوه درگذشت ناهنگام همسر عزیزم بانو فریده نیرنوری (رزاقی) را به اطلاع اقوام و دوستان و آشنایان می‌رساند. مراسم ختم این عزیز از دست رفته روز یکشنبه ۱۴ خرداد از ساعت ۴ الی ۸ بعدازظهر در منزل ایشان واقع در شهرک غرب - فاز ۲ - برج ۱۸ برگزار خواهد شد.

امیرارسلان نیرنوری

مشیت الهی بر این بود که خواهر و خاله‌ی عزیزمان بانو فریده نیرنوری را به سوی خود خواند. خداوند تحمل این مصیبت را برما آسان کند.
منوچهر تاج‌بخش - فرشته تاج‌بخش - کتایون تاج‌بخش - شهرزاد تاج‌بخش

خانواده‌های: نیرنوری - تاج‌بخش - خواجه نوری - رزاقی - هاشم‌زاده - دهقان‌پور - مشار - ناصری - ناوی - امیرحسینی.
درگذشت بانو فریده نیرنوری (رزاقی) را به اطلاع اقوام و دوستان و آشنایان می‌رسانیم. مراسم ختم این بانوی برجسته در روز یکشنبه ۱۴ خرداد از ساعت ۴ الی ۸ بعدازظهر در منزل شخصی ایشان برگزار خواهد شد.

یاران دبیرستان ژاندارک درگذشت دوست عزیزمان بانو فریده نیرنوری را به بازماندگان تسلیت گفته و در این غم بزرگ شریک هستیم.

ناهد انتخابی - پرچهرایبازی - چهارزاد بهار - پروین کاظمی - لیلیکیا - فرح غربی - پروین شکرالهی - هماجالینوس

هوالباقی
<div><div></div><div><div>باکمال تأسف و تأثر درگذشت جوان ناکام مهندس حمید طباطبایی یزدی فرزند گرامی دکتر حسین طباطبایی یزدی را در لوزان سوییس به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند. هزینه بزرگداشت آن عزیز سفر کرده صرف امور خیریه می‌گردد.</div></div></div> <div>برادر مهندس سعید طباطبایی یزدی خواهر دکتر مریم طباطبایی یزدی خانواده‌های: طباطبایی یزدی - کیانی - مبین - خوشنویسان - خرم - علاقه‌مند - معنوی - باقری - اسدی -مسلم‌پور</div>

باز گشت همه به سوی اوست
باکمال تاسف و تأثر درگذشت سرکارخانم مطاع صفیعی را به اطلاع می‌رساند. مجلس یاد بود آن مرحومه روز شنبه ۱۳/۳/۹۱ از ساعت ۶ الی ۷:۳۰ بعدازظهر در مسجد الزهرا واقع در شهرک قدس(غرب) خیابان هرمان برگزار خواهد شد.
از طرف فرزندان و خانواده‌های صفیعی، جعفری‌نیا، پازوکی، فرجی، صداقت خواه، بیژن، افلاکی، بابکی، احمدی، تقوی، حکیمی، اقبال، اسعدی، نی‌ساری، ارجمندی، خوینی و سایر وابستگان

یادبود
<div><div> </div><div></div></div>
۱۴خرداد اولین سالگرد پرواز ملکوتی عزیزمان سیمین فاطمی را با قلبی آکنده از اندوه گرامی می‌داریم.
هزینه مراسم گرامیداشت آن عزیز صرف امور خیریه می‌گردد.
خانواده‌های: ریاحی - فاطمی

«مرگ را باور کنیم»
<div><div> </div><div></div></div>
به یاد عزیز از دست‌رفته‌مان دکتر بهمن به‌روزی که با تنهایی خود خواسته و انتخاب نوع زندگی مورد علاقه و پسند خود و با دلایلی شخصی مانع از دسترسی علاقمندان و خویشاوندان گردیده بود و دیگران به علت علاقه و

ملاحظه و احترام گذاشتن به خواسته وی از اصرار اضافی برای جستجو و ملاقات وی پرهیز می‌کردند. خدایش رحمت کند که تا پیش از بروز سوءتفاهماتی که منجر به انتخاب این نوع زندگی گردید، مقبول و محبوب دوستان و خانواده بوده در غیر اینصورت دکتر بهمن به‌روزی اگر می‌خواست،در زندگی و مرگ بی‌خانواده و بی‌کس نبود.

ضمن نهایت سپاسگزاری و قدردانی از همکاران و دوستان شادروان بهمن به‌روزی در مؤسسه اطلاعات و اطلاعات هفتگی که در شرایطی که خانواده مرحوم در بی‌خبری بودند و اطلاعی از فوت ناگهانی ایشان نداشتند، زحمت اجرای مراسم مذهبی و دفن و مجلس یادبود آن عزیز را به عهده گرفتند که امیدواریم بصورت مناسبی جبران گردد، به اطلاع می‌رساند بزودی و پس از ورود مادر شادروان بهمن به‌روزی به ایران که به علت کسالت و تألمات روحی وارده به ایشان کمی به طول خواهد انجامید مجلس یاد بود مناسب دیگری از طرف خانواده آن مرحوم برگزار و به طریق مقتضی به اطلاع کلیه دوستان و نزدیکان و آشنایان خواهد رسید.

از طرف خانواده‌های منسوب به آن مرحوم: به‌روزی- قره‌باغیان-قره‌باغی-امیری‌قائم‌مقامی-خلیلی-دانیزو-خامنی- ماهوتچی- خرسند- حریری- جواهری- کاشانی- پرویزیان- نیلی- مطلوبی- میرفرخانی- فرهادی- امامی- حسینی‌پور- خلفی- بخش- قائم‌مقامی- طهماسبی- پرویزپور- صفیاری-اعتمادی‌فر- اقبالیان- سراج- ایرانی‌دوست- البرز- منصف- وانقی- حداد

تسلیت
<div><div> </div><div></div></div>
جناب آقای دکتر رضا معتمدی
درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و برای شما صبر و شکیبائی آرزومندیم.
هیئت مدیره آزمایشگاه مرکزی پاتوبیولوژی

جناب آقای دکتر ضرابی
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده از درگاه خداوندمنان صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان مسئلت می‌نماییم.
شرکت بی ان ام محمد حسن مرادی

جناب آقای مهندس امین بهشتی
<div><div> </div><div></div></div>
با کمال تأسف مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده گرامی تسلیت عرض می‌نماییم.
پرویز عبهری، حمزه پورصدیقی، فرهنگ وهاب‌پور، محمدرضا امینی، رضا ابراهیمی، مهران اوقاتیان،ارشاد رضویان، حسین استیلاف، سیمین کاظمی، محسن اوتادی، آیدا اسدی، جواد مدنی، فرشاد نظم‌آرا

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت استاد و بزرگمرد رشته عفونی دانشگاه‌علوم پزشکی تهران شادروان دکترنصرالله مقتدر مژدهی که نمونه‌ای از انسانیت و بزرگمنشی بود به حضور کلیه شاگردان و دانش آموختگان و دوست‌داران علم و ادب آن دانشمند فرزانه را تسلیت عرض نموده و در اندوه جانکاه غم از دست دادن ایشان شریک و همراهیم.

مدیرعامل - هیئت مدیره و کلیه پزشکان بیمارستان لاله

با تأسف زیاد با خبر شدیم که یکی از استادان بزرگ و مقتدر گروه عفونی، شادروان، جناب آقای دکتر نصراله مقتدر مژدهی، درخارج ازکشور دارفانی راوداع گفته‌اند. ایشان یکی از بزرگ‌مردان دانش پزشکی در رشته عفونی بودند که استادان بنامی چون دکتر علی‌رضا یلدا، دکتر مینو محرز، دکتر گیتی ثمر را برای جامعه پزشکی ایران تربیت نمودند. همه ما در فقدان این استاد گرانقدر، با بازماندگان همدردیم.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

گروه بیماریهای عفونی، دانشگاه تهران

درگذشت استاد عالی‌قدر و معلم شایسته و پزشک نمونه و خدمتگزار شادروان استاد دکتر نصرالله مقتدر مژدهی را به بازماندگان ایشان و تمامی جامعه پزشکی ایران تسلیت عرض می‌نماییم.

پزشکان فارغ‌التحصیل سال ۴۷ دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

مرگ چنین خواجه نه کاری است خُرد سرکار خانم پروین اتحادیه جناب آقای نورمحمد مقتدر مژدهی
<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت دوست نازنین، نمونه کامل انسانیت، علم و وارستگی جناب آقای دکتر نصراله مقتدر مژدهی خادم حقیقی ملک و ملت را به شما و همه خاندان مقتدر مژدهی، خویشاوندان و وابستگان تسلیت عرض نموده، شادی روح فقید سعید و تسلا‌ی خاطر بازماندگان را از درگاه احدیت مسئلت می‌نماید.
محمدرضا قنبری -وکیل پایه یک دادگستری

جناب آقای دکتر کاظم عباسیون
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.
جامعه جراحان ایران

بیرو آگهی تسلیت مربوط به جناب آقای رضا معتمدی مندرج در روزنامه اطلاعات شماره ۲۵۳۲۴ سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۳/۹ صفحه ۱۵ سطر ۱۹ نام بانو فرشید افشار صحیح است.

جناب آقای ابراهیم مستجیر
<div><div> </div><div></div></div>
مصیبت وارده، درگذشت پدر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیم میگوئیم.
مدیریت و کارکنان شرکت تولیدی پرآور-مائیتستار(تصیرخامنی)

سرکار خانم تابنده شاهنده خانواده محترم جاماسبی
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند منان صبر و شکیبایی برای تمامی بازماندگان مسئلت می‌نماییم.

افشار - روحانی
<div><div> </div><div></div></div>
مهندسان مشاور باوند
جناب آقای مهندس زنوزی
با نهایت تأسف مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و بقای عمر شما و خانواده محترم را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.
مهندسین مشاور گنو

همکار گرامی
<div><div> </div><div></div></div>
جناب آقای دکتر کاظم عباسیون
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم و خود را در غم از دست دادن همسر خواهر گرامیتان شریک می‌دانیم.
بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
«گروه پزشکی، کارکنان و هیئت مدیره بیمارستان آراد»

همکار گرامی
<div><div> </div><div></div></div>
جناب آقای دکتر مسعود مهرآذین
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم و خود را در غم از دست دادن پدر گرامیتان شریک می‌دانیم.
بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
«گروه پزشکی، کارکنان و هیئت مدیره بیمارستان آراد»

همکار گرامی
<div><div> </div><div></div></div>
جناب آقای مهندس علی بهشتی
مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم و خود را در غم از دست دادن پدر بزرگ گرامیتان شریک می‌دانیم.
بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.
«گروه پزشکی، کارکنان و هیئت مدیره بیمارستان آراد»

جناب آقای قاسم باحتی
<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت تاسف بار برادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت گفته، بقای عمر و سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از درگاه احدیت خواستاریم.
هیئت مدیره شرکت‌های ایران فسفات و آریا فسفریک جنوب

فوت‌ناهنگام پزشکی نمونه‌اخلاق و انسانیت،بزرگ‌مردی وارسته، شادروان دکتر نصرالله مقتدر مژدهی را به کلیه همکاران پزشک تسلیت عرض می‌نمائیم.

فارغ‌التحصیلان سال ۴۴دانشکده پزشکی تهران
<div><div> </div><div></div></div>
جناب آقای ماشاءاله مرادی فرد(سپه‌وند)
بانهایت تأثر وتألم درگذشت پسر عموی گرامی جنابعالی، آقای علی محمد سپه‌وند را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم رحمت واسعه و برای بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل آرزو مندیم.
بازرگانی آقا سردار

جناب آقای ماشاءاله مرادی فرد(سپه‌وند)
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پسر عموی گرامیتان آقای علی محمد سپه‌وند را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال علودرجات برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای آن جناب و بازماندگان آرزو مندیم.
شرکت ایران گسترش آسترخان روسیه

جناب آقای خیراله دادرس
<div><div> </div><div></div></div>
رئیس محترم هیات مدیره گروه صنعتی البرز گاز مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.
مدیران و کارکنان گروه صنعتی البرز گاز

بازگشت همه به سوی اوست استاد ارجمند جناب آقای دکتر مهرآذین
<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت پدرگرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نماییم.

جناب آقای هادی متین
<div><div> </div><div></div></div>
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم و از خداوند متعال برای شما و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی و آن مرحوم علو درجات را از ایزد منان خواستاریم.
محمد اسماعیل دانشمند

جناب آقایان مهندسین امیر و امین بهشتی
<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت پدربزرگ عزیزتان را تسلیت عرض نموده برای آن عزیز سفر کرده آموزش و برای شما سروران و سایر بازماندگان گرامی، صبر و شکیبایی آرزو مندم.
فرهنگ وهاب‌پور

جناب آقای نصرتی
<div><div> </div><div></div></div>
رئیس اتحادیه صنف قناد تهران
باکمال تأسف درگذشت مادر عزیزتان را تسلیت عرض نموده از خداوند متعال برای شما و خانواده محترمتان صبر و سلامتی آرزو مندیم.
کارخانجات نان و شیرینی تهران برادران امیریاوری

همکار گرامی جناب آقای رضا معتمدی
<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گوییم و برای شما بردباری و تندرستی آرزو می‌کنیم.
شهرانگیز ابو طالبی - بهشید ارفع‌نیا - نوبه اسپهبدی - هادی اسماعیل‌زاده - فرهاد اشرفی - اسعد ایران‌زاده - وحید بهداد - بهرام بهرامی - گیتی پورفاضل - پرویز تابشیان اصفهانی - محمد تیرائی - رضا تمدن - احمد جاوید تاش - حمید جنتی - محمد جندقی کرمانی‌پور - محمدصادق جوزقی - عبدالله جهان‌بین - عبدالحسین جیوار - ناصر چوپدار - رمضان حاجی مشهدی - جواد حافظی - داریوش حافظی‌پور - صدیقه حجت‌پناه - پرویش خواجه‌نوری - منوچهر خواجه‌نوری - ایرج داروگر - جواد دربندی - ابوالفتح رفیعی آشتیانی - حمید رفیعی فرد - پروین رنجپور - غلامعلی ریاحی -زین‌العابدین زاخری -فرامرز زمانی سلیمی -مسعود زیادبخش - حسین ساروخانی - محمد ستایش - اکبر سردارزاده - محمود سعادتیان - اکبر سنمار - مصطفی شریعت - بتول ششگلانی - مصطفی شوکتی اصل - ولی‌اله صادقی - آرش صادقیان - محمدعلی صفی‌زاده شیشتری - پروین طاهری - ناصر طاهری - سیدمحسن طیبی - غلامرضا طیرانیان - بابک عسکری - حسین عسکری راد -فرزانه فاطمی -بانو فرشید افشار -محمد فرض پور ماچیان‌ی - سیروس فلاحث - فرهاد کاظمی - علی کاکا افشار - عباس کوروش کاکوان - آرش کیخسروی-بتول کیهانی-پرویز کیهانی-کاظم گلشائی - سیداحمد میرقع - کاظم محصل افشار - علی مروج تربتی - جهانگیر مستوفی - اسماعیل مصباح اسکونی -شاپور منوچهری -ربابه موسوی -رسول مهاجری - جلال مهدوی - کاظم میدانی - محمد نمکی‌نوش آبادی - منوچهر نوتاج - مرادجان نوروز زاده - محمدکاظم نوروزی - محمدرضا نیکوئی تهرانی - ماجد وثوقی - امیر یوسف وحدانی - جمشید وحیدا - اکبر هندی‌زاده - سعید یزدی فرد -بهروز یغمائی.

پیمان دتی برآسان و شمانی برراه دارند
<div><div> </div><div></div></div>
محاسن ترجمیم را با تاج گل‌های همیشه بهار به نفع ایتام شکوه و معنویت بخشیم، که شادی روح متوفی و تسلیم و تربیت نونهالان یتیم نمره آن خواهد بود.
<div><div> </div><div></div></div>
<p>شماره ثبت ۸۲۹۹</p> <p>تاسیس ۱۳۶۸</p> <p>دفتر مرکزی میدان نیوران - ۲-۲۲۸۲۳۳۷۱</p> <p>سفارش تاج گل ۰۲۱-۲۶۳۰۰۴۱۰۲ همراه ۰۲۱-۳۵۸۲۷۱۲</p> <p>سپناه بانک ملی ۰۱۰۳۳۳۴۷۸۰۰۸ سامانه پیام کوتاه ۲۰۰۰۲۷۵</p> <p>www.Fatemehzahra.org</p>

به نام خداوند جان و خرد
خبرت خراب تر کرد جراحت جدایی
چو خیال آب روشن که به تشنگان نمایی

<div><div> </div><div></div></div>
درگذشت شادروان ایرج جاویدی ، همکار ارجمند و دلسوز، کنشگر صنفی آگاه، مایه اندوه بسیار است.
اینجناب این پیش آمد اندوهناک را به معلمان کشور به ویژه کانون صنفی فرهنگیان شیراز غم مباد گفته، و از خداوند بزرگ برای روح بلند ایشان جاودانگی و برای خانواده گرامی بردباری آرزو مندم.
باسپاس رسول بداقی

خانواده محترم صمیمی و دوست ارجمند جناب آقای علی بالا صمیمی
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت زنده‌یاد آقا محمد صمیمی انسانی شایسته و شریف را به ویژه به همسر و خانواده محترم آن مرحوم و جناب‌عالی تسلیت عرض نموده برای آن شادروان رحمت واسعه و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
احمد علی وفایی و خانواده

خانواده محترم صمیمی و دوست ارجمند جناب آقای علی بالا صمیمی
<div><div> </div><div></div></div>
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان آقا محمد صمیمی انسانی شایسته و شریف را به ویژه به همسر و خانواده محترم آن مرحوم و جناب‌عالی تسلیت عرض نموده برای آن شادروان رحمت واسعه و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
احمد علی وفایی و خانواده

جناب آقای مهندس امیربهشتی
<div><div> </div><div></div></div>
با کمال تأسف درگذشت پدر بزرگ عزیزتان را تسلیت عرض نموده، ما را درغم خود شریک بدانید.
آقای بهرامی - خانم بشاک

جناب آقای ناصر علی پناهی
<div><div> </div><div></div></div>
چهلمین روز درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خواهر گرامیتان تسلیت عرض می‌نماییم.
همسر و فرزندان امیر و مجید و عروس‌ها

سخنرانی
<div><div> </div><div></div></div>
اطلاعیه هیئت قائمیه تهران

قال النبی صلی ا...علیه و آله:
لواجتمع الناس علی حب علی بن ابیطالب، لما خلقا...النار هیئت قائمیه فرخنده میلاد مولود کعبه، ابوالاثمه امیرالمومنین علی‌بن ابیطالب علیه السلام را به پیشگاه مبارک امام منتقم قائم آل محمد(عج) و پیروان حضرتش تبریک عرض می‌نماید و بهمین مناسبت شب دوشنبه ۱۳ ماه رجب(شب میلاد) مجلس جشن باشکوهی در حسینیه قائمیه واقع در خیابان قدیم شمیران بالاتر از یل رومی برپا می‌کند.
از عموم علاقمندان دعوت می‌شود با شرکت خود دراین محفل روحانی موجبات شادی فرزند برومندش حضرت ولی‌عصر(عج) را فراهم آورند.

سپاسگزاری
<div><div> </div><div></div></div>
تشکر و قدردانی
بدینوسیله از کلیه اقوام، دوستان، آشنایان، همکاران ارجمند و مدیران محترم شرکت‌ها و مؤسسات که در مراسم مختلف درگذشت مادر عزیزمان بانو طلعت محبی (نورانی‌پور) با حضور در مراسم، درج آگهی در جراید، ارسال تاج گل و بنرو همچنین از طریق تلفن، فاکس، ایمیل و پیامک موجبات شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر ما را فراهم آوردند صمیمانه قدردانی و تشکر نموده‌و از خداوند متعال برای همگان اجر معنوی و سلامتی آرزو مندیم و امیدواریم بتوانیم بخشی از این محبت‌ها را در شادی‌ها جبران کنیم.
خانواده‌های: نورانی‌پور، محبی، اسحاقی، طاحونی، حمصی

آگهی های ترجمیم، تسلیت، یادبود و تشکر توسط نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور پذیرش می شود.

برای سفارش آگهی به نزدیک‌ترین نمایندگی اطلاعات در محل سکونت خود مراجعه فرمایید.

۲۹۹۹۹۴۲۴۹_ ۲۹۹۹۹۴۶۹۴_ ۲۲۲۲۳۶۹۴_ ۶۶۷۳۷۳۸۸_ ۲۲۲۵۸۰۱۴.۱۹	قول آگهی های ترجمیم-تسلیت- یادبود و تشکر
--	---



محمدرضا حکیمی

واقعیت نامتناهی علی (ع)

من در این گفتار در پی آنم که زیرساز زندگی علی(ع) و اهمیت بحث در آن باره را تا حدی روشن کنم و فلسفه لزوم توجه به طرز فکر و عمل امام را اگر امکانات بگذارند بر ملا سازم، تا اجتماع ببیند که اگر هر صبح همراه نشریات یومیه، یک کتاب هم در زندگی علی به دست مردم بدهد زیاد نیست، بلکه تنها راه زنده‌نگه‌داشتن نوامیس ارزشمند زندگی همین است و بس، که از زندگی علی روش و اجتماعی علی پسند بسازیم، و در این راه اگر نیروی شورانگیز ولای علی و معنویت خلاق تشیع و نشاط سازنده طبقه جوان به همگامی برخیزند، به رسیدن به مقصود، امیدها خواهیم داشت و دیگر گناه یأس مرتکب نخواهیم گشت.

پس اکنون، منظور این نوشته نشان دادن موقعیت تربیتی علی است در تاریخ انسان و هم نمایاندن فلسفه پیگیری از این رشته بحث و گفتگو که مخصوصاً نگارنده این صفحات در زندگی خویش زیاد بدان اهتمام ورزیده است و یقین است که در این گفتار از من توقع داشته نشده که درباره عظمت ذاتی و شخصیت علی سخن سر کنم و حتی از آن بیکرانه بحر قسمت یک روزه‌ای در کوزه ریزم، چه این کار از بزرگانی همچون ابن سینا و نصیرالدین طوسی بر نیامد که با کلماتی کوتاه دهشت زدگی خود را در برابر این عظمت بتوان عظمت نشان دادند و مبهوت به دیواره تاریخ تکیه کردند.

چون واقعیت علی همچون واقعیت اسرار بزرگ است که هر چه انسان بدانها نزدیک شود و بکاود و پی برد، بیشتر مرعوب می‌شود و از زبان می‌افتد.

درباره شخصیت و عظمت علی همین بس که انسان هر چند هم پر مطالعه و دانش اندوخته باشد به اشاره‌ای بگذرد، زیرا بعد شناسایی علی بعد مطالعه و دانشها و مقیاسهای بشری نیست.آن کس که در دریایی بی ساحل و کبود دست و پامی زند و خورشید را می‌نگرد که از سمتی از آب طلوع می‌کند و از سمت دیگر در آب فرو می‌رود درباره این دریا، چه بگوید؟ جز این که همین قدر بفهماند که در دریا افتاده‌ام و در دامن امواج کوه پیکر این دریا خاره‌ای گران خاشه‌ای بیش نیست.

علی همان بیکران دریایی است که خورشید همه ارزشهای زندگی و احساس و شعر انسانی از سویی از آن می‌دمد و از سویی در آن غروب می‌کند و گنجایش سطح هستی علی است که می‌تواند تمام فروغ‌های ارزیابی شده وجود را بگیرد و از خود متجلی سازد، انسان در این دریا اقتاده چه بگوید؟ جز این که بگوید من هم دستخوش امواج این دریا شده‌ام.عشق همیشه از رسیدن به زیبایی‌های عظمت بار و پر غرور سرچشمه می‌گیرد و تا ممکن گردد درباره آن زیباییها گفتگو و تفسیر شود ولو در حدیث دیگران، چنان می‌شود، ولی همین که از حد تعریف گذشت زبان بسته می‌شود و چشم دل باز، و عشق در عمق روح ریشه می‌دواند و هر دم بر تجلیات و دامنگیری هایش افزوده می‌گردد. کم کم غبار و خاکستری نمی‌ماند و آتش گل انداخته عشق می‌سوزد و می‌سوزاند و بی سر و سامان می‌کند. عاشقان دیگر سر و سامان نمی‌دانند.

واقعیت متجلی علی در همه مظاهر زیباییهای عظمت پیوند: احساس، نفوذ، دید، عدالت، تقوا، شجاعت، رادی، بزرگی، سخاوت، اصالت احساس و طیفه، انسان دوستی بیکران، حقوق‌شناسی باریک، یتیم نوازی و زاغه جویی، پی ریزی فلسفه‌های عمیق، محبت و شور زندگی، ایثار، نیایش و عبادت از گنجایش بدر، ولایت مطلق و نفوذ در روح عالم و تسلط بر ملکوت ماهیات به اذن و اراده خدا، روشن اندیشان را وا داشت، که نه تنها علی را پیشوای خود بدانند بلکه به او عشق بورزند، او را بزرگ دارند و بزرگ، آنگونه که انسانها هماهنگ شوند و انسانی را بزرگ دارند، برای انسانیت، برای حق...برای حقیقت جاودان...برای آن فروغ مطلق و بی‌انتهایی که از مرزهای اندیشه می‌گذرد.

آنان که به درستی شناختند که باید به فکر انسان باشند، آنان که فهمیدند که باید صخره مانند تکیه گاه پیکره‌ای واقع شوند که در پرتو شخصیتش کوچکترین پدیده حقوقی پایمال نگردد و تعلیماتش زندگی سازد و زندگی‌های مرگ گونه را خراب کند، آنان که دانستند که باید بکوشند تا یک روز، در یک اجتماع، یک طفل یتیم، حتی از یک حق خود هم محروم نماند و آنان که به انسان و ارزش انسان ایمان آوردند، رفتند که علی را یاری کنند و طنین تکان دهنده این ندای حماسی را همه جا برسانند و همراه نور خورشید به هر کرانه‌اش بریزند.این حقیقتها بود که عشقی خون فرجام و محبتی دامنگیر آفرید و برای اینها واین وظیفه بزرگ انسانی بود که انسانهای بزرگی همچون:

سلمان فارسی، اباذر غفاری، مقداد کندی، محمد بن ابی‌بکر، عبدالله بن مسعود، سعد بن عباد، قیس بن سعد، مالک اشتر نخعی، سعید بن قیس همدانی، هاشم مرقال، کمیل بن زیاد، حجر بن عدی، عمرو بن حنق خزاعی، میثم تمار، رشید هجری، سعید بن جبیر، عبدالله بن عفیف، سلیمان بن صرد خزاعی، عبدالله بن سعید آزدی، محمد ابن ابی عمیر، ابن سکیت و صدها نفر دیگر رفتند و به جرم علی دوستی (که در واقع همان انسان دوستی مطلق بود، چه بگفته روسو:دوستی انسانیت جز دوستی علی نیست) سوختند و نابود شدند و خاکستر گرم خود را بر ارواح پاشیدند...

اینها بود که رفتند و تاریخ علی‌شناسی و تشیع را با خون آزادگان نوشند و شهدای عظیم کربلا سرود پیروزی خون‌رنگ خود را در خیمه تاریخ نواختند و بزرگترین سرمشق را به آزادخواهان و مصلحان دادند.

بقیه در صفحه ۲

۱۳۹۱	شنبه ۱۳ خرداد				
۱۶۳۳	۱۱ رجب				
۲۰۱۲	۲ ژوئن				
۲۵۳۲۷	شماره				



■ **حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی**

من هم در آن لحظه واقعاً نمی‌دانستم جریان چیست. گفتم: نمی‌دانم، آقا!الآن آمدند پیش اینها نشستند و حالشان هم خوب بود. این موضوع برای ما یک حالت سوءظن دیگری بود. کار آرام آرام جلورفت. تا این که من یکبار با پدرم مطرح کردم و ایشان هم گفت که بله، بیماری جدی است. در مورد عمل با مادرم صحبت کردم و تصور ما این بود که عمل برای یک فرد هشتاد و پنج ساله، نود ساله خیلی سنگین است و ایشان نباید جراحی بشوند. اما تصمیم پزشکان پخته‌تر و سنجیده‌تر بود و به این نتیجه رسیدند که آقا باید عمل بشوند. هیچ کدام از دکترها مخالف این نظر نبودند، به جز یک نفر و دلیل ایشان این بود که اگر این کار صورت بگیرد و نتیجه خوب نباشد، ما با مردم مشکل خواهیم داشت. زیر احتمال این که آقا از زیر عمل بیرون بیایند، خیلی ضعیف بود. ایشان(آن آقای دکتر) گفتند: ما رفتیم خدمت آقا. وارد که شدیم، آقا نشسته بودند، نمی‌توانستیم حاشیه برویم. در دو سه کلمه گفتیم که خلاصه آقا باید عمل شوید. برخلاف آن چیزی که همه ما دکترها تصور می‌کردیم، آقا بلافاصله گفتند: «بسیار خب، هیچ مسأله‌ای ندارم.» و بلند شدند و بیرون رفتند.

بقیه در صفحه ۵

۱۳۹۱	شنبه ۱۳ خرداد				
۱۶۳۳	۱۱ رجب				
۲۰۱۲	۲ ژوئن				
۲۵۳۲۷	شماره				



آخرین روزهای امام (ره)

و بعد که می‌خواستند بروند، همگی دست آقا را بوسیدند. آن روز خیلی کمتر از دفعات قبل و حدود ۱۰ دقیقه‌ای بیشتر نماندند و رفتند.

بعد بابا برگشت داخل و همه را جمع کرد. قبل از آن هم احتمالاً حرف زده بودند، اما آن موقع من در خانه نبودم. این پنج نفر در یک گوشه دیوار نشستند. بابا می‌خواست آهسته حرف بزند تا کس دیگری متوجه نشود. گوشه دیوار همه سرها رفت توی هم. یک حالت خاصی، این پنج نفر به صورت فشرده نشستند و در گوشی صحبت کردند. من نمی‌فهمیدم که چه می‌گویند. حدود یک ربع این گونه گذشت و من که دیدم چیزی متوجه نمی‌شوم، بلند شدم و رفتم. گفتم لابد مسأله‌ای پیش آمده است؛ اولین بار نبود. البته من تا آن روز ندیده بودم که بدین صورت عمل کنند. آنها بلند شدند، ولی با اشاره و بسیار یواش با هم صحبت می‌کردند. چهرهٔ آقای میرحسین موسوی را به یاد دارم که خیلی برافروخته بود. بقیه چهره‌ها یادم نیست. به بیمارستان رفتند. خب با زمینه‌ای که من از قبل داشتم، آرام آرام مطلب دستم آمد. بلند شدم و به دفتر رفتم. یک گروه پزشکی با این پنج نفر در آنجا بودند. صحبت‌هایی کردند که من از بیرون شنیدم.

در جلسه پزشکی، دکتر طباطبایی، دکتر عارفی، دکتر پورمقدس، با چند نفر دیگر حضور داشتند. من از آنچه در جلسه گذشت، اطلاعی ندارم، اما در همین زمان پسر آقای هاشمی به من تلفن زد که: «حسن چی شده؟ من دفتر چه خاطرات بابایم را داشتم ورق می‌زدم، دیدم که نوشته امشب با حاج سید احمد آقا در مورد حال آقا صحبت کردیم.»

شنبه، سی و یکم اردیبهشت ماه در خانه ما جلسه دورهای سران کشور بود که سه شنبه همان هفته آقا را عمل کردند. چند وقتی بود که آقا پشت سر هم حالشان بد می‌شد، یعنی هفته‌ای یکبار، ما هم واقعاً ناراحت بودیم، به طوری که الآن هم یادآوری آن روزها برای من ناراحت کننده است. حتی بعد از فوت آقا، یک روز آقا مسیح داشت می‌دوید و از طرف حسینیه بالا می‌رفت(حدود بیست روز از فوت آقا گذشته بود) که یک دفعه گرفتمش و گفتم: این طور نرو، چون یاد آن روزها می‌افتم و تنم می‌لرزد. به هر حال آقا تقریباً در هر هفته، یکبار حالشان بد می‌شد و می‌خوابیدند تا این که دوباره حالشان خوب می‌شد. یک ماهی بود که چنین وضعیتی داشتیم. به راستی، نه روز داشتیم و نه شب، و هر روز منتظر خبری بودیم.

جلسه سران سه قوه بود که اعضای آقای خامنه‌ای، آقای هاشمی، بابا(مرحوم حاج سید احمد آقا)، آقای میرحسین موسوی و آقای اردبیلی بودند. این جلسه منظم سران بود که هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد و اگر خبر خاصی در مملکت بود، بنا به موقعیت، هفته‌ای دو بار، که غالباً ماهی یکبار در خانه ما انجام می‌شد. وقتی به خانه ما می‌آمدند، عملکرد یک ماهه را به آقا عرضه می‌کردند.

در آن روز، من از مدرسه آمده بودم و وقتی رسیدم، آقا در حال آمدن بودند. یادم هست که آقا داخل رفتند و من هم به دنبال ایشان رفتم و پشت سر آنها نشستم تا ببینم چه می‌گویند؟!خوب حس کنجکاوی است، همیشه می‌رفتم؛ نه این که حالت خاصی باشد. طبق معمول آقا به دیوار تکیه دادند، آقایان هم با احترام و دوزانو مقابل ایشان نشستند. آقا صحبت‌هایشان را کردند

واقعیت نامتناهی علی (ع)

بقیه از صفحه اول

اینها بود که سادات حسنی و حسینی هر دم در هر گوشه خروج کردند. و زندگی خود را با تند رنگ خون زینست دادند و اولاد علی و فاطمه لای دیوارها گذارده می‌شدند و در ساختمان یک شهر اسلامی کار استوانه را به دوش می گرفتند، و ابو الفرج اصفهانی کتاب «مقاتل الطالبیین» را نوشت.

اینها بود که جوانان شیعه مذهب غیور که آتش عشق علی مشتعلشان ساخته بود، در کوچه‌ها و خیابانهای کوفه حرکت می‌کردند و پرچمهای خونین خود را در میان نخلستانهای گردانده و با شعار شور آور «یا منصور امت» هیجان خلق می‌کردند.

اینها بود که اصحاب بزرگوار ائمه با چه خون جگرها و دردها و مشقتها، تعلیمات شیعه را نشر می‌دادند، عقیده شناسان و حقوقدانان بزرگ تربیت می‌شدند و امام صادق ۴۰۰ تن را تربیت می‌کرد و جابر بن حیان پدر شیمی را پرورش می‌داد.

اینها بود که محدثان و ادیبان و دانشمندانی مانند: شیخ ابوالحسن علان رازی، حافظ بدیع الزمان همدانی، ابوالحسین بن طر خان کندی، ابوالمحاسن رویانی، شیخ ابو علی فتال نیشابوری، ابن هانی اندلسی، مؤیدالدین طغرائی، شیخ جمال‌الدین حمدانی، شیخ حسن بن محمد سکاکینی، شمس الدین محمد مکی، حکیم صدرالدین دشتکی، شیخ نورالدین علایی محقق ثانی، شیخ‌زین‌الدین عاملی، شیخ‌شهاب‌الدین خراسانی، قاضی نورالله شوشتری و... که سر و کارشان با علم و کتاب و مدرسه بود به هیجان آمدند و در راه نوامیس انسانی تشیع شهید گشتند و سر فصل کتاب علم را با خون آذین بستند و خون جوشده خود را بر افق تاریک پاشیدند و خاطرات «مرگ سقراط» را تجدید کردند، و علامه امینی از پس کرانه‌های احساسات خویش دست بر آورد و کتاب آنان «شهداء الفضلیه» را نوشت.

اینها بود که شعرای پرشور و متفکر و با شخصیت و مبارزی همچون:

نابغه جعدی، فرزدق، کمیت اسدی، سید حمیری، ابو تمام طائی، دعبل خزاعی، حمدانی کوفی، ابو فراس حمدانی، شرف رضى، عبدی کوفی، اشجع سلمی، کثیر عزه، ابن الرومی، ابوالفتح کشاجم، صنوبری، مفعج، ناشی صغیر، ابن حماد، ابن طباطبا، ابوالفرج رازی، مهیار دیلمی، ابو العلام معری، صفی‌الدین جلی، ابو حامد انطاکی، قاضی تنوخی، رودکی، فردوسی طوسی، سنائی غزنوی، ابوالحسن تهامی، ابن سنان خفاجی، ابن منیر طرابلسی، اسدی طوسی، کسانئ مروزی، ناصر خسرو علوی، حافظ شیرازی، سلمان ساوجی، نظیری نیشابوری، جمال‌الدین خلیلی، حافظ رجب برسی، صائب تبریزی، محشتم کاشانی، سروش اصفهانی، سید حیدر حلی، عبدالمحسن کاظمی، علامه اقبال پاکستانی، شیخ کاظم ازری، شیخ محمد رضا سبیبی، سید سعید حبوبی، عبدالمهدی مطر، ملک الشعرای بهار و...

بزرگی همچون:

هشام بن حکم، ابن اعلم بغدادی، حسن بن موسی نوبختی، ابو علی سینا، ابو نصر فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه نصیر طوسی، یعقوب کندی، ابو علی بن مسکویه، ابو اسحق فزاری، ابو سعید سجری، ابو زید بلخی، احمد بن یوسف مصری، احمد بن طیب سرخسی، ابن قبه رازی، ابن مبشر بغدادی، بدیع اسطرلابی، قطب‌الدین رازی، میر ابوالقاسم فندرسکی، میرداماد حسینی، غیاث‌الدین کاشانی، ملا عبدالرزاق الهیجی، جلال‌الدین دوانی، ابو محمد همدانی، کامل الصباح عاملی و...

و شخصیت‌های ادبی، علمی، حقوقی و اجتماعی مهمی همچون:

شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ کلینی، شریف رضى، شریف مرتضی، خلیل فراهیدی، ابوالحسن کسانئ، ابو عثمان مازنی، ابن فهد حلی، شیخ طوسی، قطب‌الدین راوندی، شیخ طبرسی، امام مرزوقی، ابن ابی جمهور احسانئ، علامه حلی، ابوالفتح رازی، عبدالجلیل قزوینی رازی، ابوالفضل ابن‌ العمید، صاحب بن عباد، ابن طاووس حسنی، شیخ بهائی، علامه مجلسی، مقدس اردبیلی، ملا مهدی تراقی، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، علامه بحر العلوم، میر حامد حسین هندی نیشابوری، میرزای شیرازی، سید جمال‌الدین اسد آبادی، شیخ انصاری، سید محسن امین عاملی، سید حسن مدرس، سید حسین صدر کاظمی، شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد حسین کاشف‌الغطا، سید عبدالحسین شرف‌الدین، آیت‌الله بروجردی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، امام خمینی، علامه امینی و... و بسیار رهبران بزرگ و مسلحان اجتماعی و رجال علمی دیگر همه مشعل علی‌ شناسی را به دوش کشیدند و اجتماعات با پر تو دانش و تقوا و فضایل خویش به حقایق جاوید و مفاهیم زنده تشیع رساندند و فداکاریهای خستگی ناپذیر و مجاهدات عظیم خود را سرمشق آیندگان قرار دادند. گر چه همواره سدارههایی خشن نیز داشته‌اند.

اینها بود که دانشمند بزرگ ابوریحان بیرونی در کتاب «الانصار الباقیه» عید غدیر را از بزرگترین اعیاد همگانی اسلامی شمرد...

وضیاءالدین مقبلی عالم متبحر اهل سنت، پس از ذکر اسناد حدیث غدیر، گفت:

«فان لم یکن هذا معلوما فما فی الدین معلوم»

اگر این حدیث، دانسته و ثابت نباشد پس در اسلام هیچ دانسته و ثابئی نیست.

حافظ ابوالعلام همدانی گفت: «اروی هذا الحدیث



می‌کنم که مسلمانان درباره او می‌گویند خدا از او راضی است، صفا با او ست و شاید هم خدا به او احترام بگذارد، و مسیحیان در اجتماعات خود از وی سخن گفته و از تعلیمات او سرمشق می‌گیرند و دینداریش را پیروی می‌نمایند.از آنجا که در آیینه تاریخ، مردم پاک و نفس کش بخوبی نمایان هستند می‌توان علی را بزرگتر از همه آنها شناخت... او بطوری از وضع رقت بار یتیمان و فقیران متأثر و غمگین می‌گشت که حالت و حشتناکی بخود می‌گرفت...

ای داماد پیغمبر! شخصیت تو مرتفع‌تر از مدار ستارگان است. این از خصایص نوراست که پاک و منزّه باقی مانده، گرد و غبار نمی‌تواند آن را لکه‌دار و کثیف کند. آن کس که از حیث شخصیت، ثروتمند و غنی است هرگز نمی‌تواند فقیر باشد، نجابت و شرافت او با غم دیگران علایت‌ر و بزرگتر شده‌است، شهید‌راه دینداری و ایمان با لبخند رضایت درد و مشقت را می‌پذیرد. ای استاد ادب و سخن! شیوه گفتار تو مانند اقیانوسی است که در عرصه پهنوار آن روح‌ها به هم می‌رسند و به یکدیگر می‌پیوندند...».

و همین موارث معنوی و وارستگیهای عمیق و فضیلت‌های بزرگ شیعه مذهب‌ان آزاد الهی بود که همه جا در روحانیون واقعی این ملت نموده می‌گشت و شخصیت‌های بزرگ را تحت تأثیری عجیب قرار می‌داد که در اینجا حتی مجال اشاره بدانها را هم نمی‌یابیم، جز این که سخنی از فیلسوف و متفکر اجتماعی مسیحی «امین الریحانی» که از پیشوایان تجدد شرق است نقل کنیم. وی می‌گوید:

«به عزم ملاقات سید حسن صدر به کاظمین رفتم. وی مرد تنومند چهار شانه بلندبالا و خوش اخلاق و خوش برخوردی است، با پیشانی بلند و ریش انبوه سفید و بازوهای قوی، عمامه سیاه بزرگی بر سر دارد و پیراهنی سینه گشاده در بر، با آستین‌های فراخ که بازوهای او در وقت صحبت از آن نمایان می‌شد. در تمام سیاحت‌م در بلاد عرب هیچ‌کس را به خاطر ندارم دیده باشم که صورت پیغمبران را آنطور که تاریخ و شعرا وصف کرده و نقاشان برای ما مصور کرده‌اند، در مقابل چشم من مجسم کند مثل این مرد شیعی بزرگ. چقدر مستحسن است سادگی اطوار و خشونت زندگی او، و وقتی که من داخل خانه او می‌شوم ابتدا خیال می‌کردم داخل خانه یکی از خدمه او می‌شدم که به منزل او راه دارد. وقتی که او را دیدم روی حصیری نشسته در اتاقی که جز آن حصیر و چند پشتی، هیچ اثاثیه دیگری نداشت، و چون قیلا مسبق بودم که او بیش از دو میلیون اتباع و مقلد دارد و میلیون‌ها رویه از هند و ایران برای صرف در وجوه برای او فرستاده می‌شود و او با وجود همه اینها در کمال سادگی و زهد زندگی می‌کند و یک رویه از آنها را هم در غیر وجوه معینه استعمال نمی‌کند، این مرد فوق‌العاده در چشمم بزرگ آمد و آرزو کردم که کاش بین رؤسای روحانی ما که با جامه‌های ارغوانی گردش می‌کنند و دراعمالشان جز کار خیر چیزی کمبود ندارد، چند نفری نظیر این مرد پیدا می‌شد...».

و این فدائیان علی بودند که همه جاشورانگیزترین حماسه زندگی را پیا می‌کردند، بگفته آقای حکیم الهی: «هزار و چند سال است که به نام او میلیون‌ها نفر – به هر نامی که می‌خواهید بنامید – خود را فدا کرده و با طیب خاطر و اراده شخصی در راه او بذل جان و مال می‌کنند که در کمترین شخصیت تاریخی آن را می‌شود یافت. و از آن گذشته صدها و هزاران نفر را که همین آنسیکلوپدیا دارای شخصیت تاریخی و دارای قیافه تاریخی ذکر کرده است چه از سلاطین و چه از فلاسفه و ادبا همه کسانی هستند که خود را فدائی علی دانسته و به عظمت او معتقد بوده و مباحات داشته‌اند.

اینها همه نیروهایی بودند که به هم می‌پیوستند و از خلال قرون و اعصار غبار گذشت زمان را پس می‌زدند و هر بامداد و غروب چهره خروشناک علی را با همان ابهت تربیتیش از میان تند نقش شفق نشان می‌دادند و به این امید نیرو بخش که زاویه‌های دید علی نسبت به انسان و ارزش انسان روشن گردد، به فعالیت پیگیر خویش ادامه می‌دادند....

اکنون با استمداد از معلومات مختلف بشر امروز، پدیده‌های فکری و اجتماعی امام را می‌شود روشن کرد و تابش این خورشید را که قرن‌هاست بر سرزمین ما تابیده و درست نئوانسته‌ایم از نورش بهره بگیریم

می‌توان به هر سوی گیتی رسانید.

اقیانوس زمان هر روز آماده‌تر می‌شود که ما صخره‌های بزرگی از دامنه شخصیت کوه آسای علی بر داریم و در آن افکنیم و موجش را به دورترین ساحل‌های زندگی برسانیم و مردی را بشناسانیم که از نظر علم، تا آن جا افکار را جهش می‌دهد که در ضمن اشاره به «انشاعاب علوم» حتی روی آشیانه‌شناسی پرندگان تکیه می‌کند و اصول فلسفه‌های مهم را پی می‌ریزد و در حقوق و علوم الاجتماع، حقایقی ژرف و در عدالت و داوری و مساوات، اصولی عمیق پیشنهاد کرده خود بدان‌ها عمل می‌کند. از بینوایان سخن می‌گوید و با آنان می‌نشیند و کنار دیوارهای درد چهره زاغه‌های ایستد و خود را به جای زاغه نشینان می‌گذارد.

همدوش یک فرد بسیار معمولی جامعه کار می‌کند، به طوری که برای هر سو سیالیست منصف مایه حیرت است. رئیس اسلام و فرمانروای پهناورترین امپراطوری‌ها و برای چند نخل مردی یهودی آبیاری کردن و دستمزد گرفتن و به بینو ادادن... عجیب است!...

اینها همه شگفتی‌های این شعله جاوید و واقعیت نامتناهی است.آن همه فروغی که از چراغ راه مصلحین تراوید و آن همه ارزشهایی که انساندوستان بزرگ را به تلاش واداشت. آنان که بسرای آزاد زندگی کردن جامعه‌ها، از این بین بردن امتیاز سیاه و سفید، با بهبود وضع زندان‌ها و زندانیان یا تیمارستان‌ها، یا بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها، یا سایر آسایشگاه‌های مرضی، یا زندگی اطفال بی سرپرست، یا تعمیم دانش و سواد برای همه، یا کوبیدن استبداد و ظلم، یا رافع اختلافات شوم طبقاتی، یا پیشرفت علوم و اختراعات، یا گسترش عدالت و داد و احقاق حقوق، یا نشر تعلیم روحی و اخلاقی، یا سایر اصلاحات اجتماعی و... گام فشردند و تلاش کردند،

همه چهره‌های مقدسی هستند که یقینا بشریت بدان‌ها احترام می‌گذارد. ولیکن نمونه کامل و جامعه همه این کشش‌ها و کوشش‌ها و تمام این احساسات و عواطف و بلکه از همه برتر و بزرگتر و الهی‌تر، همان چهره‌ای است که می‌گوییم باید شناسانده شود و همگان کیفیت اندیشه و مجاری دیدش را درک کنند و معلومات درباره او طوری عمومی شود که هر روز فرزندی که وارد زندگی می‌شوند، او را با همان هیمنه حقوقیش در سراسر زندگی و ششون آن ناظر کار خود بدانند.بشر برای آسودگی مطلق و رسیدن به ارزش واقعی خوش، ناگزیر است که به طرف علی برود. آن مردان بزرگی هم که پس از یک احساس ژرفناک و شورامیدانگیز، عمری در شعله عشق علی می‌سوزند و به شناساندن علی می‌پردازند بدین نظر عالی است.

اینها حقایقی است، و این بحث‌ها بحث سنی –شیعه نیست، بحث یک طرفه است: «علی‌شناسی» است. نهایت دنیای تسنن هم وقتی پس از گذشتن چهارده قرن بر اسلام و عقیم ماندن جهانی شدن آن ؛ به این حقایق توجه پیدا کرد – با حفظ احترام سلف – با ما همگام خواهد شد و برادرانه با هم در راه تحقق بخشیدن به آرمانهای عالی پیغمبر بزرگوارمان خواهیم کوشید. اما چون همین را گروهی نمی‌خواهند و به سود منافع خودشان دور می‌دانند، این بحث مقدس انسانی را که نتیجه‌اش عاید دور‌ترین بشر جزیره‌نشین هم خواهد شد، به گونه‌ای نامطلوب جلوه می‌دهند. و دریغا که بعضی از عناصر کم دید و یک سونگر و کم مطالعه در دین و تشیع که به گمان خود دید وسیع هم دارند! و چه بسا شیعه معتقدی هم هستند، چون از فلسفه مذهب خود آگاهی درستی ندارند. در راه نشر این حقیقت که نمی‌کوشند هیچ، سد راه کوشندگان هم می‌شوند. این دسته اگر توجه نیناید تأسفی فراوان دارد.

در این جا حقیقتی است که ناگزیر باید بدان اشاره کرد: آیا اگر بنا شود اجتماعی را به وظایف بزرگ پای‌بند سازند و توده درهم رفته و بی سامانی را زنده کنند و به خود آورند، از کجا باید شروع کرد؟

از همانجا که یقینی بحق در مردم انگیزخته شود و همه از صمیم دل بپذیریم که باید به طرف حرکتی روی آورند؛ و خلاصه باید برنامه‌ای به مردم پیشنهاد شود که از ایمان قلبی و حس درونی منشأ گیرد. اینجاست که باید ابتدا همگان حق محض و صریح را درک کنند و بشناسند و به تأیید فروغ حق نیت پاکی که از شناختن حق در تصمیمات به وجود می‌آید به سوی مقصود پیش روند. تافرد یا جامعه‌ای در تشخیص خود یقین نکند و اشعه زنده‌کننده حقیقت بر کانون اراده و احساساتش ننابد، هیچ جهش و جوشش راستینی نمی‌توان از آن فرد یا جامعه توقع کرد.

اکنون قدری صریح‌تر درک می‌شود که هر چه جوانان، احساساتی‌تر و پر شور‌تر و جامعه دوست‌تر باشند، باید بی‌تردید برگردند (و اگر در اثر علل و عواملی از دین فاصله گرفته‌اند فاصله را به صفر رسانند) و در شناساندن مکتبی بکوشند که اقدامات اصلاحی و جهشهای اجتماعی جزو متن آنست، و در آن ریشه دینی دارد...

اگر این فکر (توجه به تعلیمات علی) چنانچه یاد شد در طبقه جوان رسوخ کند و باز شور علی‌ شناسی در رسته آماده‌تر یعنی جوانان سر گیرد، و ولای علی به هدایت نشاط سازنده جوانان بر خیزد، آیا اگر این پرتو از افق اجتماعی دمید نباید به سعادت‌مندی محتوی آن جامعه دل بست؟

آیا اصل سعادت هر اجتماع جهش داشتن و زندن بودن افراد نیست؟ و آیا عاملی جهش زاتر از توجه درست به طرز فکر قاطع و داد‌گسر و کوبنده علی و حقیقت ناشناخته تشیع داریم...؟

✽[این متن، بخشی از مقاله مفصل «جهش‌ها» در این کتاب است که با تلخیص و حذف قسمت‌هایی از پاورقی‌ها و... آورده شده است.



محمدباقر صنوبری (صمیم)

روشنگر دلها علی (ع)

در مدح حیدر کرار (ع) و شرح اسماء و مقامات آن ولی خدا به سیاق اهل توحید، عرفان و ولایت که در استقبال از ترکیب بند مرحوم ژولیده نیشابوری سروده شده است:

ای عاشقان، ای عاشقان من نور سرمد یافتم
اندر جهان آرزو، قصر مشید یافتم
در محفل روحانیان، فیض مؤبد یافتم
در بزم قدس عارفان، عقل مجرّد یافتم
اسرار خلقت را عیان، از فیض ایزد یافتم
در پرتو ذات خدا، ظلّ ممدّد یافتم
در وادی توحید حق، عرفان احمد (ص) یافتم
در سینه سینمای دل، نور محمد (ص) یافتم
در نور پاک احمدی (ص)، مرز مسدّد یافتم
در پرتو لطف خدا، سرّ مؤبد یافتم
دل یافتم، جان یافتم، توفیق یحید یافتم
تا آگهی از رتبه آن نور امجد یافتم
ایسن جمله دستاورد من در ذکرِیا الله بود
گنجی که من صاحب شدم عرفان وجدالله بود

من حیدرم (ع)، من صدفِرم یاران حق را یاورم
روحانیان، رحمانیان، آئینه هائی دوربرم
بعد از رسول الله (ص) من بر خلق عالم رهبرم
گلهای حق را در جهان در باغ دین می پرورم
«من عنده علم الكتاب» گنج علوم داورم
دلهای اعمی را بحق، بینا کند خاک درم
تانسِل حق آید زمن، زهرای (ع) اطهر همسرم
چون فاطمه، کوثر بود، من همدم آن کوثرم
طعن شرافت می زند، بر اهل عالم قتیرم
اهل خدا را در جهان، هم هادیم، هم سرورم
اول امام شیعیان، منصوب از پیغمبر (ص)
از سوی حقّ چون ولی از جمله هستی برترم
روح اللهم، عین اللهم، وجد اللهم، باب اللهم
ربّ زمین، نور سماء، ممسوس ذاتِ اللهم

روح جهان پایا علی (ع) از مبدا اعلی علی
مولای کل در کل بود، مفهوم یا مولا علی
اکسیر درد عاشقان، روشنگر دلها علی
نور قلوب اهل دل، آتش زن جانها علی
محراب را قرص قمر، در دامن شبها علی
ساقی بزم بیخودی، از بهترین صهبا علی
دریای موج شرف، بل برتر از دریا علی
عنقهای قاف معرفت، بل برتر از عنقا علی
مسند نشین ملک حق، در عالم اعلا علی
نوح حقیقت در مثل، در اوج طوفانها علی
یاران بزم خویش را بر دوست ملحق می کند
با جلوه‌ای، بر اهل حق، حق را محقق می کند

من شوره زار قلب را چون باغ رضوان می کنم
زندانیان نفس را آزاد و انسان می کنم
راه خدا بر سالکان، پیدا و رخشان می کنم
آنان که باید رفت و شد، من خلق آنسان می کنم
با نور خود با بود خود تصدیق یزدان می کنم
چون خود دلیل سرمدم، بر خلق برهان می کنم
عشاق کوی دوست را رهسوی جانان می کنم
کار خدایی در جهان، با اذن رحمان می کنم
از اهل ذکر و از خدا، تفسیر قرآن می کنم
جانهای دور از یار را مربوط و میزان می کنم
شهباز ملک لافتنی در ملک ایمانم، علی (ع)
میزان حق و باطلم، بر خلق فرقام، علی (ع)

به‌ریتیمان عرب غیر از علی (ع) غمخوار نیست؟
شهباه به درگاه خدا چون چشم او بیدار نیست
هستی پر از سرو دلی، چون او پراز اسرار نیست
چشم خدا بین در جهان، چون چشم آن سالار نیست
رزم آوری همچون علی (ع) در صحنه پیکار نیست
جز او به جنگ مشرکان، کس حیدر کرار نیست
جز خاتم پیغمبران، افضل از او دیار نیست
در سلاطین حق کسی، چون حضرتش پرکار نیست
بالینکه چون او رهبری بعد از نبی (ص) در کار نیست
افسوس، او را مشتری در خیل این بازار نیست
بعد از محمد (ص)، شیعه اش جز هفت و پنج و چار نیست
جز همسر مظلومه اش زهرا (س) کشش غمخوار نیست
این غم نگویم با کسی تا روز فتح مهدوی
مهدی (عج) او بر هم زند در خلق عالم کجروی

توضیح: ترکیب بند فوق در ایام ولادت مولا علی (ع) در سال ۱۳۵۷ سروده شده و در ۱۳۶۳/۱/۲۶ اتمام یافته است.
خادم حرم سیدالکریم (ع)



ترجمه: علی حجتی کرمانی

چون به شجاعت و دلاوری آن حضرت که زبازد همگان است، بنگریم، درمی یابیم که او از سن بیست سالگی یا اندکی بیشتر در جنگها مباشرت داشته، و حال آنکه با جنگاوری ای که علی (ع) از خود به نمایش گذارد، نام شجاعان پیش از خود را به بوته فراموشی سپرد و نیز نام دلاوران پس از خود را از صفحه گیتی پاک کرد. خواهیم دید که علی (ع) در شجاعت بر تمام مردم برتری دارد، این امر آن چنان بدیهی و روشن است که سخن گفتن و ایراد شواهد برای اثبات آن بر انسان زشت و قبیح جلوه می کند. آنچه علی در جنگ کرد، تا روز قیامت به عنوان ضرب المثل به جای خواهد ماند. برای اثبات شجاعت آن حضرت همین قدر کافی است که وی در هیچ میدانی از دشمن گریزان نشد و خود را در مقابل لشکریان آنان نباخت و با کسی گرم کارزار نشد، مگر آنکه او را بکشت و هرگز ضربه‌ای بر دشمن وارد نکرد که بخواهد دومین ضربه را نیز بر او



بزند. ضربات او بس سهمناک بود. هرگز از پیش دشمنی نمی گریخت. چون به مبارزه‌ای فراخوانده می شد، پاک نمی داشت. اینها همه از امور حیرت‌آوری است که جز برای پسر ابو طالب فراهم نشد. و چه بسا که بتوان شجاعت وی را بیش از اینها مورد توصیف قرار داد. او خود می فرمود: «با کسی به نبرد نپرداختم مگر آنکه من و او در میدان بودیم».

یکی از موارد افتخار اعراب، ایستادگی در برابر علی (ع) در صحنه‌های پیکار بود. آنان و دار و دسته‌شان افتخار می کردند که علی (ع) با ایشان به جنگ پرداخته است. حتی بن احطب، سید قبیله بنی نضیر یکی از کسانی است که بر این امر بالیده و گفته است: «اینها کشتگانی شریف به دست انسانی شریفند». خواهر عمرو بن عبود در شعری که در ثنای برادرش سروده است، به کشته شدن وی به دست علی (ع) می بالد. هنگامی که حسان در یکی از سروده‌هایش به قتل عمرو بن عبود بالید، یکی از مردان قبیله بنی عامر در جواب او اشعاری گفت که برخی از ابیات آن چنین است:

دروغ گفتید و به خانه خدا سوگند، که ما را نکشتید
اما به خاطر تیغ برنده علی (ع) بر خود بالید. به شمشیر پسر عبدالله یعنی احمد در جنگ و به پنجه نیرومند علی (ع) بدین حال دست یافتند، پس کوتاه کنید. علی است آنکه در فخر مقامی والا دارد پس بیهوده ادعا مکنید و پست و کوچک شوید (کم شوید).

مشرکان کارزار علی (ع) را مورد ستایش قرار می دادند و آن را افتخاری برای علی به شمار می آوردند و بسا این وجود این، علت افتخار ایشان تنها آن بود که علی کشنده آنهاست. مسافع بن جمحی در سوگ عمرو و کشته شدن او به دست امیر المؤمنین (ع) شعری سروده که یکی از ابیات آن چنین است:

علی پیروز شد و من به مانند این افتخار دست نیافته و با مردی چنین قدر تمند روبرو نشده بودم
هبیره بن ابی وهب در ثنای عمرو و قتل او به دست علی (ع) چنین می سراید:

از تو ای علی، این دلیری که در میدان به خرج دادی، در جای دیگری ندیدیم و من بر نجد مقدم، همچون پیری متوقف شدم.

به چه پیروزی شگفتی دست یافتی که همین برای فخر تو بس است و تا زمانی که زنده‌ای از خواری و زبونی در امان می مانی.

سعید بن عاص نیز به علی (ع) بالید و گفت: من خوشحال نیستم جز آنکه می بینم کشنده پدرم پسر عمومی او، یعنی علی بن ابی طالب است. همچنین پدر علی (ع) وی را در زمانی که کودکی بیش نبود، در واقعه شعب ابو طالب، در بستر پیامبر خوابانید و آن حضرت (ع) با طیب خاطر به استقبال خطری پس بزرگ رفت.

شجاعت والای آن حضرت را همچنین می توان در

دلاوری حضرت علی (ع)



علامه سید محسن امین

بودند، متواری شدند. علی (ع) به تعقیب آنان پرداخت و بعضی از آنها را به دیار عدم رهسپار کرد و با این کار خود هیبت مشرکان را در هم کوبید و «خداوند کافران را با همان خشم و غضبی که به مؤمنان داشتند، بدون آنکه به غنیمتی دست یابند، باز گرداند و خدا خود جنگ را به واسطه وجود علی) از مؤمنان کفایت فرمود».

در جنگ خیبر علی (ع) به درد چشم گرفتار آمد؛ به گونه‌ای که نه صحرا را می دید و نه کوه را. از این روی، پیامبر دو تن از مهاجران را به جنگ دشمنان فرستاد، اما آنان شکست خورده و باز گشتند. یکی از آن دو به دوستانش دشنام می داد و آنان نیز او را دشنام می دادند و دیگری دوستان خود را سرزنش می کرد و آنان او را سرزنش می کردند. آن گاه پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که دوستان خدا و رسول اوست و خدا و رسول نیز دوستان او آیند. او حمله بر ندهای است که از میدان نمی گریزد و از معرکه باز نمی گردد، مگر آنکه خداوند بر او گشایشی قرار دهد. سپس علی (ع) را فراخواند و در چشم او از آب دهان خود ریخت و بهبود یافت.

چون فردا شد پیامبر پرچم را به علی (ع) سپرد. مرحب (از مردان نیرومند یهودیان خیبر) در حالی که بر سر کلاهخودی گذارده بود و بر تن زرهی داشت، با علی رو به رو شد. علی (ع) با ضربت شمشیری آن کلاهخود را همچون تخم مرغی درهم شکست و زره و سر او را پاره کرد تا آنکه شمشیر به فک او رسید و همه لشکریان صدای این ضربه را شنیدند. آن حضرت در این جنگ در قلعه خیبر را که بیست مرد از آن محافظت می کردند، از جای کند و آن را همچون پلی بر روی خندق قرار داد.

چون مسلمانان از کار جنگ باز می گشتند، افراد زورمند این در را اندکی جابه جا کردند و هفتاد تن آمدند تا آن در را به حالت اول باز گردانند، اما نتوانستند و آنگاه می بینیم که علی (ع) دری را که هفتاد نفر نتوانستند بلند کنند، به عنوان سپری برای خود می گیرد. به راستی در جهان کدام مرد شجاعی است که تا این حد به شجاعت و دلیری رسیده باشد؟

در جنگ حنین علی (ع) در کنار پیامبر قرار گرفت و این در حالی بود که همه مسلمانان از کنار او متواری و پراکنده شده بودند، به جز ده تن که نه تن از آنان از قبیله بنی هاشم بودند. علی و عباس و پسر عباس در بین این نه تن قرار داشتند. در این جنگ علی (ع) ابو حرول و چهل تن دیگر از آنان را به دیار عدم روانه کرد و با فرار مشرکان، و به لطف ثبات قدم علی و آن عده قلیل، مسلمانان دوباره باز گشتند. مسلمین با دیدن پیامبر دیه‌ای علی (ع)، استقامت کردند؛ چرا که از آنان، شجاعتی همچون علی، دیده نمی شد. امیر المؤمنین (ع) در تمام پیشامدها و جنگها از مقامی شامخ برخوردار بود.

در جنگهای جمل و صفین و نهروان، آن حضرت شخصا شرکت داشت و پهلوانان نامدار را از میان برداشت و با مردان زورمند آنان به جنگ پرداخت. در جنگ جمل هر دو لشکر روبه روی هم ایستادند و نیزه‌های آنها در قلب یکدیگر می نشست. هر سپاهی که آهنگ رفتن به سوی شتر عایشه را می کرد، کشته می شد. از صدای ابر هم خوردن شمشیرها صدایی همچون تپک به گوش می رسید. چون جنگ به اوج خود رسید، آن حضرت به تنهایی به طرف شتر، که با پارچه‌ای سبز پوشانده شده بود و مهاجرین و انصار دورش را گرفته و اطراف آن فرزندانش بودند، یورش برد. آنگاه بر آنان تاخت و بر قلب لشکریان جمل زد و با آنان در کار نبرد شد، سپس باز گشت و شمشیرش را که خم شده بود، با زانوش راست کرد. یاران و پسرانش گفتند: ما به تو کمک خواهیم کرد. اما علی هیچ پاسخی به آنان نداد و حتی نگاهی به ایشان نکرد و آن گاه دوباره چون شیری ژیان، خروشید و برای بار دوم به تنهایی به خیل دشمن زد. مردان جنگی دشمن از ترس رویارویی با علی (ع) می گریختند و از چپ و راست او عقب می نشستند، تا آنکه زمین از خون کشتگان رنگین شد. آن حضرت دوباره به میان یاران خود باز گشت و شمشیرش را که خم شده بود، راست کرد و به پسرش محمد بن حنفیه فرمود: ای پسر حنفیه! در میدان نبرد چنین باید جنگ کرد. کسانی که در اطراف آنان بودند، خطاب به امیر المؤمنین عرض کردند که ای امیر المؤمنین! چه کس خواهد توانست کاری را که تو می کنی، انجام دهد؟

یوم اله‌ریر یکی از فرازهای حساس جنگ صفین است. بعضی راویان گفته‌اند: «به خدایی که محمد را برانگیخت سوگند که ما رئیس هیچ گروهی را، از زمانی که خداوند آسمانها و زمین را آفریده است، ندیده‌ایم که یک روز بتواند مانند علی (ع) عمل کند. او بنا بر آنچه حسابرگان شمرده‌اند، بیش از نصد تن از نام‌آوران عرب را کشت، وی با شمشیری کج و ناراست به سوی سپاه دشمن خارج می شد و می گفت: «از خداوند و از شما پوزش می طلبم». ما او را در میان می گرفتیم و از وی مراقبت می کردیم، ولی او به ناگاه از دست ما به در می شد و بر قلب لشکریان دشمن تاخت می آورد. به خدا سوگند، ما هیچ شیری را قوی تر و نزدیک تر از او به دشمن ندیدیم. (مضمونی است از آیه ۲۵ سوره احزاب)

یوم اله‌ریر یکی از فرازهای حساس جنگ صفین است. بعضی راویان گفته‌اند: «به خدایی که محمد را برانگیخت سوگند که ما رئیس هیچ گروهی را، از زمانی که خداوند آسمانها و زمین را آفریده است، ندیده‌ایم که یک روز بتواند مانند علی (ع) عمل کند. او بنا بر آنچه حسابرگان شمرده‌اند، بیش از نصد تن از نام‌آوران عرب را کشت، وی با شمشیری کج و ناراست به سوی سپاه دشمن خارج می شد و می گفت: «از خداوند و از شما پوزش می طلبم». ما او را در میان می گرفتیم و از وی مراقبت می کردیم، ولی او به ناگاه از دست ما به در می شد و بر قلب لشکریان دشمن تاخت می آورد. به خدا سوگند، ما هیچ شیری را قوی تر و نزدیک تر از او به دشمن ندیدیم. (مضمونی است از آیه ۲۵ سوره احزاب)

***برگرفته از کتاب سیره معصومان، ج ۳، ص ۳۰

نکته‌هایی

خواندنی از زندگی

امام علی (ع)



علامه سید مرتضی عسکری

آنچه در پی می‌آید متن سخنان علامه سید مرتضی عسکری(ره) است که پیشتر در مجله مبلغان به چاپ رسیده است. این نوشته حاوی نکاتی ظریف از تاریخ اسلام و شخصیت امیرالمؤمنین علی(ع) است. امید آن که با تبلیغ لطایف و ظرایف زندگی امیرالمؤمنین، گامی در جهت معرفی این اسوه معنویت برداشته شود.

کمال‌شریعت

شریعت اسلام که از حضرت آدم تا حضرت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌و آله بر پیامبران الهی علیهم السلام نازل شده تا آن‌را به مردم ابلاغ کنند، در عصر نبی خاتم(ص) و بعد از تعیین علی بن ابی‌طالب(ع) در حجة‌الوداع و در غدیر خم کامل شد. «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا؛ امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.» (مائده/۳)

پرورش یافته پیامبر (ص)

حضرت علی(ع) از سلاله اسماعیل و فرزند ابوطالب است و از لحاظ حسب، پرورش یافته خاتم الانبیا بوده است. وی در زمان پیامبر خاتم(ص)، چون سایه برای او بود. به خواست خداوند، علی(ع) در دامان پیامبر اکرم(ص) پرورش یافت.

حضرت ابوطالب همانند پدرانش حاجیان و زائران خانه خدا را مهمانی می‌کرد. او و اجدادش دو کار انجام می‌دادند:

۱-در مکه جز چاه زم زم چاه دیگری نبود. آنها در طول سال آب می‌کشیدند و در حوض‌های چرمی که در راه حجاج قرار داشت، می‌ریختند و در موسم حج مقداری مویز نیز در آنها می‌ریختند و مردم را سیراب می‌کردند.

۲- گاهی شترانی را در راه حجاج ذبح می‌کردند تا حجاج آنها را بریان کرده، تناول کنند.

از آنجا که در آمد اهل مکه از تجارت بود، هاشم به فرزنداناش آموخته بود که برای تجارت در تابستان به ایران و شام بروند و در زمستان به یمن و آفریقا سفر کنند. ابوطالب به مدت دو سال نتوانست تجارت کندو به همین دلیل فقیر شد. در این زمان فحطی شدیدی در مکه پیش آمد؛ به حدی که مردم به صورت خانوادگی از مکه بیرون می‌رفتند تا اعضای هر خانواده می‌میرند، توسط بقیه اعضای خانواده دفن شوند. در این شرایط، در میان بنی هاشم دو تن از موقعیت خوبی برخوردار بودند: یکی پیامبر اسلام که به واسطه ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمند شده بود و دیگری عباس عموی پیامبر(ص). پیامبر اکرم(ص) نزد عموی خود، عباس آمد و از او خواست تا با کمک یکدیگر از نان خورهای ابوطالب بکاهند. هر دو نزد ابوطالب رفتند و گفتند: «ما حاضریم هر کدام از فرزندان ت را که صلاح بدانی نزد خود ببریم. ابوطالب گفت: «لو ت رکنتم لی عقیلا فاصنعوا ماشئتم؛ اگر عقیل را برای من بگزارد(د امانعی ندارد و) هر چه خواستید انجام دهید.» از این عبارت معلوم می‌شود که عقیل بزرگ و کارآمد بوده است. عباس، جعفر را و پیامبر اکرم، علی(ع) را با خود بردند.^۱

همراز وحی

حضرت علی(ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن ان کان فطیما اعظم ملک من ملائکته یسلک به طریق المکارم و محاسن اخلاق العالم، لیله و نهاره و لقد کنت اتبعه اتباع الفضیل اثر امه، یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما و یأمرنی بالافتداء به^۲؛ او خداوند بزرگ‌ترین فرشته از فرشتگانش را زمانی که پیامبر از شیر گرفته شده‌بود، همشین او کرد که او را در شب و روز به بزرگواری‌ها و خوبیهای نیکی جهان سیر دهد و من مانند رفتن بچه شتر بی مادرش، بی او می‌رفتم و هر روز از خوبیهای خود پر جمی می‌افراشتم و پیروی از آن را به من امر می‌کرد».

پیامبر اکرم(ص) سالی یک ماه در غار حرا اعتکاف می‌کرد. این اعتکاف قبل از پیامبر اکرم(ص) نیز سابقه‌داشت و عبدالمطلب نیز چنین اعتکافی داشته‌است. در زمان اعتکاف پیامبر(ص) حضرت علی(ع) برای ایشان آب و غذا به غار می‌برد و حاجات پیامبراکرم(ص) را برآورده می‌ساخت. حضرت می‌فرماید: «در زمان اولین وحیی که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌وآله نازل شد: «اقرأ باسم ربک الذی خلق، خلق الإنسان من علق، اقرأ و ربک الاکرم، الذی علم بالقلم…» (علق/ ۱-۳) همراه ایشان بودم. با نزول وحی ناله‌ای شنیدم، از پیامبر اکرم (ص) سؤال کردم این ناله چیست؟ فرمود: هذا الشیطان نیس من عبادتی؛ این ناله شیطان است که از عبادت من مأیوس شد. انت تسمع ما اسمع و تری ما اری لکنک لست بنبی وانت وصی؛ تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را می‌بینم، می‌بینی؛ ولی تو نبی نیستی، بلکه وصی هستی.»^۳

اولین نماز جماعت

پس از نزول اولین آیات وحی، پیامبر اکرم(ص) از غار حرا به منزل آمد و جبرئیل امین در همان روز، نماز را برای پیامبر آورد و نحوه و وضو گرفتن و نماز خواندن را به وی آموخت. اولین نماز جماعت را پیامبر و علی و خدیجه خواندند.

طبری، امام مورخین مکتب خلفا، در تاریخش می‌نویسد: «یحیی بن عقیف کندی می‌گوید: «برای حج به مکه آمدم و میهمان عباس بودم (خانه عباس عموی پیامبر مشرف به خانه خدا بود). وسط‌های روز دیدم مردی آمد و به آسمان نگاه کرد.»^۴ مقابل خانه خدا ایستاد. دست راستش جوانی خردسال و پشت سرش زنی بود. او خم شد، آنها نیز خم شدند، او به زمین افتاد آنها نیز به زمین افتادند. تعجب کردم. وقتی که عباس آمد، ماجرا را برای او نقل کردم، گفت: «دانستی آنها که بودند؟» گفتم: نه. گفت: «آن که جلو بود، پسر برادر من، محمد بن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌و آله‌است. او می‌گوید: از آسمان به او وحی می‌شود. آن که در جانب راستش



ایستاده بود، علی بود و آن که پشت سرش بود، خدیجه، زوجه

پسر برادر من، محمد است. من در روی زمین کسی را غیر از این سه نفر بر این دین نمی‌دانم.»^۵

اولین تبلیغ و ولایت علی(ع)

طبری در تاریخ خود آورده‌است که در سال سوم بعثت آیه «وانذر عشیرتک الاقربین» (شعرا/۲۱۴) نازل شد. پیامبر اکرم(ص) می‌بایست دعوت را از اقوام و خویشانش شروع کند. علی علیه‌السلام در خانه پیامبر بود. پیامبر اکرم به او دستور داد ران گوسفندی بریان کندو قدحی از دوغ تهیه نماید و بنی عبدالمطلب را دعوت کند. او نیز چنین کرد و میهمانان آمدند. پیامبر اکرم از ران گوسفند قدری خورد و با دندان خود متبرک کرد و از قدح نیز قدری نوشید و آن را متبرک ساخت. میهمانان یکی یکی خوردند و سیر شدند و ران و دوغ سر جای خود باقی ماند.

ابولهب گفت: «لشد ما سحر کم الرجل؛ عجب سحری کرد.» او رفت و بقیه نیز رفتند. پیامبر اکرم(ص) به علی(ع) فرمود: دیدی چه کرد؟ اعد؛ دوباره دعوت کن. این بار هنگام پذیرایی، پیامبر اکرم(ص) پیش دستی کرد و فرمود: «ایکم یؤازرنی علی هذا الامر فیکون اخی و وزیری و وصیی و خلیفتی فیکم من بعدی.» آنها مسلمان نبودند و قبول نکردند. علی(ع) گفت: «انا یا رسول الله،» حضرت رسول علی را بلند کرد (اینها همه نکته دقیق و حکمتی دارد) و فرمود: «هذا اخی و وزیری و وصیی و خلیفتی فیکم، فاسمعوا له و اطیعوا» آنها بر خاستندو رفتند. و ابوطالب را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: «ان این اخی یک یامر ک ان قطع اینک.»^۶ از این مطلب فهمیدی می‌شود که اولین تبلیغ پیامبر(ص) به وحدانیت و ربوبیت خدا، رسالت خویش و وصایت علی علیه‌السلام بوده‌است؛ یعنی تبلیغ این سه با هم بوده‌است.

تکرار خفتن در جای رسول

پس از دعوت آشکار پیامبر اکرم(ص) قریش از ابوطالب خواستند تا نزد پیامبر(ص) رود و به او اعلام کند که اگر مال می‌خواهد به او بدهند. اگر پادشاهی می‌خواهد دورش جمع شوند و پادشاهی کنند و… ولی دست از دعوتش بردارد. پیامبر اکرم پس از شنیدن سخنان آنان فرمود: «والله یا عاמה لو وضعوا الشمس فی یمنی و القمر فی شمالی علی ان اترک هذا الامر حتی ینظروه الله او اهلک فیما ماترکنه^۷؛ عمو جان به خدا سوگند، اگر خورشید را در کف راستم و ماه را در کف چپم قرار دهند که از تبلیغ آیین خود دست بردارم، هر گز دست بر نخواهم داشت تا خداوند این دین را یاری کند یا در راه آن جان دهم.»^۸ آن‌ها عاجز شدند و آزار و اذیت و شکنجه ضعیفا پر داختند. پیامبر اکرم(ص) دستور به هجرت داد. عده‌ای به سرپرستی جعفر بن ابی طالب از راه دریای سرخ به حبشه رفتند. قریش با یکدیگر هم‌قسم شدند تا بیانی هاشم خرید و فروش نکنند. در یک مجلس نشینند، سخن نگویند و…

آنها تصمیم گرفتند که این قطع رابطه ادامه یابد تا پیامبر(ص) را تسلیم آنها کنند و قریش او را به شهادت برساند. آنها این قرار داد را به کعبه اویزان کردند. ابوطالب احساس خطر کرد، از این رو با بنی هاشم، بنی المطلب و هر که مسلمان شده بود، به دره کوهی به نام شعب ابی طالب پناه بردند. اموال حضرت خدیجه علیها السلام در اینجا مصرف شد. شب‌های شعب ابی طالب شب‌های خطرناکی برای پیامبر اکرم بود و همواره این خطر وجود داشت که قریش از دور جای خواب پیامبر اکرم را نشانه بگیرند، و او را در تاریکی به شهادت برسانند. به همین دلیل وقتی که هوا تاریک می‌شد و همه می‌خوابیدند، ابوطالب جای پیامبر(ص) را با حضرت علی(ع) تعویض می‌کرد تا اگر پیامبر را نشانه گرفتند، مصون بماند. روزی علی(ع) به پدر گفت: من کشته‌می‌شوم. ابوطالب فرمود: «در راه حبیب کشته می‌شوی.» حضرت فرمود: «نخواستم بگویم راضی نیستم. خواستم بگویم من می‌دانم که در راه حبیب کشته می‌شوم.»

در بستر پیامبر

بعد از وفات ابوطالب، آزار قریش زیاد شد و پیامبر اکرم مأموریت یافت تا از مکه به مدینه هجرت کند. قریش در دارالندوه گرد هم جمع شده و تصمیم گرفته بودند که شبانه از هر قبیله یک نفر جمع شوند و یک باره بر پیامبر(ص) حمله کنند و او را بکشند تا خویش در قیابل پخش شود و قاتل معلوم نباشد. ابولهب نیز در این جمع شرکت کرده بود. جبرئیل امین دستور هجرت را برای پیامبر اکرم آورد و ایشان تصمیم بر هجرت گرفتند. آن شب که دور خانه پیامبر(ص) را محاصره کرده بودند، علی(ع) را به جای خود خواباند تا فدایی او باشد.

حضرت علی(ع) عرض کرد: «اگر من جای شما یخوایم شما سالم می‌مانید؟» فرمود: بله. علی به جای ایشان خوابید تا به شهادت برسد، ولی پیامبر اکرم سالم بماند. پیامبر(ص) کفی از خاک برداشت و بر سر مشرکان ریخت و رفت و آنها او را

ندیدند.

دینارها کوتاه‌بود و آنها جای پیامبر(ص) را می‌دیدند. برای آزار حضرت، تا صبح به طرف خانه‌اش سنگ پرتاب می‌کردند، اما به دستور ابولهب قرار شده بود، هنگام صبح حمله کنند. وقتی که صبح شد، آنها بر خلاف انتظار، حضرت علی علیه‌السلام را در جای پیامبر(ص) دیدند. گفتند: محمد کجاست؟ گفت: مگر او را به من سپرده بودند؟

بهترین نمونه امانت‌داری

قریش به یکدیگر اطمینان نداشتند و طلا و نقره خود را نزد پیامبر اکرم(ص)؛ یعنی محمد امین می‌گذاشتند. علی(ع) مأموریت داشت پس از هجرت پیامبر اکرم(ص) امانات مردم را به آنها بازگرداند. حضرت تا سه روز امانات مردم را بر گرداند، سپس در خانه خدا با صدای رسا اعلام فرمود: آیا کسی هست که امانتی نزد پیامبر(ص) داشته باشد؟ کسی نیامد.

پیامبر در انتظار علی

مأموریت دیگر علی(ع) این بود که فواطم را (فاطمه بنت محمد، فاطمه بنت اسد مادر علی، فاطمه بنت عبدالمطلب) به مدینه ببرد. پیامبر اکرم به قبا رسید و همان جاماند و هر چه ابوبکر اصرار کرد تا پیامبر(ص) وارد مدینه شود، نپذیرفت و فرمود: «باید علی بیاید.» علی(ع) آمد؛ در حالی که پاهایش تاول زده بود. تاول‌های پای او با آب دهان پیامبر اکرم(ص) شفا یافت و با هم وارد مدینه شدند. این نشان گر نهایت دوستی پیامبر و علی است.

شجاعت علی(ع)

بدر

در جنگ بدر هزار مرد جنگی قریش در مقابل ارتش سیصد و سیزده نفری پیامبر اکرم(ص) قرار گرفتند. یاران پیامبر(ص) آماده جنگ نبودند، بلکه فقط برای گرفتن قافله قریش آمادگی داشتند. دراین جنگ هفتاد نفر از قریش کشته شدند که ۳۵ نفر از آنان را علی(ع) کشت و این ۳۵ نفر نه از آدم‌های عادی، بلکه از قهرمانان و سران قریش بودند.

احد

قریش به تلافی جنگ بدر و برای خونخواهی کشته‌شدگان خود به طرف مدینه حرکت کردند. پیامبر اکرم(ص) نیز از مدینه بیرون آمد و دو لشکر در مقابل هم قرار گرفتند. در آن زمان قهرمانان، علمدار می‌شدند. (در ماجرای عاشورا نیز چون حضرت ابوالفضل قهرمان بود، علمدار شد) اگر علم به زمین می‌افتاد، لشکریان فرار می‌کردند. در احد، نه‌فراز قهرمانان قریش یکی پس از دیگری علم برداشتند. هر یک از آنان که علم را بر می‌داشت، علی(ع) او را با شمشیر به درک می‌فرستاد و در نهایت با کشته‌شدن نهمین نفر، لشکر قریش شکست خورد.

خندق

در جنگ خندق، قریش با ده‌هزار نفر آمدند. پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان برای حفظ مدینه، با تعلیم سلمان فارسی، خندقی حفر کردند تا ارتش دشمن نتواند وارد مدینه‌شود. عمر بن عبدود که با هزار سوار برابر بود، با اسب از خندق پرید. اصحاب پیامبر(ص) از رویارویی با او هراس داشتند. عمر و به آنها نگاه کرد و گفت: «شما می‌گویید: هر کس از شما توسط ما کشته شود، به بهشت می‌رود. آیا از شما کسی نیست که بخواهد به بهشت برود؟» کسی پاسخ او را نداد تا اینکه گفت: «و لقد یححت عن النداء بجمعکم هل من مبارز؛ بس که فریاد کشیدم و در میان جمعیت شما مبارز طلبیدم، صدام گرفت!» همه می‌رسیدند. تا اینکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «چه کسی به جنگ او می‌رود؟ علی(ع) فرمود: «من.» پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌و آله عمامه خود را بر سر او بست. علی(ع) وقتی با عمرو مواجه شد، به او گفت: «تو گفته‌ای کسی که به مبارزه من دراید، از سه حاجت او یک حاجت را اجابت می‌کنم، اینک من حاجتم را می‌گویم: ۱-بیا و مسلمان شو، گفت نمی‌شود. ۲- لشکرک را برادر و بر گرد، گفت: نمی‌شود. ۳- تو سواری و من پیاده، پیاده شو تا بچنگیم. گفت: خیال نمی‌کردم در عرب کسی چنین آمادگی یا چنین خواستهای داشته باشد.

عمر و پیاده شد و اسب خود را پی کرد و با شمشیر به حضرت علی(ع) حمله کرد. حضرت سپرش را مقابل ضربه او گرفت، سپرش دو نیم شد و شمشیر به سر حضرت اصابت کرد؛ همانجا که بعدها مورد اصابت شمشیر ابن ملجم قرار گرفت. حضرت نیز شمشیری به پای عمرو زد. او بر روی زمین افتاد و حضرت روی سینه‌اش نشست و او را کشت. اگر مسلمانان، کافری را می‌کشت، تمام لباس و وسایل او را بر می‌داشت و مال او می‌شد؛ ولی حضرت این کار را نکردند. وقتی خبر به خواهر عمر رسید، گفت: اگر لباس‌های برادر من را در آورده بودند، تا آخر عمر برای او گریه می‌کردم؛ ولی آن که عمرو را کشت، پسر ابوطالب، با این بزرگواری است.»^۹ عمر بن خطاب گفت: «زره‌اش هزار دینار (یا هزار درهم)

ارزش دارد.»، علی(ع) فرمود: «نخواستم پسر عمومیم را لخت کنم.» (حضرت علی علیه‌السلام و عمر و هر دو از قریش و عمو زاده بودند.)

خیبر

یهودیان مردمانی ثروتمند و بسیار سرکش و آزار دهنده بودند. پیامبر اکرم(ص) مأمور به جنگ خیبر با آنها شد. حضرت رسول(ص) روز اول ابوبکر را با ارتشی برای جنگ با آنان فرستاد. آنها رفتند و شکست خورده برگشتند. درباره او نوشته شده که «یجبَن اصحابه و یحبونه؛ ابوبکر به سپاهیان‌ش می‌گفت: شما ترسو بودید و آن‌ها می‌گفتند تو ترسو بودی.» روز دوم عمر بالشکریانش رفت و بعد از شکست و بازگشت، همان سخنان تکرار شد.^۹

شب سوم پیامبر اکرم(ص) فرمود: «لابعثن غدار جلاً یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله کرار غیر فرار.» لذا هر یک از صحابه تا صبح به امید اینکه همان فرد مورد نظر باشد، صبح کرد. هنگام صبح پیامبر اکرم(ص) فرمود: اِنَّ عَلِیَّ؛ علی کجاست؟ گفتند: علی چشم درد دارد. فرمود: علی علیه‌السلام را بیاورید. او را آوردند. پیامبر(ص) آب دهان به چشمش او مالید و خوب شد؛ به صورتی که حضرت امیر می‌فرمود: تا آخر عمر دیگر چشمم درد ندیدم.

سپس پیامبر اکرم(ص) علَم را به دست علی داد. علی به همراه لشکریان حرکت کرده، در مقابل مرحب قرار گرفت. هر دو رجز خواندند و به یکدیگر حمله کردند. حضرت، مرحب را کشت و سپس از خندق آنان جست و در قلعه خیبر را کند. در را روی خندق گرفت و پل ساخت تا صحابه از روی آن عبور کنند و این چنین خیبر را فتح کرد. بعد از فتح قلعه، هشت نفر خواستند در را حرکت دهند، اما نتوانستند.

جانشین پیامبر (ص)

پیامبر اکرم(ص) در جنگ‌هایی که نزدیک مدینه بود، علی را با خود می‌برد و در مدینه کسی را که بعد از پیامبر(ص) هوای ریاست نداشته‌باشد، می‌گذاشت تا نامزد جماعت بخواند، افرادی چون ابن ام مکتوم کور، ابن مسعود و…

در غزه تبوک مسافرت پیامبر(ص) دو ماه طول می‌کشید و نمی‌شد که پیامبر(ص) مرکز اسلام را دو ماه تنها بگذارد یا به دست افرادی بسپرد که قبلاً واکذا مر می‌کرد، لذا در این غزه، پیامبر اکرم(ص) علی(ع) را فر ماندار مدینه کرد. منافقین گفتند: «مَلِ ابن عمه؛ از پسر عمویش ملول شد.» لذا حضرت امیر(ع) لباس جنگ پوشیده و به پیامبر اکرم(ص) ملحق شد. پیامبر(ص) فرمود: «ما بال ابن ابی طالب؛ پسر ابوطالب را چه می‌شود؟» حضرت عرض کرد: «منافقین گفتند: «مَلِ ابن عمه.» در صحیح بخاری آمده‌است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «أما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی الا انه لابی بعدی^{۱۰}؛ آ یا خشنود نمی‌شوی که منزلت نزد من مانند منزلت هارون است به موسی علیه‌السلام جز اینکه [هارون نبی بود ولی آنبوت با من ختم می‌شود.»

قرآن و علی(ع)

وقایع تاریخ پیامبر اکرم(ص) نشانگر این است که ایشان علی(ع) را برای تبلیغ رسالت بعد از خود آماده می‌کرد. مابه صورت مفصل در کتاب «معالم المدرستین» از کتب مکتب خلفا (طبقات ابن سعد، سنن ابن ماجه، مسند احمد و…) روایت کرده‌ایم که پیامبر اکرم(ص) در پایان شب نشست‌های خاصی با علی(ع) داشت. علی(ع) دم در خانه رسول‌الله می‌ایستاد و می‌گفت: «السلام علیک یا رسول‌الله.» اگر پیامبر می‌فرمود علیک السلام، داخل می‌شد و الا، بر می‌گشت. در این دیدارها، پیامبر اکرم(ص) آنچه را بر او وحی شده بود، برای علی(ع) املا می‌کرد و او می‌نوشت.

به علی(ع) می‌فرمود: «بنویس.» علی علیه‌السلام عرض می‌کرد: «تخاف علیّ النسیان؛ از فراموش کردن من می‌ترسی؟» می‌فرمود: «نه، ولقد دعوت الله الا ینسیک. اکتب لشکر کانک.» عرض کرد: «وَمَنْ شَرَکائی.»

در آن عصر، نامه‌هایی را که می‌خواستند بماند، روی پوست می‌نوشتند. علی(ع) قرآن را بر روی پوست شتر دباغی شده می‌نوشت. این نوشته طوماری به اندازه هفتاد زراع شده بود و نام آن جامعه بود. آنچه بر پیامبر وحی می‌شد، پیامبر(ص) بر علی(ع) املا می‌کرد و علی(ع) در جامعه می‌نوشت.

ما در سه جلد کتاب «القرآن الکریم…» آورده‌ایم که وحی به دو صورت بود: ۱-وحی قرآنی، ۲-وحی بیانی. وحی قرآنی همین قرآن است که امروز در دست ماست، حتی یک کلمه کم یا زیاد و پس و پیش نشده‌است. هر آیه‌ای از وحی قرآنی که نازل می‌شد، با وحی بیانی، جبرئیل امین تفسیر آن را نیز می‌آورد. رکعات نماز و اذکار آن در قرآن نیست؛ ولی وقتی مثلاً آیه «اقم الصلوة لذلوک الشمس الی غسق اللیل» نازل شد، جبرئیل با وحی بیانی فرمود که نماز مغرب سه رکعت و اذکار آن چنین و چنان است. جبرئیل نیز این تفسیر را از جانب خداوند بیان می‌کرد.

هر چه نازل می‌شد، پیامبر اکرم(ص) هر یک از کُتاب وحی را می‌طلبد و آیه را با تفسیر آن بیان می‌کرد تا بر روی پوست، تخته، کتف گوسفند و هر چیز دیگری که در آن زمان رایج بود، بنویسند. هر سوره‌ای را که پیامبر اکرم(ص) برای صحابه می‌خواند، همراه با آن وحی بیانی را نیز منتقل می‌کرد؛ یعنی قرآن بدون تفسیر در زمان پیامبر(ص) نبوده‌است؛ آن هم تفسیر از دو لب پیامبر اکرم(ص).

پی‌نوشت:

۱ -برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به *الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۸؛ سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۲؛ شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۱۹*

۲ -*نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴، خطبه قاصعه*

۳ -در *نهج‌البلاغه، خطبه قاصعه،* به همین مضمون ذکر شده‌است.

۴ -*پیامبر اکرم می‌خواست زوال شمس را ببیند.*

۵ -*تاریخ طبری، بیروت، دارالقاموس الحدیث، ج ۲، ص ۲۱۲*

۶ -*رک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۷؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۳؛ شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحادی، ج ۱۳، ص ۲۱۱*

۷ -*سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۵*

۸ -*رک: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۳*

۹ -*تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۰۰*

۱۰ -*سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۰۷*

واقعا حالا وقتی برمی گردم و خاطرات را مرور می کنم، متوجه می شوم که در این اواخر عزم رفتن در چهرهٔ آقا به راحتی دیده می‌شد، به خصوص بعد از عمل. در آن زمان واقعا چشمهایمان را بسته بودیم. نه تنها من، بلکه هیچ کداممان نمی‌خواستیم این واقعیت را که هر انسانی رفتنی است و طبیعتاً آقا هم خواهند رفت، باور کنیم. سریع فکر مان را برمی گردانیدیم که ابتدا این طور نیست و نخواهد شد؛ حتی در آن لحظه‌های آخر.

مادرم در آن لحظه‌های آخر که حدوداً ساعت سه بعد از ظهر روز سیزدهم خرداد ماه بود، به من گفتند که دکترها می گویند: «فقط یک درصد احتمال موفقیت وجود دارد.» من گفتم: نه، این حرفها چیست؟ بعدها که فکر می‌کردم، دیدم که ما هیچ نمی‌خواستیم این واقعیت را قبول کنیم، البته همه این گونه بودند. اما آقا خودشان واقعا می‌خواستند بروند.

ماه رمضان که بعضی اوقات برای نماز صبح نزد ایشان می‌رفتیسم، معمولاً خیلی گریه می‌کردند. در نماز شبشان همیشه دستمال کاغذی کنارشان بود. اما این ماه رمضان آخر، ایشان حوله کنار دستشان می گذاشتند، از پس که در این ماه رمضان گریه می‌کردند. مرتب ذکر می‌گفتند و حالت دیگری داشتند. من خود ندیدم، اما مادرم تعریف می‌کنند که یک برگ کاغذ گذاشته بودند جلوشان و تمام اذکاری را که در روز باید می‌گفتند، روی آن می‌نوشتند که مبدا یادشان برود. خیلی عجیب بود. عید هم آقا را برخلاف آن وجهه‌ای که همیشه داشتند، می‌دیدیم. آقا معمولاً در مجالس و میهمانی‌ها که می‌نشستند، بگو و بخندی داشتند.

وجهٔ عاطفی آقا هم بحث دیگری دارد. واقعاً حالت ایشان در خانواده فرق می‌کرد؛ با آن حالت رسمی و چشم‌های نافذ در هنگام حضور در حسینیه، گویی در خانواده شخص دیگری بودند. به یاد دارم که یک روز ایشان در حسینیه صحبت تندی کرده بودند. حالا عین مطالب یادم نیست که چه بود؛ اما حمله شدیدی کرده بودند به آمریکا و شوروی. الحمدلله، ایشان مصلحت‌گرا نبودند، هر چه را حقیقت می‌دانستند، می‌گفتند و به همین خاطر هم بود که امام شدند. به هر حال یادم هست که آمدند بیرون و شروع کردند قدم زدن. مثلاً در همان لحظه که قدم می‌زدند، علی می‌آمد، روی سرش دست می‌کشیدند. ما می‌رفتیم جلو، عادت داشتند معمولاً به شوخی به صورت ما می‌زدند. دستشان را می‌برند بالا و ما هم صورتمان را می‌گرفتیم و دستشان را آرام می‌گذاشتند روی صورت ما. اصلاً فرق می‌کردند. نمی‌دانم این در حسینیه چه بر کنی داشت، ایشان آن طرف که می‌رفتند، و وجه دیگری داشتند، رهبر انقلاب می‌شدند و این طرف که می‌آمدند، فردی کاملاً عسادی و البته خدایی، که خانواده‌اش را هم به خاطر خدا دوست دارد. البته آن طرف هم همین گونه بودند. اما آنجا یک عامل دیگر هم اضافه می‌شد و آن رهبری انقلاب بود و این‌طرف یک پدر بزرگی بودند برای خانواده. هر چه بود، خدا بود؛ حتی اگر به کسی محبت می‌کردند یا مثلاً پرخاش می‌کردند. من خودم این گونه بودم که هر وقت می‌خواستم ببینم، امروز که مثلاً فلان مسأله پیش آمده، درست برخورد کردم یا نه، مورد رضایت خدا هست یا خیر و یا نامه اعمالمان چگونه است، می‌رفتم خدمت آقا، اگر گرم برخورد می‌کردند، معلوم بود وضع خوب است، اگر سرد برخورد می‌کردند، باید می‌رفتم و استغفار می‌کردم، چون مسأله حل نشده بود.

یکی از روزها من داشتم با ایشان قدم می‌زدم، بوته گل رزی در باغچه بود. نگاه کردند به این غنچه‌های گل و گفتند: «می‌دانی این غنچه چند روزه است یا چند روز دیگر باز می‌شود؟» شما نگاه کنبد یک فرد با آن همه مشغولیات، روی چه چیزهای ظریفی دقت دارد. ایشان چون هر روز قدم می‌زدند و توجه داشتند، می‌گفتند: «این گل سه روزه که باز شده یا آن گل دیروز صبح باز شده، آن گل دیشب باز شده.» تمام این ظرایف یادشان بود. قدم که می‌زدند، روی این مسائل دقت داشتند و این چیز عجیبی بود. ما با این که هم جوان بودیم و هم باید به این چیزها بیشتر علاقه داشته باشیم، این گونه نبودیم. مثلاً ایشان می‌گفتند: «این غنچه امروز باز می‌شود.»

یک نکته‌ای هم هست که البته ایشان به خود من نگفتند (به مادرم گفته بودند که ایشان برای من نقل کردند)، که یک روز حضرت امام رو کردند به من (یعنی مادرم)

که: «می‌دانی آن گل (مادرم می‌گفتند که یک گل پژمرده‌ای بوده) من هستم، آن گل حسن است، آن گل تویی، آن گل احمد است و بعد اشاره کردند به یک غنچه کوچکی که تازه داشت می‌شکفت، گفتند: این گل هم علی است. واقعاً آدم بعید می‌داند که کسی با این همه مشغولیات این گونه ابعاد عاطفی در خانواده داشته باشد و این نمی‌شود مگر اینکه همه اعمال خدایی باشد.

خلاصه من آن روز به خانه رفتم. آخر شب بود، حدود ساعت یازده که خوابیدم. فردایش روز اول خرداد بود که من رفتم مدرسه، امتحان داشتم. وقتی برگشتم آقا را برده بودند بیمارستان. در همان روز از ایشان عکس گرفته بودند و مقدمات عمل فراهم شده بود.

آن روز پدر و مادر

گذشته اصلاً در چهره شان خنده نبود. در این جریان مادرم چیزی را از آقا نقل می‌کند که من گفتم: «آقا چرا ناراحتید و مسأله چیست؟» آقا گفتند: «شما نمی‌دانید تمام نفس‌های ما سیئات بود.» گفتم: «آقا شما که دیگر نباید این گونه باشید. شما انقلابی کردید که خدایی بود.» گفتند: «وقتی حضرت سجاد می‌گوید تمام حسنات من سیئه است، تکلیف من روشن است.»

در هر صورت، من آمدم خدمتشان و ایشان راه افتادند، آمدند دم در. گفتند جلیقه‌ام یا قباپیم را نپوشیدم. دم در که ایستاده بودند، آمدند بر گردند داخل، من احساس کردم نگاه آقا به خانه، نگاه خداحافظی است. معمولاً کلید اتقشان دست خودشان بود، اما آن روز کلید را دادند دست خانم. گفتند:



آخرین روزهای امام (ره)

و علی‌رفته بودند نزد امام. امام گفته بودند: «بباید آخرین ناهار را با هم بخوریم.» برای ایشان مسأله واضح بود، البته ما نمی‌خواستیم قبول کنیم. می‌گفتم نه. اما این حرف را می‌زنند؛ ولی یقینی نیست؛ ولو این که خانواده ما هم اعتقاد سنگینی به ایشان داشتند. این طور نبود که بگویم ایشان فقط به عنوان پدر بزرگ باشند، پدر بزرگ بودند. اما واقعاً خانواده آقا، هم به عنوان مقلد بودند، هم به عنوان مرید بودند. به هر حال گفته بودند بباید آخرین ناهار را با هم بخوریم یا مثلاً علی را دیده بودند که در حال دویدن است، گفته بودند:

«علی بیا با هم آخرین قدممان را هم بزنیم.»

قبل از رفتن آقا به بیمارستان، برای سرکشی به وضع بیمارستان به آنجا سر زدم و سپس به اتفاق دکتر طباطبایی تا پشت در اتاق آقا رفتم. در راباز کردم و رفتم تو. گفتم: «آقایان دکتر می‌گویند که بباید برویم بیمارستان.» ایشان بلند شدند و شروع کردند به نصیحت کردن. انگار به شخص مادرم قبلاً نصیحت کرده بودند.

اینجا من باید یک مطلبی را که شایع شده، تکذیب کنم و آن اینکه نقل کرده‌اند که امام در لحظات آخر، یعنی همان لحظات قبل از عمل همه را جمع کردند و نصیحت کردند، این طور نبود. ایشان در همان حال که آماده رفتن به بیمارستان می‌شدند، چند نصیحت به من کردند؛ نصیحت‌های همیشگی که بعداً نقل می‌کنم. ولی معمولاً آقا نصیحت که می‌کردند، حالت تربیتی‌اش را هم در نظر داشتند؛ را روی باز بودند و می‌خندیدند. از راهی می‌گفتند که دقیقاً اثر می‌کرد. اما این دفعه برخلاف دفعات

آمن بگو له؛ در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشان به روحیه

مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که آقا کمی یواشتر، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پای در می‌آیند؛ می‌گویند نه مردم اینجور نیستند که شما می‌گویید. من مردم را بهتر می‌شناسم و ما همگی می‌بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان بیشتر آشکار می‌شود. و بالاخره بالاتر از همه امن بر به؛ در یک جلسه خصوصی ایشان به من می‌گفت فلانی این مانسبتیم که چنین می‌کنیم. من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد، خدا هم به مصداق ان نصر و الله النصر کم بر نصرت او اضافه می‌کند. یا آن چنان که در داستان اصحاب کهف مطرح می‌شود، قرآن می‌گوید آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و به او اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر ایمانشان افزود. آنها برای خدا قیام کردند و خدا هم دل‌های آنها را محکم کرد.۲

این چنین هدایت و تأییدی را من به وضوح در این مرد می‌بینم. او برای خدا قیام کرده و خدای متعال هم قلبی قوی به او عنایت کرده است که اصلاً تزلزل و ترس در آن راه ندارد. اطباء فرانسه که اخیراً این پیرمرد هشتاد و چند ساله را که لاقلاً پانزده سال است دچار جنگ اعصاب و ناراحتی روحی است و اخیراً هم جوانی آن چنان بروند و راز دست داده، معاینه کردند، نظر دادند قلب او نظیر قلب یک جوان بیست ساله است. او که در راه خدا قدم برداشته، آنچه را قرآن و عده داده است به تجربه دریافته.

فیلمی است که در تلویزیون آقا را از پشت سر نشان می‌دهد که دارند می‌روند داخل بیمارستان.

همان زمان که امام داشتند داخل بیمارستان می‌رفتند، ناگهان دست انداختند به گردن بابا و او را بوسیدند. بعد سر را انداختند پایین و رفتند داخل. آن لحظه واقعاً یک لحظه خاصی بود، و همه ناگهان بهتشان زد. چون شنیده‌ایم که هر چه سن پسر بالاتر می‌رود، پدر به گونه دیگری به او می‌نگرد. در ماجرای حضرت علی اکبر هم حالات امام حسین (ع) را ذکر می‌کنند. آنجا من احساس کردم که آقا دیگر می‌دانسته‌اند که کار تمام است و ایشان رفتنی است. در آن لحظه عطوفت پدری بر سایر مسائل و حجبی که از دکترها داشتند، غلبه کرد.

بعد ایشان بستری شدند. حدود ساعت ۱۰-۱۰/۵ شب بود که من آمدم منزل. فردایش قرار بود آقا عمل شوند. نماز شب آقا هم در همان شب بود که از دستمان رفت و بعداً فیلمش را دیدیم. واقعا هم حیف بود، چون می‌خواستیم نماز شب آخر آقا را ببینیم.

صبح روز عمل یکی از دوستان مرا بیدار کرد و به بیمارستان رفتم. هیچ کسی از آقایان نیامده بود. رفتم در اتاقی که تلویزیون مدار بسته بود، دیدم که آقا خوابیده‌اند، البته هنوز به هوش بودند. دکترها داشتند کارها را انجام می‌دادند.

من هم دائم به داخل می‌رفتم و بیرون می‌آمدم و خلاصه همانجا سرگردان بودم تا این که آقایان آمدند. قیافه‌ها را به خوبی به یاد دارم، آقای هاشمی از دم داخل و رفت نشست و شروع کرد به زار زار گریه کردن، بعد آقای اردبیلی آمد. همین که در راباز کرد، شروع کرد به گریه؛ گریه‌ای خیلی بلند. بعد آقای میرحسین موسوی آمد، همین طور، آقای خامنه‌ای هم آمدند که نفر آخر بودند. چون کمی مسیرشان دورتر بود، آخر رسیدند یا یکی مانده به آخر. همه مدتی می‌نشستند، می‌رفتند بیرون و باز برمی‌گشتند؛ چون عمل حدود دو ساعت طول کشید. ولی یادم است که آقای هاشمی از اول تا آخر نشستند و این

برای من خیلی تعجب آور بود.

هشت دور بین بود که یکی یکی می‌آوردند روی ضبط. فیلم آقای هاشمی هم هست. ایشان نشسته بود. من آمدم بیرون. عمه (فهیمة خانم) مرادید و پرسید، جریان چگونه است؟ گفتم: «می‌توانید بروید از پشت دیوار بیمارستان یک شیشه دارد، بنشینید و نگاه کنید.» من فکر نمی‌کردم بتوانند ببایند داخل. گفت: «نه، می‌آییم تو.» سر را انداخت زیر و آمد نشست. همان موجب شد پای خانم‌ها به آنجا باز شد. خانم امام آمدند، عمه (صدیقه خانم) هم آمدند، خانم بروجردی هم آمدند. غیر از این سه نفر، کس دیگری داخل نیامد. همه همان بیرون می‌ایستادند.

بعد از مدتی خانم امام بلند شدند و رفتند. خانم بروجردی مرتباً نشسته بود. تقریباً همه گریه می‌کردند، حالت بهت و وحشت بود و ترسی هم که از عمل داشتند، راستی راستی بجای بود. یعنی هیچکس نمی‌دانست تاده دقیقه دیگر یا بیست دقیقه دیگر چه می‌شود. من هم این طرف و آن طرف می‌رفتم، نماز می‌خواندم و... بالاخره حضور دائم داشتم. در همین حالات بود که تدریجاً عمل تمام شد و آقا را آوردند بیرون. آقای دکتر فاضل مسئول جراحی و آقای دکتر الیاسی مسئول بیهوشی بود. یکی دو نفر دیگر هم بودند. تعدادی دکترهای قلب هم در اتاق حاضر بودند تا اگر احیاناً یک دفعه لازم شد، سریعاً اقدام کنند.

تختی که آقا روی آن بود، چرخدار بود. وقتی امام از اتاق عمل بیرون آمد، آقایان دفتر هم ایستاده بودند؛ آقایان امام جمارانی، توسلی و صانعی هم بودند و من هم ایستاده بودم. بعد از عمل یادم هست کسی که از همه بیشتر خوشحالی می‌کرد، آقای خامنه‌ای بود. چرا که عمل به ظاهر موفقیت‌آمیز بود و همه فکر می‌کردیم که خطر برطرف شده است. هیجان و افری بر همه حاکم بود و آقای خامنه‌ای بیشتر از دیگران. بابا می‌گفتند که ایشان ده‌شبه به آقامی گفت: «آقا، خدا ما را قبل از شما از این دنیا ببرد.»

یک حالتی بود که تا شما در چنین حالتی نباشید، نمی‌توانید آن را تصور کنید؛ مگر این که قدرت تصور بالایی داشته باشید. همه گلوها از شدت خوشحالی بغض گرفته بود. هیچکس گریه نمی‌کرد. آدم گاهی از شدت خوشحالی گریه می‌کند، ولی گاهی آنقدر هیجان بالاست که گریه هم نمی‌توان کرد. همه در یک چنین حالتی بودند. همه همدیگر را می‌بوسیدند.

✽ برگرفته از کتاب فصل صبر، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)



م‌رتضی مطهری

قرآن وعده داده است که برای خدا قیام کنید، برای خدا عمل کنید، آن وقت عنایت خدا را می‌بینید. اگر توی خانه ات بنشین خدا را نمی‌بینی. اگر ساکت باشی، عنایت خدا را نمی‌بینی. برای خدا حرکت کن، آن وقت است که خدا را و عنایت او را می‌بینی. آدمی که به امید خدا و برای خدا حرکت کرد، از تهدید آمریکا، حتی اگر شوروی را هم ضمیمه اش کنند، هیچ ترسی به دل راه نخواهد داد. در مورد این مرد بزرگ، یکی دیگر از خصوصیاتش را بگویم؛ شاید شما باورتان نشود این مردی که روزهای نشیند و این اعلامیه‌های آتشین را می‌دهد، سحرها قلاً یک ساعت با خدای خودش راز و نیاز می‌کند و آن چنان اشک‌هایی می‌ریزد که باورش مشکل است.

این مرد، درست نمونه علی (ع) است. درباره علی (ع) گفته‌اند که در میدان جنگ به روی دشمن لبخند می‌زد و در محراب عبادت از شدت زاری بیهوش می‌شود و ما نمونه او را در این مرد می‌بینیم.

بی‌نوشت:

۱-انهم فتیه آمنوا بر بهم وزندانهم هدی، کهف ۱۳

۲-و ربطنا علی قلوبهم اذ قاموا لقائوا ربنا رب السموات والأرض، کهف ۱۴

منبع: کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی»

اشاره: با توجه به اهمیت و جه اخلاقی و معنوی امام خمینی(ره) و نیاز بیش از پیش دوستداران ایشان به آگاهی از این جنبه شخصیت آن بزرگوار، گفت‌وگوی زیر صورت گرفته است؛ چه این که حضرت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی بیش از چهل سال از نزدیک با مرحوم امام ارتباط داشتند و در این دیدار نیز بیشتر درباره ابعاد مغفول مانده شخصیت امام سخن گفتند.

– من در سال ۱۳۲۲ به قم آمدم، آن موقع ۱۷ ساله بودم. حوزه علمیه قم آن روزها بسیط بود و طلبه زیادی نداشت، فکر می‌کنم حداکثر دوهزار و پانصد تا سه هزار طلبه و روحانی در قم بودند. از کسانی که اسم آنها در آن روزها در حوزه برده می‌شد، سه نفر در رأس بودند: مرحوم آقای حجت، مرحوم آقای سید محمدتقی خوانساری و مرحوم آقای صدر. آقای بروجردی هنوز نیامده بود. امام و آقای گلپایگانی و آقای سید محمد داماد و آقا سید احمد خوانساری و آقای فیض هم بودند؛ ولی روشن بود که حضرت امام با دیگران یک مقدار فرق دارد یا اقلاً در نظر طلبه‌ها فرق دارد. لباس‌های منظم داشت و صحبت کردنش با حساب بود.

بعد که آقای بروجردی آمد، حوزه بزرگ شد و امام برای مرجعیت ایشان فعالیت بیشتری داشت. من یادم می‌آید طلبه‌ها را جمع کرد و خودش در صندلی اول نشست و برای دیدن آقای بروجردی به تهران رفت. به هر حال او با دیگران فرق داشت؛ مثلاً در صحن همه جا نمی‌نشست، با همه قاطی نمی‌شد، در همه جا صحبت نمی‌کرد و کمتر حرف می‌زد؛ ولی ایشان را به عنوان آدمی فیلسوف، عارف و در عین حال فهیم می‌شناختند. ایشان اهل بحث و تحقیق بود، اهل نظر و تعمق ایشان را می‌شناختند و به ایشان مراجعه می‌کردند که جواب خیلی حساب شده می‌داد. در کارهای مهم حوزه هم گاهی دخالت می‌کردند؛ ولی مشهور بود ایشان اهل اخلاق هستند.

ایشان درسی روزهای پنج شنبه و جمعه داشت که همان درس اخلاق معروف بود و این از امتیازات امام بود. این درس در مدرس زیر کتابخانه برگزار می‌شد. آقای مطهری، آقای منتظری و آقای سید عبدالغنی اردبیلی و چند نفر دیگر شرکت می‌کردند، من هم رفتم؛ اما بقیه بازاری بودند و تقریباً مدرس از بازاری‌ها پر می‌شد. بعضی‌ها آن درس را می‌نوشتند، از جمله آقا سید عبدالغنی اردبیلی می‌گفت: من درس اخلاق آقای خمینی را نوشته‌ام. امام وقتی خودش آن صحبت‌ها را می‌کرد، بسیار مفید بود. من از شرکت کنندگان مستمر درس اخلاق امام بودم.

***لطفاً عمل و رفتار اخلاقی امام را هم توضیح دهید.

– امام این خصوصیت را داشت که میدان نمی‌دادند در حضورشان سخن چینی شود و حتی در خلوت‌هایشان هم راجع به افراد به بدی صحبت نمی‌کردند؛ یعنی حتی در مورد افرادی که با ایشان بد بودند یا شنیده شده بود که با ایشان بد هستند و به حد قظاهر رسیده بود، به هیچ وجه حتی در خلوت چیزی نمی‌گفتند و هیچگاه زبان‌شان به بدگویی باز نمی‌شد. امام حتی آن حالتی را که در سخنرانی‌ها داشتند که گاهی تند می‌شدند، در وضعیت معمول اصلاً نداشتند و حتی تعابیر خفیف هم در مورد افراد به کار نمی‌بردند و اسامی افراد را با احترام می‌بردند، ولو این که طرف قابل دشنام و بدگویی بود. خلاصه امام در مورد زبان‌شان خیلی مواظبت می‌کردند. عادت ایشان نبود که سعایت‌ها و اظهار نظر‌ها را در مورد دیگران باز گو کنند و می‌گذاشتند. قضیه در بوته اجمال بماند. این حالت ناشی از تهذیب نفس ایشان بود.

***درس اخلاق امام مخالفی هم داشت؟

– بله، تعدادی مخالف هم داشت. من یادم هست که وضو می‌گرفتم تا به درس اخلاق امام بروم. یک نفر از همشهری‌های ما آمد و پرسید: «حالا وضو می‌گیری نماز بخوانی؟!». چون عصر بود، گفتم: «می‌روم درس اخلاق». گفتم: «درس صوفیه می‌روی صوفی بشوی!»

– این مواظبت و مراقبت پس از انقلاب و دوران

رهبری امام هم مشهود بود؟

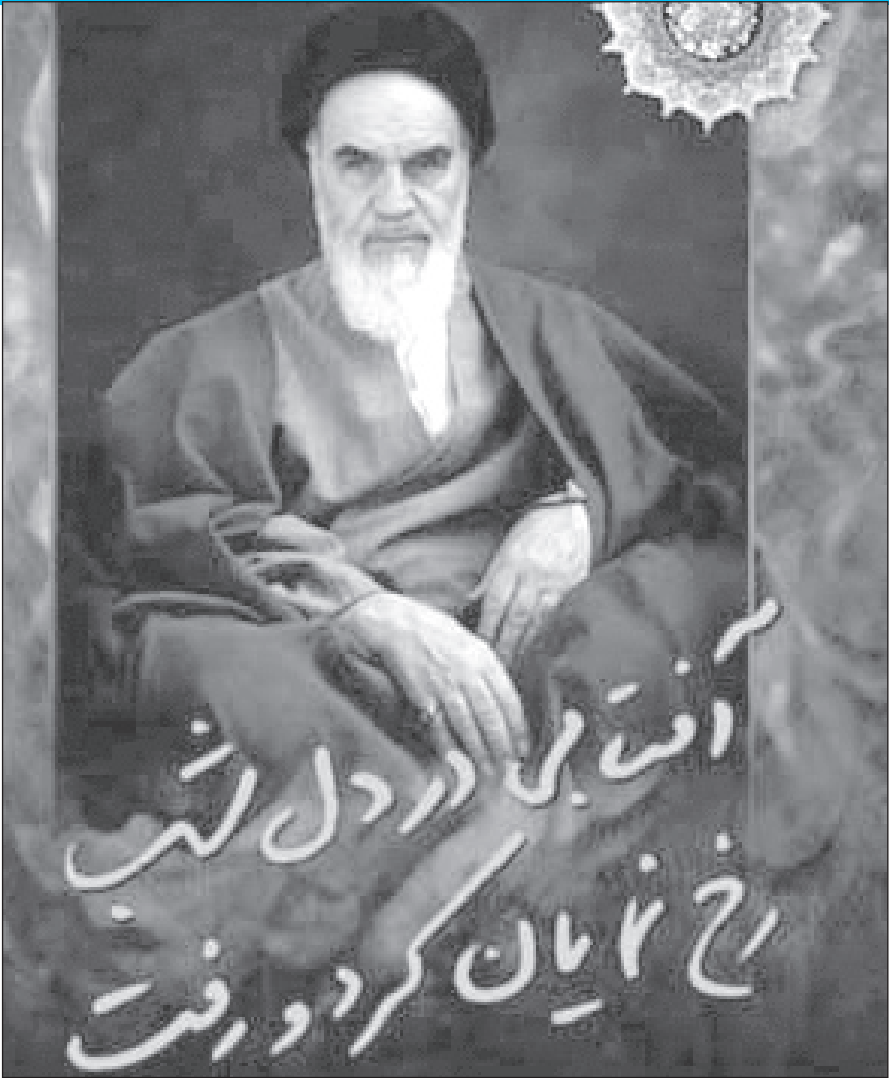
– بله، کاملاً مشهود بود. مثلاً یک روز خدمت امام بودم و آقای موسوی تبریزی هم حضور داشت، به امام گفتم: «قضات دادگستری ریششان را دو تیغه – سه تیغه می‌کنند، فاسق‌اند و قضاوتشان درست نیست. ما هر چه به آقای موسوی اردبیلی می‌گوییم دادگستری را منحل کنند، ایشان می‌گویند صلاح نیست.» امام به شدت با موسوی تبریزی برخورد کردند و گفتند: «چرا مواظب حرف خود نیستی؟ از کجا می‌دانی که اینها فاسق‌اند؟!». گفتم: «ریش می‌تراشند.» امام فرمودند: «خب بتراشند. شاید از کسی تقلید می‌کنند که آن را حرام نمی‌داند.»

گفتم: «شما می‌فرمایید حرام است.»

فرمودند: «من کجا گفته‌ام حرام است؟! من احتیاط کرده‌ام. از کجا می‌دانی که مقلد من هستند؟ مگر مردم باید از من تقلید کنند؟ از هر که می‌خواهند، تقلید کنند.» امام این گونه سخنان را خیلی راحت می‌گفتند و اصلاً برایشان سنگین نبود. شاید اگر کس دیگری در موقعیت امام بود، می‌گفت: با وجود من چه کسی ادعای مرجعیت می‌کند؟!

*** آیا امام از توصیف مثبت دربارهٔ شخصیت خودشان توسط افرادی مثل حضرت عالی استقبال می‌کردند و یا خوششان می‌آمد؟

– من که یک وقتی به ایشان گفتم: «گاهی انسان درباره شما اشتباهاتی می‌کند!» گفتند: «چه اشتباهاتی؟»



گفت و گو با آیت‌الله العظمی عبدالکریم موسوی اردبیلی

شخصیت اخلاقی – عقلانی امام خمینی

گفتم: «گاهی آدم خیال می‌کند شما از طرف خداوند الهام می‌شوید، چیزی را بیان می‌کنید که آدم خیال نمی‌کند که مطلب سابقاً در ذهن شما بوده است!» اما ایشان در مقابل این سخن من اصلاً جواب نداد؛ نه گفت درست است و نه گفت درست نیست. ایشان هر چیزی که مربوط به خودش بود، ولو از لوازم کلام چنین استفاده‌ای می‌شد، تأیید نمی‌کرد. در تأیید و تکذیب‌ها خیلی مواظب بود. یعنی برخلاف آنچه در دنیای آخوندی بسیاری مقیدند مرید جمع کنند و مقیدند مردم را از خود نرنجانند، ایشان چنین رویه‌ای نداشت، بلکه برعکس رفتارش، رفتاری بود که معمولاً مریدها را آزرده می‌کرد. این را آقای منتظری هم درباره امام می‌گفت. می‌گفت: «آقای خمینی رفتار عجیب و غریبی می‌کند؛ مثلاً کسی که به او پول می‌دهد، مثل این است که فحش می‌دهد، بدش می‌آمد.» امام هیچ وقت برای خودش یک چیزهایی که مورد شبشه باشد، نمی‌گفت و در برابر ادعاهای عجیب و غریب افراد دیگر هم می‌گفت: «من کور باطنم!» اصلاً در صحبت‌های امام سخن از «خواب دیدن» یا این که «به من الهام شده از طرف خدا»، اثری نبود و من چنین چیزهایی را اصلاً در حضرت امام ندیدم.

***در موضوع ارتباط با امام زمان(عج) چیزی به شماها می‌گفت و یا شما خودتان چیزی می‌دیدید؟ – ادعای ارتباط با امام زمان را آدم عادی نمی‌کند تا چه رسد به کسی مانند امام! ایشان این جور چیزها را اصلاً غریب می‌شناخت. انصافاً من ایشان را این گونه دیدم که بسر روی خودش کار کرده که حرف نزنند و صحبت نکنند، خیلی مراقب بود. بعضی‌ها هستند که یک چیزهایی می‌گویند و مثلاً می‌خواهند لوازش را بار کنند؛ اما آقای خمینی اهل این کارها نبود و هیچ وقت بسا آنهاپیی که مرید و مقلد او بودند، این گونه برخورد نمی‌کرد.

کلاً امام به ادعاهای ملاقات با امام زمان و کرامات اعتنایی نداشت، یک وقت پسر دکتر صوری اردوبادی و داماد او آمدند که: «ما با امام زمان رابطه داریم و پیامی از حضرت برای آقای خمینی داریم و تو برای ما وقت بگیر!» من گفتم که: «با امام این جور رابطه‌ای ندارم» و آنها به بعضی از آقایان دیگر متوسل شدند و بالاخره رفته بودند پیش امام و گفتند: «ما با امام زمان خیلی مربوطیم و هر وقت بخوایم، حضرت می‌آیند و هر چه بخوایم، به ما می‌دهند.» این را خود امام از آنها بعداً نقل می‌کرد. گفتند: «وقتی این را به من گفتند، به آنها گفتم این دفعه که امام زمان را دیدید، برسید دفتر شعر من کم شده و هر چه گشتم، نتوانستم پیدا کنم، برسید که کجاست؟ ارتباط حادث به قدیم را هم درست نفهمیدم که حادث با قدیم چه رابطه‌ای دارد، این را هم پرسید.» آنها رفتند و بعد یک نامه مفصلی که توهین بود، به امام نوشته بودند. امام آن نامه را به زن و بچه‌اش داد و بعد به ما هم داد که بخوانیم؛ خیلی تند بود!

*** جریان نامه‌ای را هم که آقا سیدابوالفضل زنجانی

نوشته بود بفرمایید.

– آقا سید ابوالفضل زنجانی که فردی وارسته و خداترس بود، عضو جبهه ملی بود. او نامه‌ای علیه امام نوشت و منتشر کرد، یا دوستانش منتشر کردند که خیلی تند بود و بوی تکفیر امام از آن می‌آمد. البته او در اوایل خوش‌بین بود؛ اما بعداً به امام و همه چیز بدبین شده بود. ایشان در محله ما بود و با من نماز می‌خواند. وقتی که در پاریس بودیم، امام به من فرمودند ایشان و آقای طالقانی را برای شورای انقلاب دعوت کنم. آقای مطهری هم خیلی از ایشان حرف شنوی داشت. آقای مطهری هم همین‌طور بود، و می‌گفت: «من آخوند خداترس مثل آقا سید ابوالفضل کم دیده‌ام یا ندیده‌ام.» خلاصه آن نامه تند ایشان را حاج احمد آقا به من داد و خیال می‌کرد که ما هر کاری که بتوانیم، می‌کنیم؛ ولی من نظرم این بود که قضیه را با خود امام در میان بگذارم.

یک روز خدمتشان رسیدم و گفتم: «نامه آقا سید ابوالفضل را دیده‌اید؟» گفتند: «بله، احمد آورده، خوانده‌ام.» پرسیدم: «حالا نظر تان چیست؟» فرمودند: «هیچ چیز.» گفتم: «یعنی تذکر زبانی هم به ایشان داده نشود؟» گفتند: «چه تذکری؟ مگر شما چیزی می‌دانید که او نداند؟» امام فکر می‌کردند ممکن است من قضیه را در جلسه سران سه قوه مطرح کنم و با او برخورد کنیم. با آن که خداحافظی کرده بودم، صدایم زدن و فرمودند: «با آقا سید ابوالفضل کاری نداشته باشید.» هر چند با توجه به اینکه امام موافق برخورد با ایشان نبودند، من قصد نداشتم برخوردی با آن نامه بکنم؛ ولی امام خیلی مراقب این امور بودند. امام تا زنده بودند، جنبه روحانیت و بزرگواری خود را حفظ کردند و برخوردهایشان چنان بود که در شأن یک مرجع است.

***برخورد امام با اعتراضات نهضت آزادی چگونه بود؟

– یک شب منزل احمد آقا بودیم. در آن جلسه آقای‌هاشمی و آقای خامنه‌ای و آقای مهندس موسوی بودند. امام بدون این که اسم ببرند، گفتند: «اینها آدمهای بدی نیستند. (معلوم بود که منظورشان نهضت آزادی است. گفتند:) آنهاپیی را که من می‌شناسم، آدمهای مسلمان خوبی هستند.» یکی از آقایان می‌خواست تحریک کند، گفت: «اینها روحانیت را قبول ندارند.» امام فرمودند: «روحانیت را قبول دارند، شماها را قبول ندارند!» آن آقا گفت: «شخص شما را قبول ندارند.» امام فرمودند: «قبول نداشته باشند. من که اصول دین نیستم!» من این ماجرا را در زمان حیات امام، در نماز جمعه نقل کردم تا جای هیچ گونه رد و انکاری نباشد.

***حضرت عالی از ارتباط امام با مرحوم آقامیرزا جوادآقا ملکی تبریزی هم اطلاعی دارید که البته در آن دوره قبل از دوره شما بود؟

– همان مقداری که من از خودشان شنیدم این بود که به ایشان گفتم: «شما آقامیرزا جوادآقا را دیدید؟» جواب دادند که دیدم. پرسیدم: «در جلساتشان هم

بودید؟» گفتند بلی بودم. دو سه بار از میرزا جوادآقا ملکی تعریف کردند. آنچه یادم هست، همین است.

*** سال‌های اولیه‌ای که امام در قم بودند، نسبت به ظاهر دینی، حرم رفتن یا مثلاً جمکران، یادتان هست که چگونه برخوردی داشتند؟

– من اصلاً ندیدم ایشان جمکران برود.

***مگر خودتان اهل جمکران بودید و امام را نمی‌دیدید؟

– من می‌رفتم، زیاد هم می‌رفتم؛ ولی نه برای امام زمان، بلکه برای اینکه برویم آنجا تفریح. با دوستانی مثل آقا سید ابوالفضل میرمحمدی، آقای آذری، آقا سید مهدی روحانی، چند نفری می‌رفتیم آنجا و گاهی وقت‌ها کباب درست می‌کردیم، باهم می‌خوردیم، بعد در کوهها پیاده روی می‌کردیم. امام این کاره نبود و از این کارها نمی‌کرد.

***در آن دوره مسجد جمکران بین علما و بزرگان مثل مرحوم آقای بروجردی، علامه طباطبایی، آقای گلپایگانی، ایسن طوری که امروز مطرح است، مورد توجه بود؟

– نه، یک جای مخروبه‌ای بود که دو سه ایوان داشت، کسی هم نمی‌آمد. ما روزهای پنج شنبه – جمعه می‌رفتیم. جمکران بعدها رواج پیدا کرد؛ ولی می‌گویند آن شیخی که خواب دیده – آقا شیخ حسن – و حضرت(ع) به او گفته آنجا مسجدی بسازد، آدم خوبی بود. ما شنیدیم که آدم خوبی بود و دروغو نگو نبود.

*** آیا در جلسات خصوصی دیدید که امام تسبیحی دستشان باشد یا ذکر بگویند؟

– نه، امام اصلاً این کارها را نمی‌کرد. شاید بدش می‌آمد.

***هیچ وقت برخورد کردید که در تصمیمات بگویند من استخاره بکنم؟

– نه، من ندیدم. من از ترس هم پیش امام نمی‌گفتم استخاره کنید؛ چون می‌دیدم خوشش نمی‌آید. امام اهل این کارها نبود. اهل ذکر به صورت ظاهر نبود، حتی ندیدم از آدمهایی که مشهورند به ذکر و کرامات و امثال آنها، تعریف کنند یا قضایی‌ای از کرامات نقل کنند. امام می‌گفت: من کور باطنم!

*** در دوره‌ای که شما ریاست قضا را برعهده داشتید، در کارهایتان دخالت می‌کردند؟

– نه، هیچ دخالتی نمی‌کردند. حتی یک بار هم نشد که بگویند فلان پرونده را چه کار کردی؟

*** آیا قدرت و جایگاه رهبری در برخوردهایشان تأثیر داشت؟

– نه، من احساس نکردم، بینی و بین الله. البته راجع به منافقین که صحبت می‌کردند، تند می‌شدند. در دوران طلبگی ما که خیلی احساساتی بودیم و نسبت به امام و انقلاب به اقتضای سن و شرایطی که وجود داشت احساسات به خرج می‌دادیم، هر چند وقت یک بار امام می‌فرمودند: احترام مراجع را حفظ کنید و جلوی تندروی‌ها را می‌گرفتند.

***گویا از قدیم الایام این احساسات را نسبت به علما داشتند و ظاهراً شما هم قصّه‌ای در این رابطه دارید که مربوط به تغییر محل درس امام است.

در سال‌های اولیه‌ای که امام درس خارج می‌گفتند، از درس‌های دیگر – غیر از درس آقای بروجردی – شلوغ‌تر بود و به همین خاطر به مسجد سلماسی منتقل شد؛ امام اول در مسجد محمدیه بود. همان وقت آقای شریعتمداری در مسجد مدرسه حجتیه درس می‌گفت. یک نفر از طلبه‌ها رفته بود به آقای شریعتمداری گفته بود: «شما بیایید مسجد محمدیه تدریس کنید و آقای خمینی که جمعیت درشان بیشتر است، در مسجد حجتیه تدریس کند.» آقای شریعتمدار جواب نداده بود. ایشان در خیابان حضرت امام را دیده بود و گفته بود: «شما تشریف بیاورید در مسجد حجتیه درس بگویید و من درسم را به مسجد محمدیه منتقل می‌کنم.»

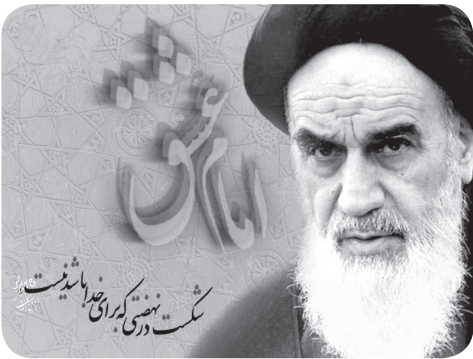
امام از دست طلبه‌ای که چنان گفته بود، خیلی منکسر شده بود. آقا شیخ اسدالله نجف‌آبادی نقل می‌کند که امام به درس آمد و منقلب بود و گفت: «یکی از شماها به بزرگان حوزه جسارتی کرده و گفته جای درسشان را به ما بدهند و بیاند اینجا درس بگویند!» بعد فرمود: «این آقا برود توبه کند و از آن آقا عذرخواهی کند. البته من عذرخواهی کردم؛ اما من جسارت نکرده بودم، آن آقا که جسارت کرده، او باید عذرخواهی می‌کرد.» امام خیلی به آداب و حریم افراد مقید بود.

*** راجع به تهجد امام خیلی سخن گفته می‌شود، آیا شما شاهد عبادات امام بوده‌اید؟

– امام خیلی متعهد بود و دائم التهجذ بود. روزهای اول انقلاب بود و ما باخبر شدیم جاهایی را بمباران کنند، من با عجله رفتم تا به امام خبر دهم، رفتم و کسی آنجا نبود، از پله‌ها بالا رفتم و وارد اتاق شدم، دیدم امام تنها نشسته و قرآن می‌خواند.

چند دقیقه‌ای همانجا ایستادم و قرآن خواندن امام تمام شد و قرآن را کناری گذاشت و پرسید: «چه کار دارید؟» گفتم: «خبری شنیدم و مضطرب شدم و آمدم به شما خبر دهم. می‌گویند فلان جاها را بمباران کنند.» اما امام هیچ تکان نخورد، هیچ حرکتی نکرد و هیچ نگران نشد! و این نبود مگر به خاطر همان مهمترین ویژگی ایشان که از نظر من یقین بود.

چون به یقین رسیده بود، همه قضایا برایشان عادی بود و در مواقعی که همه مضطرب بودند و نمی‌دانستند چه بکنند، امام هیچ اضطرابی نداشتند و آرامش عجیبی داشتند.



من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم

من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم
چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم
فارغ از خود شدم و کوس انالاحق بزد
همچو منصور خریدار سر دار شدم
غم دلدار فکنده است به جانم شرری
که به جان آمدم و شهره بازار شدم
در میخانه گشایید به رویم شب و روز
که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم
جامه زهد و ریا کُندم و بر تن کردم
خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم
واعظ شهر که از پند خود آزارم داد
از دم رند می آلوده مددکار شدم
بگذارید که از بتکده یادی بکنم
من که با دست بت میکده بیدار شدم

انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

از غم دوست در این میکده فریاد کشم
دادرس نیست که در هجر رخس داد کشم
داد و بیداد که در محفل ما رندی نیست
که برش شکوه برم داد ز بیداد کشم
عاشقم، عاشق روی تو نه چیز دگری
بار هجران وصالش به دل شاد کشم
در غمت ای گل شاداب من، ای خسرو من
جور معجون بیرم، تیشه فرهاد کشم
سالها می گذرد حادثه‌ها می آید
انتظار فرج از نیمه خرداد کشم

غم یار

باده از پیمانهٔ دلدار، هشیاری ندارد
بی‌خودی از نوش این پیمانه، بیداری ندارد
چشم بیمار تو هر کس را به بیماری کشاند
تا ابد این عاشق بیمار، بیماری ندارد
عاشق از هر چیز جز دلدار، دل برکنده، خامش
چون که با خود جز حدیث عشق، گفتاری ندارد
با که بتوان گفت از شیرینی درد غم یار؟
جز غم دلدار، عاشق پیشه، غمخواری ندارد
بر سر بالین بیمار رخت، روزی گذر کن
بین که جز عشق تو بر بالین پرستاری ندارد
لطف کن ای دوست، از رخ پرده بگشا، ناز کم کن
دل تمنایی ز دلبر غیر دیداری ندارد

حسن ختام

أَلَا يَا أَيُّهَا السَّاقِی! ز می پر ساز جامم را
که از جانم فرو ریزد هوای ننگ و نامم را
از آن می ریز در جامم که جانم را فنا سازد
برون سازد ز هستی هستهٔ نیرنگ و دامم را
از آن می ده که جانم را، ز قید خود رها سازد
به خود گیرم زمامم را، فرو ریزد مقامم را
از آن می ده که در خلوت‌نگه رندان بی حرمت
به هم کوید سجودم را، به هم ریزد قیامم را
نبودی در حریم قدس گلرویان میخانه
که از هر روزنی آیم، گلی گیرد لجامم را
روم در جرگهٔ پیران از خود بی‌خبر، شاید
برون سازند از جانم به می افکار خامم را
تو ای پیک سبکبارن دریای عدم از من
به دریادار آن وادی، رسان مدح و سلامم را
به ساغر ختم کردم این عدم اندر عدم‌نامه
به پیر صومعه برگو: ببین حُسن ختامم را!

مبارزات ایشان از نوجوانی و با مقابله با برخی خوانین و اشرار ستمگر که در پناه حکومت مرکزی به غارت اموال و نوامیس مردم می‌پرداختند، آغاز و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافته است.

کودتای رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی که بنا بر گواهی اسناد بوسیله انگلیس‌ها حمایت و سازماندهی شده بود. دیکتاتوری پدید آورد که سیاست داخلی آن بر سه اصل «حکومت خشن نظامی و پلیسی»، «مبارزه همه‌جانبه‌با مذهب و روحانیت» و «غرب زدگی» پایه‌ریزی شده بود و در تمام دوران سلطنتش استمرار داشت.

در چنین شرایطی روحانیت ایران برای دفاع از اسلام و حفظ موجودیت خویش به تکاپو افتاد. آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری به دعوت علمای وقت قم از اراک به این شهر هجرت کرد، اندکی پس از آن هم امام خمینی (س) با هجرت به قم عملاً در تحکیم موقعیت حوزه نو تأسیس قم مشارکتی فعال داشت.

رضا خان علاوه بر انواع تضییقات برای روحانیون، طی دستورالعمل‌های رسمی مجالس روضه و خطابه‌های مذهبی را تعطیل کرد. تدریس امور دینی و قرآن در مدارس و اقامه نماز جماعت را ممنوع و زمزمه‌های کشف حجاب بانوان مسلمان ایرانی را آغاز کرد، روحانیت متعهد ایران نخستین قشری بود که با آگاهی از اهداف پشت پرده به مخالفت و اعتراض برخاست. امام خمینی (س) علاقه خاصی به پیگیری مسائل سیاسی و اجتماعی داشت و بر همین اساس با حضور در متن جریان از نزدیک با مسائل مبارزه و چگونگی ستیز روحانیت و رضاخان آشنایی شد در این میان مبارزات روحانی مجاهد آیت‌الله مدرس تأثیر خود را بر روح پرشور امام بر جای می‌نهاد.

هنگامی که رضاخان برای از هم پاشیدن حوزه علمیه قم فرمان برگزاری امتحانات دولتی برای روحانیون را صادر کرد امام خمینی (س) به افشای اهداف پشت پرده و مخالفت با آن برخاست. متأسفانه در این ایام روحانیت ایران در پی تبلیغات وسیع رسانه‌های دولتی و شرایط پیش آمده بعد از نهضت مشروطیت دچار انزوا گرای شده بود به گونه‌ای که تدریس و تدرس رشته‌هایی چون عرفان و فلسفه از سوی بعضی کج‌اندیشان و راحت طلبان مقدس مآب مهجور و مطرود معرفی شد و امام خمینی (س) ناگزیر به تغییر مکان درس و تدریس در خفا گردید. محصول این تلاشها پرورش شخصیت‌هایی چون علامه آیت...مطهری بود. پس از رحلت آیت...العظمی حایری (۱۰ بهمن ۱۳۱۵ هـ ش) حوزه علمیه قم را خطر انحلال تهدید می‌کرد.

علمای متعهد به چاره جویی پرداختند. شخص امام در دعوت از آیت... برو جردی برای هجرت به قم و پذیرش مسئولیت خطیر زعامت حوزه مجادانه تلاش کرد ایشان که در یافته بود تنها نقطه امید به راهی در بیداری حوزه‌های علمیه و پیش از آن تضمین حیات حوزه‌ها و ارتباط معنوی مردم با روحانیت می‌باشند. در تعقیب هدفهای ارزشمند خویش در سال ۱۳۳۸ طرح اصلاح اساسی سساختار حوزه علمیه را با همکاری آیت... مرتضی حایری تهیه و به آیت‌الله برو جردی پیشنهاد کرد که البته تلاش همان خناسان و مقدس مآب‌ها مانع اجرای این طرح شد.

در شهریور ۱۳۲۰ کشور ایران در جریان جنگ جهانی دوم به اشغال قوای متجاوز متفقین در آمد. رضا شاه با همه ادعاهایش ذلیلانه از تحت سلطنت به زیر کشیده شد و از کشور اخراج گردید. فرمان سلطنت از سفارت انگلیس و با چراغ سبز روسها به نام محمدرضا پهلوی صادر گردید. امام خمینی (س) اینک فرصت را مغتنم شمرد و با تدوین و انتشار کتاب کشف‌الاسرار (۱۳۲۷هـ ش) فجایع سلطنت ۲۰ ساله پهلوی را افشا کرد و با دفاع از اسلام و روحانیت و پاسخگویی به شبهات و هجومه‌های منحرفین پرداخت و در همین کتاب ایده حکومت اسلامی و ضرورت قیام برای تشکیل آن را مطرح ساخت. سال بعد نخستین بیانیه سیاسی حضرت امام خمینی که در آن آشکارا علمای اسلام و جامعه اسلامی را به قیام عمومی فراخوانده بود صادر شد که انگیزه و انتشار آن بیدارباشی برای طلاب جوان بود و بدین ترتیب به تدریج حلقه‌ای از یاران همفکر در جمع شاگردان امام شکل گرفت. بنابه اسناد و خاطرات موجود حضرت امام خمینی (س) در تمام دوران زعامت آیت... برو جردی (ره) سعی خویش را مصروف حمایت از اقتدار مرجعیت، انتقال اطلاعات سیاسی و هشدارهای به موقع، جلوگیری از نفوذ عناصر کج فهم و در همین حال ارتباط با عناصر سیاسی موجه در تهران نظیر آیت... کاشانی و پیگیری مستمر مذاکرات مجلس شورای ملی و نشریات معتبر وقت می‌کرده و تحولات جاری را به دقت زیر نظر داشته‌اند.

در جریان انتخابات دوره شانزدهم مجلس، آیت... کاشانی از سوی مردم تهران انتخاب گردید و همکاری ائتلاف جناح روحانی آیت‌الله کاشانی با جبهه ملی کفه را به نفع طرفداران نهضت ملی شدن صنعت نفت و به زیان شاه سنگین کرد. دکتر مصدق رهبر جبهه ملی با بهره‌مندی از همین حمایتها به صدارت رسید. قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در تهران شکل گرفت و ایران پیروزی ملی شدن صنعت نفت را جشن گرفت ولی بزودی ناسازگاری در جبهه ائتلاف رخ نمود و اختلافات بین فدائیان اسلام و آیت... کاشانی و رهبران جبهه ملی تا مرز رویارویی توسعه یافت.

فقدان رهبری واحد، نفوذ عناصر ناصالح و نبود اهداف

امام خمینی؛ مبارزات و قیام پانزده خرداد

مشترک سیاسی و فرهنگی از جمله مواعی بود که صرف نظر از تحركات آمریکا و فشارهای خارجی ادامه مسیر نهضت را ناممکن ساخت. آنچه از مجموعه پیامها و سخنرانی‌های بعدی امام خمینی (س) استنباط می‌شود این است که آن حضرت از ابتداب ر ناپایداری ائتلاف پیش آمده واقف بود.

سرانجام کودتای ۲۸ مرداد بوقوع پیوست. فدائیان اسلام دست از مبارزه نکشیدند ولی دو سال بعد رهبران آن در دی ماه سال ۱۳۳۴ پس از محاکمه به جوخه اعدام سپرده شدند و تلاشهای امام خمینی (س) و دیگر علما در جلوگیری از اعدام آنان به نتیجه نرسید. شاه و دربار او بعد از کودتا در شرایطی متفاوت با دوره قبل بطور کامل در اختیار آمریکا قرار گرفتند و دولت انگلیس جای خود را به آمریکا داد.

بافت اجتماعی و اقتصاد سستی کشاورزی ایران مانعی عمده برای اصلاحات آمریکا در ایران به حساب می‌آمدند و طرح اصلاحات ارضی گامی آزمایشی برای تغییر این شرایط بر زمینه سازی برای تصویب اصول انقلاب سفید شاه بود.
دهم فروردین سال ۱۳۴۰ آیت...العظمی برو جردی رحلت کرد و امام خمینی (س) پس از رحلت ایشان، علی رغم استقبال حوزه علمیه و مردم همچون ادوار گذشته زندگی خویش کوچکترین قدمی برای مرجعیت خود برداشت. این در حالی بود که تحریر فتوای امام خمینی (س) بر تمام ابواب کتاب عروة الوثقی ۵ سال قبل از رحلت آیت... برو جردی پایان یافته بود و در همین سالها نیز حاشیه امام خمینی (س) بر کتاب وسیله النجاه – به عنوان رساله عملیه – نگارش یافته بود.

پس از رحلت آیت... برو جردی، رژیم شاه شتاب بیشتری به اصلاحات مورد نظر آمریکا داد و هم‌زمان کوشید تا



امر مرجعیت را به خارج از ایران منتقل کند. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که به منظور قانونی کردن حضور عناصر بهایی در مصادر کشور انتخاب شده بود به تصویب کابینه اسداله علم رسید (۱۶ مهر ۱۴۳۱) امام خمینی (س) به همراه علمای بزرگ قم و تهران به محض انتشار خبر دست به اعتراضات همه جانبه زدند که موجی از حمایت رادر افشار مختلف مردم برانگیخت. رژیم شاه ابتدا دست به تهدید و تبلیغات علیه روحانیت زدولی دامنه قیام رو به فزونی نهاد در برخی شهرها بازارها تعطیل و مردم در مساجد به حمایت از حرکت علما گرد آمدند. یک ماه و نیم پس از آغاز ماجرا، دولت یک گام عقب نشست و با ارسال پاسخ مکتوب شاه و نخست وزیر در صدد توجیه و دلجویی از علما برآمد. اماما خمینی (س) سرسختانه مخالفت کرد. ایشان معتقد بود که دولت می‌بایست رسماً لایحه را لغو کند و خبر آنرا انتشار دهد. سرانجام رژیم شاه تن به شکست داد و رسماً در ۷ آذر ۱۳۴۱ هیأت دولت مصوبه قبلی را لغو و خبر آنرا به علما اطلاع داد. امام خمینی (س) لغو مصوبه در پشت درهای بسته را کافی ندانست و بر ادامه قیام تأکید ورزید. فردای آن‌روز خبر لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در روزنامه‌های دولتی منعکس شد و مردم نخستین پیروزی خود را پس از ملی شدن صنعت نفت جشن گرفتند. با وجود شکست شاه در ماجرای انجمن‌ها، فشار آمریکا برای انجام اصلاحات مورد نظر ادامه یافت. شاه در دیماه ۱۳۴۱ ه. ش اصول شش گانه اصلاحات خویش را بر شمرد و خواستار رفراندم شد. امام خمینی (س) بار دیگر مراجع و علمای قم را به نشست و چاره جویی و قیام دوباره فرا خواند و سرانجام بسر اثر اصرار و مقاومت ایشان در مقابل برخی محافظه کاران قرار شد مراجع و علما مخالفت با رفراندم را صریحاً اعلام و شرکت در آنرا تحریم کنند.

حضرت امام خمینی (س) بیانیه‌ای کوبنده صادر کرد و متعاقب آن بازار تهران تعطیل شد و مأمورین پلیس به تجمع مردم حمله بردند در آستانه رفراندم تحمیلی ابعاد مخالفت مردمی فزونی گرفت. رفراندم غیر قانونی در شرایطی که به جز کارگزاران رژیم کسی دیگر در آن شرکت نداشت برگزار شد. امام خمینی (س) با سخنرانیها و بیانیه‌های خویش همچنان به افشاگری دست می‌زد از آن جمله می‌توان به اعلامیه ۹ امضایی اشاره کرد که در آن ضمن برشماری اقدامات خلاف قانون اساسی شاه و دولت، سقوط کشاورزی و استقلال کشور و ترویج فساد و فحشا بعنوان نتایج قطعی اصلاحات شاهانه پیش بینی شده بود.

با پیشنهاد امام خمینی عید باستانی نوروز سال ۱۳۴۲ در

اعتراض به اقدامات رژیم تحریم شد. در اعلامیه امام از انقلاب سفید شاه به انقلاب سیاه تعبیر و همسویی شاه با اهداف آمریکا و اسرائیل افشا شد. شاه که برای انجام اصلاحات آمریکا به مقامات واشنگتن اطمینان داده بود، تصمیم به سرکوبی قیام داشت برای همین مأمورین مسلح رژیم در روز دوم فروردین که مصادف با شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود اجتماع طلاب علوم دینی در مدرسه فیضیه را برهم زدند و به کشتار و جرح طلاب پرداختند.

در پی این حوادث منزل امام خمینی در قم هر روز شاهد حضور مردم انقلابی بود که برای حمایت از علما و دیدن آثار جنایت رژیم به قم می‌آمدند. امام در اجتماع مردم بی‌پروا از شخص شاه به عنوان عامل اصلی جنایات و هم‌پیمان با اسرائیل یاد می‌کرد و مردم را به قیام فرا می‌خواند.

در ۱۴ فروردین ۱۳۴۲ آیت‌الله العظمی حکیم طی تلگرافی به علما خواستار هجرت آنان به نجف شد. این پیشنهاد که برای حفظ جان و کبان حوزه‌ها مطرح شده بود باخشم رژیم شاه از جانب‌داری علمای نجف و کربلا از قیام



علمای ایران مواجه شد حضرت امام خمینی بدون اعتنا به تهدید رژیم پاسخ تلگراف آیت... حکیم را ارسال نمود و در آن تأکید کرد که هجرت علما و خالی کردن حوزه علمیه قم به مصلحت نیست.

امام در پیامی (تاریخ ۱۲/ ۲/ ۱۳۴۲) به مناسبت چهارم فاجعه فیضیه در همراهی علما و ملت ایران در رویارویی سران ممالک اسلامی و دول عربی با اسرائیل غاصب تأکید ورزید و پیمانهای شاه و اسرائیل را محکوم کرد و بدین ترتیب در آغاز قیام خویش نشان داد که نهضت اسلامی در ایران از مصالح امت اسلامی جدا نیست و محدود به مرزهای جغرافیایی ایران نیست.

قیام ۱۵ خرداد

ماه محرم ۱۳۴۲ که مصادف با خرداد بود فرارسید. روز عاشورا جمعیت صد هزار نفری در تهران با در دست داشتن عکسهایی از امام به تظاهرات علیه رژیم شاه پرداختند. عصر همان روز (۱۳ خرداد) امام خمینی نطق تاریخی خویش را که آغازی بر قیام ۱۵ خرداد بود در مدرسه فیضیه قم ایراد کرد. بخش عمده‌ای از سخنان ایشان به نتایج زیان بار سلطنت دودمان پهلوی و افشای روابط پنهانی شاه و اسرائیل اختصاص داشت بار دیگر فرمان خاموش کردن صدای قیام صادر شد. نخست جمع زیادی از یاران امام دستگیر و خود ایشان نیز در سحر گاه ۱۴ خرداد در حالیکه مشغول نماز شب بودند دستگیر شدند و غروب آن روز به زندان قصر تهران منتقل شدند. با انتشار خبر دستگیری امام در شهر قم سیل جمعیت با شعار «ا مرگ یا خمینی» به سوی منزل قائد خویش به حرکت در آمدند و در کنار حرم حضرت معصومه به رگبار نیروهای نظامی شاه بسته شدند.

در صبحگاه ۱۵ خرداد خبر دستگیری رهبر انقلاب به تهران، شیراز، مشهد و دیگر شهرها رسید و وضعیتی مشابه قم پدید آمد. امام خمینی پس از ۱۹ روز حبس در زندان قصر به زندانی در پادگان نظامی عشرت آباد منتقل شد. ایشان در حبس از پاسخ گفتن به سوالات بازجویان با اعلام این که هیأت حاکمه ایران و قوه قضائیه آن را غیر قانونی می‌داند، اجتناب ورزید. پس از دستگیری امام، اعتراضات گسترده‌ای از سوی روحانیت و اقشار مختلف مردم در سراسر کشور آغاز و خواستار آزادی رهبر خویش شدند، شاه نیز که در صدد عادی جلوه دادن اوضاع بود در ۱۱ مرداد ۱۳۴۲ امام را به منزلی تحت محاصره نیروهای امنیتی در منطقه داوودیه تهران منتقل کرد. و به دنبال آن خبرهای جعلی مبنی بر تفاهم مراجع تقلید با مقامات دولتی منتشر ساخت که با مخالفت شدید علمای وقت مواجه گردید. سرانجام رژیم شاه با این تصور که شدت امر در ماجرای ۱۵ خرداد مردم را متنبه و وادار به سکوت کرده در شامگاه ۱۸ فروردین ۴۲ بدون اطلاع قبلی امام خمینی را آزاد و به قم منتقل ساخت. سه روز از آزادی امام نمی‌گذشت که ایشان طی سخنرانی دیگری به تفصیل ابعاد قیام ۱۵ خرداد پرداختند و هر گونه تفاهم با رژیم را رد کردند. ایشان در این سخنرانی بار دیگر علیه روابط پنهانی شاه و اسرائیل افشاگری کردند و بدین ترتیب مهر بطالانی بر همه تصورات و تبلیغات رژیم زدند.

تهیه از: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۵۱، (برابر با ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۹۲، ۳۰ ژوئن ۱۹۷۲) نقل شده است

«کنکورد» در تهران پنجر کرد!

هوایمای کنکورد سوپرسونیک عصر دیروز در آستانه طولانی‌ترین سفرش بدور دنیا وارد تهران شد و پس از نشستن در فرودگاه مهرآباد چهار چرخ از هشت چرخ آن پنجر شد. این هواپیما که قادر است در ماورای سرعت صوت و با حداکثر سرعت ۲۲۴۰ کیلومتر در ساعت پرواز کند بوسیله انگلیس و فرانسه مشترکا ساخته شده و تا این لحظه نزدیک به یک میلیارد پوند «بیست میلیارد تومان» هزینه ساختمان آن گردیده است.

سفری که کنکورد از دیروز آغاز کرد، یکماه بطول می‌انجامد، این هواپیما ساخت کارخانجات شرکت هواپیماسازی بریتانیا است و در سفری که در پیش دارد جمعا ۶۵ هزار کیلومتر و هفتاد ساعت پرواز خواهد داشت که حداقل بیست ساعت آن را در ماورای صوت پرواز می‌کند.

مقامات کنکورد گفتند بدون شک تا دو سال دیگر سازندگان کنکورد موفق به از میان بردن کلیه مشکلات در راه پرواز کنکورد خواهند شد و طبیعی است که هر پروژه عظیم صنعتی توام با مشکلاتی در اول کار است. آنان در مورد علت پنجر شدن چرخهای کنکورد گفتند در مواقع معین و تحت شرایط خاصی باد چرخ‌های هواپیما خودبخود خالی میشود و خالی شدن باد چرخها در مهرآباد تحت همان شرایط یاد شده است.

هزاران مسافر تعطیلات خود را کنار ساحل گذرانند

روز جمعه هوای ساری و مناطق اطراف آن آفتابی و گرم بود و امسال برای اولین بار هزاران نفر از مسافران بدریا رفتند و آب‌تنی کردند.

گزارش خبرنگار ما در ساری حاکیست: ظرف دو روز گذشته بیش از یک‌هزار اتومبیل از تهران و سایر شهرها به مناطق ساحلی ساری وارد شدند و تعطیل پایان هفته خود را در پلاژهای ساری گذرانند. خبرنگار ما در کرج نیز گزارش داد ظرف دیروز و عصر پنجشنبه سبیل اتومبیل بطرف کرج و گردشگاههای اطراف این شهر سرازیر بود و بطور تقریب ده تا دوازده هزار اتومبیل با بیش از سی هزار مسافر روز تعطیل خود را در کنار رودخانه چالوس -باغات کرج و گلشهر و عظیمیه گذرانند. گزارش خبرنگار ما در بابلسر حاکیست: عصر دیروز در این منطقه از ساحل دریای شمال هزاران مسافر تهرانی و شهرستانی برای اولین بار بدریا زدند و آب‌تنی کردند. این گروه از مسافران در پلاژهای بابلسر که از مدتی قبل آماده شده بود اقامت کردند و خبرنگار ما از بابلسر گزارش داد که ششای مسافران تهرانی و شهرستانی در روز جمعه خالی از بیم و خطر نبود زیرا در سراسر پلاژهای بابلسر حتی یک مامور نجات غریق وجود نداشت.

آب لوله‌کشی ساوه، مردم را بیمار می‌کند!

با وجودیکه از سال چهل و دو تاکنون، آب لوله‌کشی در اختیار مردم ساوه قرار گرفته است، عده‌ای از اهالی بعثت سنگین بودن این آب، از نقطه نظر پزشکی آب مشروب خود را از تهران تأمین میکنند!موضوع آب آشامیدنی ساوه، از مدت‌ها قبل مورد بحث محافل و مجالس گوناگون این شهرستان بوده و تاکنون عده‌ای از اهالی ساوه را دچار ناراحتیهای هاضمه و سنگ کلیه کرده است. با توجه باین امر خبرنگار اطلاعات در ساوه برای بیشتر روشن شدن موضوع جریان را با چند تن از پزشکان این شهر در میان گذاشته است. دکتر بهنیا رئیس بهداری ساوه در این زمینه گفت:

«آبی که اکنون اهالی مصرف می‌کنند، دارای املاح معدنی سنگین است و قابل شرب نیست. بر اثر خوردن این آب مردم تدریجا دچار ناراحتیهای هاضمه میشوند و بعثت وجود املاح زیاد، سنگ کلیه نیز گریبانگیر آنها میشود. طبق آزمایشاتی که بر روی آب ساوه در تهران بعمل آمده است، این آب برای بیمارانیکه مبتلا به ناراحتی هاضمه هستند خطرناک است و بیماران باید از خوردن آن پرهیز کنند!جالب اینکه دکتر بهنیا در پاسخ این سئوال خبرنگار اطلاعات که «شما خودتان آب آشامیدنی از کجا تهیه میکنید» اظهار داشت: من هفته‌ای دو بشکه آب از تهران برای مصرف خود و خانواده به ساوه می‌آورم!

کشاورز ۱۲۰ ساله اصفهانی زمین‌دار شد

اصفهان - یک کشاورز ۱۲۰ ساله اصفهانی پس از یک قرن زندگی در فقر، ناگهان ثروتمند شد! این کشاورز سالخورده که بعنوان موفقترین کشاورز سال در اصفهان شناخته شده است، علی‌اکبر شعبانی نام دارد. علی‌اکبر این هفته موفق به گرفتن سند زمینی شد که از یکصد سال پیش تاکنون در آن مشغول کشت و زرع بوده است. علی‌اکبر روز دوم فروردین ماه گذشته بخاطر صدور اجرائیه از طرف مالک قبلی زمین، بعثت پرداخت نکردن اجرت‌المثل، وسیله مامورین ژاندارمری «همایونشهر» اصفهان بازداشت گردید، و در پاسگاه با ضمانت سه‌فرزند خود که رفتگر هستند، آزاد شد، مشروط بر اینکه پسران علی‌اکبر هر ماه مبلغ پانصدریال به مالک زمین پرداخت کنند. علی‌اکبر پس از آزادی شکایتی تسلیم اداره کل تعاون و امور روستاهای اصفهان کرد. بدنبال این شکایت مدیرکل تعاون و امور روستاهای اصفهان شخصا به پرونده کشاورز ۱۲۰ ساله اصفهان رسیدگی کرد و دستور داد اجرائیه را متوقف کنند، چه طبق قانون «واگذاری زمین‌های استیجاری به زارعین مستاجر» میبایستی زمین، قبلا به علی‌اکبر انتقال داده شده باشد.

اقدامات لازم در این مورد انجام گردید و چند روز پیش، در دفتر خانه شماره ۲۹ اصفهان سند مالکیت چهارهزار مترمربع زمین کشاورزی بنام علی‌اکبر کشاورز ۱۲۰ ساله اصفهان، صادر گردید.

قالب امروز



امروز با حافظ

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش

از بس که دست می‌گزم و آه می‌کشم

آتش زدم چو گل به تن لخت لخت خویش

دوشم ز بلبلی چه خوش آمد که می‌سرود

گل گوش پهن کرده ز شاخ درخت خویش

کای دل، تو شاد باش که آن یسار تندخو

بسیار تندروی نشیند ز بخت خویش

خواهی که سخت و سست جهان بر تو بگذرد

بگذرز عهد سست و سخن‌های سخت خویش

وقت است کز فراق تو وز سوز اندرون

آتش در افکنم به همه رخت و پخت خویش

ای حافظ، ار مراد میسر شدی مدام

جمشید نیز دور نمادی ز تخت خویش

داستان کوتاه

کمی آهسته‌تر

مادر خسته از خرید برگشت و به زحمت زنبیل سنگین را داخل خانه آورد. پسر بزرگش که منتظر بود، جلو دوید و گفت: مامان، مامان، وقتی من در حیاط بازی می‌کردم و بابا داشت با تلفن صحبت می‌کرد، تامی با مازیک روی دیوار اتاقی که شما تازه رنگش کرده اید، نقاشی کرد. مادر عصبانی به اتاق تامی کوچولو رفت. تامی از ترس زیر تخت قایم شده بود، مادر فریاد زد: تو پسر خیلی بدی هستی و تمام مازیک‌هایش را در سطل آشغال ریخت. تامی از غصه گریه کرد. ۱۰ دقیقه بعد وقتی مادر وارد اتاق پذیرایی شد، قلبش گرفت. تامی روی دیوار با مازیک قرمز یک قلب بزرگ کشیده و داخلش نوشته بود: مادر دوست دارم. مادر در حالیکه اشک می‌ریخت به آشپزخانه برگشت و یک قصاب خالی آورد و آن را دور قلب آویزان کرد. تابلوی قرمز هنوز هم در اتاق بر دیوار است.

قانون های حل جدول سودو کو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بد بهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۷		۳	۱	۵	
۳				۶	
			۹		
۴		۵	۲		۶
	۲		۳	۵	۸
۷		۸		۴	۹
			۶		
	۴				۱
	۹	۵		۲	

حل جدول شماره ۵۱۶

۴	۱	۷	۵	۸	۶	۳	۹	۲
۴	۶	۵	۳	۹	۲	۱	۸	۷
۲	۹	۸	۴	۷	۱	۶	۳	۵
۵	۴	۲	۷	۱	۳	۹	۲	۸
۶	۷	۹	۸	۲	۵	۳	۴	۱
۱	۸	۳	۹	۶	۴	۷	۵	۲
۹	۵	۶	۱	۴	۷	۸	۲	۳
۷	۲	۴	۳	۸	۵	۱	۹	۶
۸	۳	۱	۲	۵	۹	۴	۷	۶

جدول سودو کو

آسان ۱۱۹۴

سودوکو (Sudoku)

یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدددهای بی تکرار است وامروژه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل جدول شماره ۱۱۹۳

۴	۲	۶	۴	۹	۸	۱	۷	۵
۱	۴	۷	۳	۲	۹	۶	۵	۸
۹	۸	۵	۶	۱	۷	۳	۲	۴
۳	۹	۸	۶	۲	۵	۱	۷	۴
۵	۷	۸	۱	۲	۹	۳	۴	۶
۶	۱	۵	۳	۸	۹	۲	۷	۴
۸	۵	۶	۷	۴	۳	۲	۱	۹
۴	۹	۱	۲	۷	۵	۶	۸	۳
۷	۶	۲	۵	۸	۱	۴	۹	۳